

قدم مثبت دوم شورای هرات آنست که شورای قیادی طرح نواز شریف را بی اعتبار اعلان نمود و قیادت را از انحصار اجاره داران بیرون کرد. تصویب مهم دیگر شورای هرات محکوم نمودن مداخله همسایگان در امور افغانستان است که از طرف یک جمعیت کثیر بایک صدا و بشدت محکوم ساخته شد و بصورت کتبی بکشور های مداخله گر و سازمان ملل متحد ابلاغ گردید که بی تاثیر نخواهد ماند. همچنین حکومت ساخت دست خارجیها را محکوم و مردود دانست .

شاید رباني در طول بیشتر از دوسالیکه گذشت باین نتیجه رسیده باشد که بر اوضاع مسلط شده نمیتواند و ترجیح داده است در عرض آنکه صحنه را برقیش رها کند بملت واگذار شود. از جانب دیگر حکمتیار عامل تمام مصائب و تباہی است، هدفش اینست که افغانستان منحیث فدراسیون تحت نفوذ پاکستان قرار گیرد. طرحهای سابقه بخاطری ناکام گردید که از طرف پاکستان تهیه گردیده بود. در آنوقت ملل متحد با افغانستان علاقه بیشتر داشت، پلانی برای صلح تهیه نموده بود، در حالیکه آقای میستری بدفعات مکرر گفته است برای صلح افغانستان کدام طرحی ندارد، اینکار خود افغانها است. باید خاطر نشان کرد که در آنزمان ملل متحد بکمک کشورهای غربی مبلغ یکهزار و هشتصد ملیون دالر برای باز سازی افغانستان جمع آوری نموده بود که رهبران یا رهنمایان آنرا از دست دادند و بمصرف کمبودیا رسید. اکنون که ملل متحد از مدتیست که برای تهیه عاجل ادویه و خوراک فقط شصت ملیون دالر را تقاضا نموده است کشورهای عضو بصدايش لبیک نمیگویند. ازینجا از ملل متحد نباید توقع زیاد داشت و باید افغانها خود دست بکار شوند. شورای هرات مساعدت ملل متحد را تقاضا نموده است و آقای مستری ازین شورا استقبال کرده است. شورای هرات از یک قسمت زیاد مردم افغانستان نمایندگی میکند و هسته است که سایر ولایات بان پیوست شوند و با اتفاق نظر لویه جرگه واقعی را برگزار نمایند و حکومت مورد اعتماد مردم بدون مداخله اجنبی تشکیل گردد. و من الله التوفیق. ۱۲ آگست ۱۴۰۰. با عرض حرمت

در آخرین دقایق یک مجله هنوز از چاپ نمرامه بود بتاريخ ۳۱ اگست ۹۴ خبری دریافت نمودیم بحواله ریپوتر که شورای عالی هماهنگی (گلبدين دوستم وحدت) در يك اعلاميه منتشره از پاکستان گفته است که شيوه مطلق بدست آورده است که طيارات ملکی اريانا که توسط رژيم ربانی کنترل و استفاده ميشود از ميدانهای نظامی استفاده کرده و بحمل بانکوت جعلی، اسلحه مختلف و صاحب منصیان نظامی از ماسکو و دهلی بکابل مصروف بوده اند. اعلاميه علاوه نموده که ۶۰۰۰ پرواز از روز جمعه دوم سپتامبر ۱۹۹۴ بهيچک طياره اريانا اجازه داده نخواهد شد که بالای قلمرو فضائی افغانستان پرواز يا فرود آيد. مابتنظام قوای هوائی وزمینی خودهدايت داده ايم تا هر طياره اريانا را که از اين اخطار پيروي نکند چه در هوا باشد يا در زمين سقوط دهند. ۶۰۰۰ پرواز طيارات هندی بکابل حتی اشترک پيلوتهای هندی در عمليات نظامی ربانی راپور رسیده امار رژيم ربانی انرا رد نموده است. مقامات دولت پاکستان گفتند که در ماههای اخير تعداد پرواز طيارات اريانا بدهلی ترسيد يافته است. دولت هند بمقابل شناسائی حکمتيار از نهضت ازاد يخواهی خالستان عکس العمل شديد گرفته و برای از بين بردن گلبدين در عمليات نظامی مشترک بار رژيم ربانی سهيم شده است. افواه است که روسيه و هندوستان بکابل ديگر برای تخريب افغانستان اينبار با حکومت ملا ربانی همکاري را شروع کرده اند.

به حکمه کشیده نشد؟

در صفحه ۶۷ مطلب در بین اینها افغانستان نوشته جناب محمد همامون اعتمادی را تحت عنوانی مشاهدهات و نظریات آقای محمد همامون اعتمادی خواندم و از آنجائیکه من هم در نوشته خود تحت عنوان ((عبدالملک عبدالرحیمزوی کی بود چه میخواست و بطور بی شهادت رسید)) مطالبی در باره برطرفی و بالاخر حبس و زندان وی نوشته بودم که با نوشته و ابراز معلومات جناب همامون اعتمادی مغایرت کامل داشت باین معنی که به معلومات من که از بیمار نزدیک باوی در تماس بودم و وی را با تمام معنی او می شناختم بدون ارتکاب واقعی کدام جرم مانند هزاران هزار قربانیان بیگناه وقت و زمان باین اتهام و ان خوف و ترسهای موهوم از آنها در محاسن انداخته اند و یا بدون محاکمه و جرم مشهود محض به اراده و خواهش قدرت جبروتی حاکمه مطلقه بی شهادت رسیده اند از طرف برطرفی یا لاخره؟ حال به انتظار محاکمه علمی و ثبوت جرم خیانت ملی با سازش با دشمنان افغانستان که وجه اتهام بر وی بود در حبس و زندان گذشتاند مگر آقای اعتمادی در مورد برطرف شدن و حبس مرحوم عبدالرحیمزوی نوشته اند ((تنها همینقدر که من میدانم اینست که ملک خان با اثر کودتا اثر از وظیفه خلع گردید که خبر آن همزمان از طریق رادیو به اطلاع مردم رسانده شد - از آنجائیکه آقای اعتمادی شخصیت مقرب دربار در عین حال مدتی متمادی امور دارالتحریر را هم نیز بودند من منتهی همان نوشته خود در باره بیگناهی ملک خان از ایشان خواهر میکنم لطفا معلومات ثقه و واقعی خود را در باره کودتای وی به اطلاع عامه برسانند علت این را که چرا ملک خان بعد از گرفتاری و بند پولیسی و قیطه درباری بر گرفتاری وی با داشتن فکر کودتا و با اقدام عملی نمودن آن به محکمه کشیده نشد چه بود؟ تا این

حوالات و اتهامات رفع می شد که او با چه ذریعه و از کدام طریق کودتا میکرد؟ کودتای وی مکرری بود و با ملکی ذریعه فرقه های مکرری انجام می شد و با ذریعه دوشان و غنیان او و با موریس و آژ مالبه و اعتماد و با طور هجوم مردم لهو گردید و یا کیا؟ و یا به قدرت تهاجمی محاکر خارجی صورت میگرفت که آنرا (نظر به نشر اخبار) پولیس بیدار حکومت کشف کرد؟ بهر حال آنچه را مردم از دستگاه تبلیغاتی سرکاری شنیدند غیر از آنچه بود که اکنون آقای اعتمادی نوشته اند باز هم باید همین اکنون این سوالات تکرار شود که چرا دولت وقت از شرح و تفصیل با ثبوت و افشای مطلق آن کودتا اگر واقعیت داشت و مخصوصا وقتی پای مداخله یک قدرت اجنبی نیز در بین می بود خود دارای نمونه مگر و طرق همان قدرت تهدید به خاموشی گردیده بود که آن ترس مکتوبات اختیار نمود؟ آیا بهتر نبود که آن مملکت خارجی نیز با اعمال و نظریات سروان علیه یک کشور شالو به طرف و متقبل در دنیا کاملاً معرفی می شد و جرم مشهود آن در جهان با استدلال قانونی و مدارا مشروا منیت جهانی بر ملا میگردد؟ چرا چنین نشد و با چرا به سازمانهای امنیتی بین المللی شکایت بعمل نیامد؟ چه علت سیاسی داشت چنان ضد قوی که با مل جمع بین المللی هیچ وقت قابل اغماز نیست جنایات ملی اگر از آن حدال هم بگری شود حکم آن امروزی است و مرتکبان آن جنایات تاریخی و ملی با مرور زمان از ذهنها محو و از دیده ها ناپدید نمیکردند هرگز نباید چنان تصور شود انسانیکه در جوامع بشری مرتکب جنایات شلو و یا میشوند فراموشی خاطرها نگفته و لواطها از آن گذشته است بدنامها بد نام و نیک نامها نیک نام هستند انسانیکه در جامعه ما مرتکب جنایات ملی شده اند و یا بعد از این میشوند مثل خائنین مومنه - تنفنگ داران کنونی ما که هر یک شان بنحویه خود افغانستان را دستی به دشتی میفروشنند مردم را قتل عام مینمایند کشور را غراب و ویران می سازند نباید انتظار داشته باشند خود شان و یا بعد از خودشان نسلهای آینده شان که نام شان و اعمال و جنایات شان از دلها و زبانها زنده میشود این حکم عدالت الهی و معنی و مفهوم

در شماره ۳۸ آیینیه افغانستان خبری داشتیم تکان دهنده که رژیم اسلامی (؟) ایران مسجد شریف فیض واقع شهر مسجد را که از صدها سال با بنظر مرکز عبادت و تجمع اهل تسنن در مشهد بود خصوصاً برای اهل هراتی ما وقتی بمشهد میرفتند در همان مسجد نماز میگذاردند قهراً و قصد مسجد مذکور را تخریب نموده است تا مردم سنی مذهب دیگر مرکزی در مشهد نداشته باشند. بعداً شنیدیم که امام مسجد مذکور را که یکتن از علمای جید عالم اسلام بود نیز بشهادت رسانیده اند. يك دا نشمندا فغان توسط تلفون گفت حکومت های ایران از سالها با بین طرف در نظر داشتند این مرکز بزرگ اهل سنت و جماعت را از بین ببرند ولی تا زمانیکه در افغانستان يك حکومت مرکزی قوی وجود داشت با بین امر مبارزت و رزیده نمیتوانستند و بلکه اخطارهای هم طور شفاهی از طرف حکومت سابق افغانستان بدولت ایران داده شده بود که اگر بچنین جنایتی دست بزنند اعتراضات شدید و احتجاجات عامه در افغانستان تبارز و مناسبات مملکتین بهم خواهد خورد لهذا حکومت ایران جرات اجرای این خیانت و جنایت را نداشته اما حالا که افغانستان حکومت ندارد و ملاریا نمیخودش جبرود سنگران ایران بوده اعضای مهم حکومت او از قبیل دا کتر جلیل شمس، دا کتر نصری قشقا سو دا کتر مخدوم رهین و امثالهم از ایران پرستان معروف میباشند و مرکز بزرگ تبلیغات ایران در شمال کلفورنیا توسط سعید فیضی و روزنامه امید صورت میگیرد، لهذا حکومت ایران فرصت را مساعد دیده با بین جنایت دست زد.

ولی رژیم اسلامی (؟) ایران با بین هم اکتفا نکرده برای پوشاندن این جنایت و جنایات دیگر يك سلسله اقدامات و تبلیغات اضافی بر علیه افغانستان دست زده افغانستانها را متهم بقتل و جنایات نموده حتی آنها را الهوده بفساد اخلاقی و نمود ساخته میگوید از افغانستانها میا جر بیشتر از یک ده هزار طفل حرامی در ایران تولد شده است. اینک شما و متن گفتار و الی مشهد که در روزنامه مورخ ۲۲ اگست عصر امروز در لاس آنجلس چاپ شده است.

توقع ما اینست که افغانستانها بهر کجا که هستند و بهر طریق میتوانند در مقابل جنایات و تبلیغات سوء مقامات رژیم اسلامی (؟) ایران وظیفه ملی و وجدانی خود را ایفا کنند. نامه جناب دکتور رشتیا که بمقامات ایرانی نوشته و در همین شماره نشر شده نیز قابل تمجید و تامل بسیار است.

بنابگفته اسمعیل مفیدی استادداز
خراسان در یکی گفتگو
باگزارشگران روزنامه ابرار
بالاگرفتن شمار جنایات و
تبه کاریهای پناهندگان افغانی
درشهرمذهبی مشهد نیروهای
انتظامی وامنیتی این
شهریادشواربهای بیشمار
روپوساخته است.

استاندار خراسان افزود که تعداد جنایات در این شهر از سوی پناهندگان افغانی به بالاترین مرز خود در چند سال گذشته رسیده است. وی گفت با توجه به این شرایط پناهندگان را باید در یک منطقه ویژه اسکان داد و برای اداره چنین منطقه‌ای باید آئین‌نامه‌های ویژه‌ای تدوین شود.

اومیا فزاید آمار جنایات مانند
خرید و فروش و قاچاق مواد
مخدر، قاچاق اسلحه،
آدم‌ریائی، آدم‌گشی، - تجاوز
جنسی و دزدی معمولی و مسلحانه
در برخی مناطق توسط پناهندگان
افغانی به اندازه‌ای است که
دیگر غیرقابل تحمل شده
و ناخشنودی شدید شهروندان
مشهدی را فراهم ساخته است.

مفیدی گفت: در میان پناهندگان افغانی در استان خراسان ۸۰ هزارمورد اعتیاد به هروئین، ۵۰ هزارمورد ازدواج غیرقانونی و ۱۸۰ هزار کودک نامشروع وجود دارد. مفیدی دریابان گفت، برخی از افراد مذهبی در مشهد قاچاقی کتابهایی چاپ و پخش کرده‌اند که سخت مورد انتقاد مسلمانان شیعه است و دستور جمع‌آوری این رساله‌ها و کتاب‌ها داده شده است. یادآور میشود که هم‌اکنون دویستون افغانی در ایران پناهنده هستند.

حیات و ملات واقعی انماها است اگر نام و اعمال آنها امروزه یا چند سال بعد از طرف کسی نوشته میشود و یا روی صفحه از تشریه جاری میگردد و بختی و بدی که مستحقان است یاد میشود نباید از نویسنده و یا ناشر غیر از آن چیز دیگری توقع داشت که خود را گناه حمایت و یا اغماز از جنایت جانی و خاین است بادرک این نکات احسان حیات اجتماعی و بشری باز هم باید تکرار شود که چون عبدالملک مرحوم طرف اتهام ملی بعد از مرگش قرار گرفته و در آن روز قدرتی وجود نه داشت که قوت حاکمه را مجبور می ساخت اتهام خیانت ملی را علیه وی به کسی ثبت بنماید و لی امروز آن قدرت زورگو وجود ندارد و جدانهای بیدار باید از نوشته من و امثال آن خوف نکنند و بلکه با نهیب وجدان این نوشته ها را بخوانند نشر کنند و اثرات سیاسی دو دشنام ندانند بلکه بدانند که با عدالت خداوندی از وجدانهای عالم روزهای را استقبال مینمایند که در آن روز ها جنایات ملی و جنایات در ملک مملکت میگذرد با صداها و بلکه هزاران هزار نفرت و دشنام یاد میشود ... از آن واقعه تا امروز ... تخمین می و چند سال میری شده است تفصیل آن کودتا و نشر واقعی آن از طرف جناب اعتمادی علاوه بر اینکه طرف دلجمی کافی مردم افغانستان است همانطوریکه گفتم معرفی ممالک و با مملکتی که میخواست در افغانستان نفوذ کند و مثل روسها که ذریعه خلقی و پرچمی افغانستان را اغفال نمودند نظر به نوشته آقای اعتمادی گویا ذریعه ملک خان اغفال می نمود بر ملا میشود و در آرشیف ملی این مملکت با اسنادی قوی درباری از جانب اعتمادی صاحب

به ثبت میرسد که یک وثیقه بسیار معتبر و ملی امن کشور
 علیه دشمنان و بیوفایان امروز افغانستان محسوب میشود و اگر
 همچو یک وثیقه ملی علیه کسی وجود نداشته باشد معنی
 و اعتبار وارد نمون اینطور اتهامات علیه اشخاص هر وقت و زمانیکه
 صادر نردند خدا و خطایا چه خداوند بده و بدارد. آن چه ۴۴

با دناشت ادا ره: مرحوم میرزا علی قزاقی و حبس و زجرهای زندان مرحوم
عبدالمملک عبدالرحیم زی درمجله ایینه افغانستان مقالات زیادی
بفمول چندمقاله آقای الحاج غفوری نشرگردیده است و ما دوام آنرا
بخط مرحوم محدود مجله ۱۵ روزه لازم نمی بینیم. اسناد و شواهدیکه
نزد مجله ایینه افغانستان تراکم نموده میرما ننندکه مرحوم عبدالملک
عبدالرحیمزی قربانی یک توطئه کمونستی شده است. با این معنی که
روسها بر دناشت چنین یک شخص مسلمان صادق و وطنپرست را در کا بیته
لیونی سر دارن داشتند و او را مانع پیشبرد پلانهای خود میدیدند. روسها از
خرابی مناسبات بین سردار محمدنعیم خان که او هم سخت دیکتا تور مشرب
بود و مخالف نظر را در امور دولتی اجازه نمیداد با خبر بودند لهذا
توسط پرچمها توطئه ای ریختند و از بعضی گفتارهای ملک خان ثبت
اواز کردند و چیزهای دیگری نیز بان افزودند و آنرا به خورد حکومت
بخشید و مانده منج لیونی سردار ندادند. پلان کی جی بی موفق شد و
عبدالرحیمزی بزندان رفت. بعدا ها خود لیونی سردار و برادرش و
همچنان جناب پادشاه سابق با این اشتباه بزرگ پی برده بودند ولی
هیچکدام شان تنزل به عفو نکردند. این جنایت در حق عبدالرحیمزی
در دوره سلطنت اعلحضرت محمدظا هر شاه رخ داده و اعلحضرت شان این
اعتراف و طلب عفو را بچند مرده عبدالرحیمزی مدیون میباشند که باید
بحیث با پای ملت این دین را ادا کنند. در غیر آن در صورتیکه نزد
اعلحضرت اسناد و شواهدی در ملزمت و مجرمیت مرحوم عبدالرحیمزی
موجود باشد بدسترس مطالبه مردم بگذارند. با عرض حرمت. (هاشمیان)

مملکت غور! می و تمنای غفوری
 با عرض مملکت از آقای محمد اسحق غفیری و اظهار تشکر از معلومات
 و ان نصرت به حیات جناب پدر بزرگوارشان جناب غفیری یکی
 از غفیرت های با فضل و دانش کشور من رحمت الهی را در
 حالت حیات و ممات برای شان تمنای می نمایم
 غفوری

شماره مسلسل ۴۰

اگر مجله بشما نرسیده، گویا اشتراک شما نرسیده!

رابورتر مجله معروف «فگارو» ماگازین» تاریخ ۲۸ می ۹۴ چاپ پاریس طی بازدید از این
نود از وقایع و اوقات درد انگیز کابل گزارش می توانم باینکه تعداد بسیار بزرگ و رنگ
تهیه و درست نشر سیده است. تصاویر این مجله خالصانه شاهد گویائی از وضع کابل
ویرانه و خون آشام افروزی، تخریب و کشتار بوسیله عناصر جاه طلب است.
بطالع حوادث حسرت بار و مشاهده تضاد و چنان خفقان و رنج می آفریند
که گوئی آدمی در پی یک صاعقه آسمانی بیک باره سعی در برابر نابودی کلمه عزیزان
و تباهی همه هستی خود که محصول سالها مشقت و زحمت هنرین نسل ماست قرار
می گیرد. در رخ که نه قطع حلقه وزن که نه افغانستان و نه وسایل تخنکی و مالی آن
اجازه میدهد که این تصاویر گویا تر از قلم چاپ گردد تا همه کسانی که در محنت این
گونه بیشتری از حال گوشه ای از کشور و این شهر کابل بگریزند و در آنروزه جانگزار
و ماتم آنان شریک گردند. بنابراین ترجمه و تلخیصی که از مطالب گزارش فگارو
تهیه کرده ایم حد اقل یک حد از احوال آن شهر ماتم زده خبری دهد با آن
گزارش تحریری، مطالب دیگری در عین موضوع، از روزنامه های لوپونر چاپ
پاریس تهیه و بدان اضافه گردیده است. اما بخش کلی این مطالب از آن مجله
«فگارو» ماگازین» می باشد. پوهان و دکتور احسان روستامل.

اینک دو سال است که جنگ داخلی در کابل، این پایتخت اشباح یک کشور دران شده و بعد از
تجاوز و خروج قشون شوروی، بدون وقفه دوام دارد. دو رقیب متضاد
یعنی احمد شاه مسعود از یکطرف و مجاهدین حکمتیار از جانب دیگر کشور را بجا و خون نشانیده اند
در میان جنگ افروزان کوفی، الهفالی، ماضری «به شهن» ده را دو دزد ساله کثرت دیر می شود.
این مجاهدین هر دو سال نیست به سائر جنگ جوانان خطرناک تر از آنکه خود زور در شان در برابر حوادث
غیر متوقعه بنا بر فقدان پیش بینی و محصله به تناسب کلان سالان طالبان ترویج می کنند.
از جمله سلاح های کشته ها و آن ها و اعم از تیر و دوزخی تراز راکت و توپ اثر - البته توپ و راکت
تیر فاعده می آفریند بطوریکه با اصابت آنان سراسر یک عمارت با فیه و آخری منفجر شده و فرو می ریزد
اما هاوان از لحاظ شلیک از موقع اصابت به هدف، در طی ثانیه های خاتمه را نیز انتظار
در قلب و اعصاب انسانی شکلیه لحظات نزدیک مرگ را ایجاد می کند. می توان به فکر افتاد که
انجیری که هاوان را اختراع کرده است و قاعده یک مریض روانی خطرناکی بوده است! ...

آرامش انسانی با صدای این پیام آور مرگ بر هم می خورد. آواز دشت آور «لوم»
هاوان عین شلیک، با صیغره گوش خراشی که با پیشرفت بسوی هدف از آن
منعکس می شود و باز به هدف می خورد یا عالمی از دلهره و خوف انسانی همراه است.
آنانکه بعد از قیر این سلاح مرگ آور، بدترین لحظات تشویش و هول را
می گذرانند وقتی انفجار آنرا دورتر از قرارگاه خود مشاهده می کنند یا شادی،
تکر خدا را بجا می آورند که این بلای مهیب از جان و کاشانه شان رد شده است.
مردم، قهره ای توپ، تانک، راکت و هاوان را از آواز های شلیک
آنان می شناسند. بعضاً از طرف جلادان بیصیالت مقابل هفت یا
هشت آواز شلیک هاوان یکی پی دیگر بطور مجموعی شنیده می شود که گوئی همچو
پیام آوران امروز مرگ بسوی شما در حرکت است سپس هشت انفجار با آواز
رعد آسا صداقل پرده های گوش شما را عین عبور از مجاری تن شما بر آید
می زید در برابر من شما نشسته و نظرو و ویراغ های شیشه ای می شکنند،
اتاشیه منتزل و دیواره های مسکن شما ضعیف پس از برقراری سکوت، هنوز
هم می لرزنند... هرگاه شما بنابر عادت چنان و آنمود کنید که به عبور

بهمه مردم کشور ما و جها نیان معلوم است که
معضله و قضیه جنگ افغانستان را نهایت
حاد و پیچیده ساخته اند. اگرچه در ظاهر
قوای شورویها خاک ما را ترک گفته اند
اما اجانب در زیر بنا از جها رطرفدرا مور
مملکت ما مداخلات نموده توسط ایجنتهای
خونخوخته حالت مردم ما را از روخونچکان
نموده و ملکهها را ویرا نکرده اند. علت کلی
همان اختلاف نامقدس و خلاف انتظار و توقع
مردم ما بوده است که فعلا کمونتها به تار
وپود مردم و مملکت رخنه کرده جنگ و آتش
سوزی را بر راه انداخته اند و دیگران با
مداخلات بیشرمانه و غیر انسانی در زیر بنا
بهره برداری پیدا رند. اگرچه از مدتهاست
نمایندگان ملل متحد و سران بعضی ممالک
در موضوع فعالیت ها داشته و میخواهند صلح
و امنیت را برقرار سازند اما مشرکدام شمر
نشده بلکه با قطع یا بطی ساختن کمکها
معضله را بغرنجتر ساخته اند و علت
فهمیده نشد که چرا؟
تورن محمد اسمعیل خان والی هرات که اصلا
عضو حزب جمعیت و طرفدار دولت مرکزی بوده
و استارانه و اعلان نمودن عده ای از دانش
مندان، اهل خبره و صاحبان نفوذ از خارج
و داخل بدعوت در شهر باستانی هرات تشریف
آورده درباره زعیام آینده مملکت تمامیم
بگیرند و راه های صلح و امنیت را جستجو
و تجویز بگیرند مردم رنجیده و آواره گان
با انتظار فیصله آن دقیقه شمار می میکردند
خلاف انتظار هرگاه مصوبه و فیصله مذکور
واقعا آن باشد که تحت یازده ماه در
شماره ۱۱۹ جریده امید نشر شده است ایکاش
احدی نمیرفت و چنان مصوبه خلاف و میان
تهی و یکجانبه و کاملاً بمنفع دولت موجوده
امضا نمیکردند و نام نیک خود را در
انظار زایل نمیکردند.

طوریکه فیصله نامه مذکور مرور شد مواد
متذکره بصورت کل هوا بندی بوده تطبیق
آن فعلا در افغانستان جنگ زده و در خون
خفته غیر عملی و بعید از امکان است.
چه معضله افغانستان بین جاه طلبان و
قدرتمندان نهایت صدهد و شدید گردیده موضوع
بفیصله آتی و فوری ضرورت دارد. اینکه
تشکیل لویه جرگه را در برج عقبرب گفته اند
از یکطرف ماه مذکور سرد و یخبندان شروع
میگردد و از جانب دیگر استاد ربانی دوام
خود را در چوکی ریاست جمهوری خلاف وعده
های مکرر الی اخیر سال مطابق فیصله
جدیدیکه از چند نفر قاضی خود خودش گرفته
همانطور که از شورای حل و عقد گرفته بود اعلان
کرده که در ماه نهم آنرا ذکر کرده اند. چون
یک ثلث مردم ما از خوف شلیک مرمی و نا
بسامانها و تجاوزات غیر انسانی بالای
زن و ناموس و راکت پرانی بخارج از مملکت
آواره میباشند و دولت دیگر نیز بداخل
در حالت ضعف و نقاهت لج و گرسنه و بی سرپناه

هاوان از قراقرزخانه تان تومبه سکرده اید خوشی می تان ، شمارا می آزاد و شمارا تومبه قاجم ای که دورتر از منطقه تان بوقوع رسیده است ، می سازد .

بله ! جنگ قبل از همه ، نظری از سروسرا می بهرب است دربان این سروسرا ؛ بالافرد بعد از چند روز کوتاه اوقات درجهنم کابل می توان آواز هریک از سلاح های راجین شلیک آمان از هم تشخیص داد . فرقی با شلیک تانک و آواز راکت بزرگ یا راکت کوچک (کاتوشنا) فرق دارد همچنان آواز هاوان ۸۲ میلی با ۱۲۰ میلی و ۲۴۰ میلی نه تنها بین هریک متفاوت است بلکه از شلیک توپ و تانک و راکت نیز سهولت قابل تشخیص می باشد بهرین صورت از خود صفر سلاح هین عبور می توان فهمید که این هدیه برگه آور بشما پیشکش می گردد و یا به همسایه تان .

آنک دوسال است که مردم ماتم زده کابل باین قاجم عظیم دست و گریبانند . جنگ افروزان اوائل قرون وسطی یا مباحثینی که قشون مجتر یا سلاح مافوق بودن روس را شکست دادند آنیک برای دسترسی به قدرت هریک ترا بالا و قوه

نا بود می کنند . کابل در جریان ماه های جنوری ، فروری و مارچ اسال شاهر وحشی ترین جنگ بوده است . طی این ماه ها روزانه به تعداد سه هزار راکت بسری این شهر معروف باستانی پرتابه می گردید . این راکت پرتابی که سبب گردید تا یک ثلث پایتخت بشمول مرکز شهر و نواحی قدیم آن و خاصاً بازار معروف کابل بیک قلمرو وسیع محروبه تبدیل گردد . در شهر قدیم از لای به لای منازل فرورخته ، بیراهه های متعددی بهر طرف امتداد یافته و این بیراهه های پراکنده بهر دو ساحل دریای کابل که قرقه های متخام را از هریک جدای سازد ، بملاحظ می رسد . این قسمت شهر کاملاً عاری از آبادیست .

در دویتم ثلث شهر که شامل چندین کیلومتر دایره ای مرتفع کوههاست ، خانه های محلی بیرون نظم آباد گردیده است که حالت متروکه آن ، محیط سه تنگ آنرا در حومه نواحی تردد انشای در آورده است که در محوطه های خاموش آن جز سنگ های گرسنه و بویش های صحرائی رفت و آمد تارارند .

اما آخرین ثلث شهر که از گزین تصادفات یکبار مانده است مرجع نیاز هندی و تراکم بیش از حد نفوس گردیده است . در این نواحی تمام مردمان بیما شره و نیازمین در محوطه های حقیقی که سابقاً بشکل یکایب درسی ، مساجد ، ذخیره خانه های سلاح روسی و بیرون های امریکائی استعمال می شدند و بعضی از آنها بصورت کلیه های چوبی و تکی و خیمه های مدرس ساخته شده است ، روی هم ریخته اند . از جمله یک ونیم میلیون نفوس پائنت بیش از هفت هزار انسان سرگردان و بی معرقت کتی باقی مانده است .

شهر کابل بنابر موضح گیری قرقه های متخام در دو طرف دریا ، توسط دریا برو قسمت از هم جدا شده است ؛ در غرب دریای کابل قشون مسعود قرار گرفته و در شرق آن قشون حکمتار موضع دارد .

در جنوب بخش غربی دریا ، اردوی شعله به سرکردگی عبدالعلی ازماری که در حال حاضر بعد از پاک کردن اثرات ضرایعات گذشته ، جنگ را متوقف ساخته ، متوقف بیطرفی اختیار کرده و بیرون تنگ در انتظار آن خواهان رفوفا دو حریف قدرت طلب در اثر زد و خورد از پای بیفتند تا آن زمان در مقام تاج و محالت تازه نفس وارد صحنه گردند .

بصورت مخفی و پراگنده بهر میسرند بطور امکان خواهد داشت که بجهت رای دادن و رای گیری حاضر شوند بجز اینکه اعضای خریداری شده شورای حل و عقد که در افغانستان سابقه نداشته دوباره آورده شوند و با ستاد ربانی یا گماشته او رای اعتماد بدهند . در مورد سایر موااد علامیه هرات چون گفته اند ملل متحد دست اجانب را از مداخله کوتاه سازد - صلاحیت از رهبران که تا دندان با سلحه مجهز استند گرفته شود - افغانستان واحد است از تجزیه نجات داده شود - کمونستها که فعلاً نیز قدرت شفالی و جنوبی را بدست دارند متحد با دولت داخل جنگ بوده اصلاً با دولت نیز اتحاد و ائتلاف دارند مطابق قانون رفتار شود - سازمانهای اسلامی در حل قضیه داخل شوند و همه مهمتر که قوای یکصد هزار نفری بجهت سرکوبی بغا و تگران تشکیل گردد . . . چنین کنند و چنان کنند . گویا در فیصله هرات با دوهوارا بهانه کرده و کهنه پخته ها را که در ظرف شان زده سال جنگ گفته شده و اثرات نداشته مکرراً به

هواداده اند . خلاصه فیصله میان تهبونا کام تلقی میشود چه فهمیده نشد کی اینکار ها را میکند و تشکیل قوا از کدام طرف بوده تحت اثر کدام دولت و حکومت خواهد بود کی چنین وظیفه خطیر و سربازی حاضر خواهد بود - بغا و تگر کدام است ؟ فعلاً کشر مردم افغانستان بشمول هیئت مذکور بغاوت گر حساب میشوند .

موضوع دیگر قابل اندیشه دیده شد شمولیت جناب سردار احسان الله پسر امیرامان الله خان در جلسه است . قبلاً هم آقای دکتورا براهم مجید سراج بحیث برادرزاده امیرامان الله بهرات دعوت شده بود . چون عذالت نام اعلحضرت محمدظا هر شاه زیربناها بوده و نیز ملل متحد شاید در صد آنها شده موا د پنچ فقره ای خود پویشنها د سه فقره ای اعلحضرت ظا هر شاه را عملی نمابند ؛ تزویر دیگری شاید در مسئله نهفته باشد چون هر دو فامیل و هر دو پادشاه نزد مردم محبوبیت دارند شاید خواسته باشند دو خاندان سرشناس را نول به نول ساخته یک صحنه جدید نفاق خلق و از مخالفت شان حین انتخابات بنبغ خود بهره بگیرند و قس علیهذا .

در آخربا بدگفته شو چون فیصله مذکور میان تهبی و قابل تطبیق نمیشد از هر طرف نا قبول اعلان شده آتش جنگ و کین را بیشتر دامن زده است که همین فعلاً در کابل و اطراف آن جنگهای شدید در گرفته . بهتراست موضوع را بجانب محمود میستری نمابند ملل متحد و گذارند که بمسئولیت خود با کمک و نظارت ملل متحد اقدامات معجل و موثر نموده تحت زعیم طرف حمایت و اعتماد مردم و با گرفتن آرای مردم ما امنیت و آرامی را در ملک ما پایا نه سازند .

دکترما حب هاشمیان - من بهنگام دا پیر شدن کنفرانس هرات برای دیدن اقارب با مریکا بودم در آنجا شنیدم دوستان بمنزل آمده میخواهند مرا هم با خود ببرند که زورشان را هم نداشتم خوب شدیم اما نبودم و بهرات نرفتم ورنه من هم فحالت زده بر می گشتم .

محمد کریم با بکر ۹۴ اگست

توا گریباغ گلی اوچمن یا سمن است
در گلستان جهان هردوندا ریدنظیر

ایران و افغانستان

دا نشمندا نگرانی آقایان محمدتقی دانش
پژوه و زریاب خویی :

شما از کمال لطف و حسن نظر از من بحیث یک
نویسنده افغان خواسته اید تا مقالتی به
تقریب بزرگان و دانشمندان مقام جناب
آقای ایرج افشار بنویسم. از این یاد
آوری و قدردانی شما مراتب امتنان صمیمانه
خود را بشما و همکاران محترمان تقدیم می
دارم. واقعا بزرگان و شخصیت های علمی و
فرهنگی یکی از رسوم خجسته عصر ما بشمار
میرود مخصوصا در زمانیکه این بزرگان هنوز
در میان ما بوده و دوره با آوری ارزشمند
آنها هنوز ادامه دارد.

با جازه شما میخواهم مضمون استقبالیه خود
را با ارتباط علائق فرهنگی دو کشور همسایه
همزاد و همکیش و هم فرهنگ یعنی افغانستان
و ایران عنوان نمایم. دو کشوریکه در همه
شئون زندگی همانند و همگون بوده و در
جهان بزرگ از لحاظ داشتن وجوه مشترک
نظیرند. اما با وصف اینهمه عناصر مشترک
باز هم هر کدام مزایای خاصی از خود داشته
و مانند دوبرا دریا یکدیگر را بر روی دارای
شخصیت های جداگانه میباشند.

بخاطر دارم که ۶۰ سال پیش زمانیکه شاه دروان
محمود افشار خودنگارندگی مجله پرمحتوای
(آینده) را بعهده داشتند مناظره ای را با

(مجله کابل) که از طرف انجمن ادبی کابل
انتشار می یافت روی علائق تاریخی و فرهنگی
ایران و افغانستان برآه انداخته بودند و
ضمن آن به تلاش نویسندگان افغان برای
بخود منسوب نمودن اکثریت مشاهیر علمی و
ادبی خورده گیری نموده و تا جائیکه بیا
دارم تلویحا اشاره کرده بودند که " آقای
غبار تا ریخ افغانستان را غبارالود ساخته
است ". در پاسخ با این سخن شاه دروان
عبدالهادی داوی نویسنده معروف افغان
در مجله کابل مضمونی زیر عنوان (افغان
ستان و ایران) برشته تحریر درآورده و
در آن اظهار نظر نموده بودند که هر چند دو کشور
ما دارای تاریخ و فرهنگ مشترک میباشند
ولی باز هم منطق بسط حکم میکنند که ما نند

دوبرادر میراث مشترک را با بدمنفاهانه و
مسایانه با هم تقسیم نمائیم. از اینرو تا
جائیکه بمغایر و مشاهیر تاریخی ارتباط
دارد صواب آنست تا آنها شیکه در قلمرو
امروزه هر یک از دو کشور بدنیای آمده بهمان
کشور نسبت داده شوند و طرف مقابل این
اساس معقول را بپذیرد. مثلاً اگر ما مافخر
الرازی و فردوسی و سعدی و حافظ و خیام
ایرانی شناخته میباشند، این سینهای بلخی
و حکیم سنائی غزنوی و مولینا جلال الدین
بلخی و جامی و خواجه عبدالله انصاری هروی
افغانستانی نامیده شوند با اینصورت جنجال
و دعوی روی مغایر مشترک رفع میگردد.

توب شهر نه تنها به قطعات مجزا از همدگر درآمده است بلکه در اثر تشکیک های متواتر
توئیحات و بمباران های هوائی ماه پهنوری بطور عموم سوخته و به بخش های مختلف
منتقم گردیده است زیرا هر نظام اسلامی در هرود ده طیاره روسی را بعد از
خروج قوای شوروی از کشور بعنوان غنیمت های گروپ خود بکنگ آورده اند.
از این تلاش های تنظیمی برای افزایش غنیمت و کسب قدرت، نتایج است
انگیزی متوجه آبادی های شهر گردید : بطوریکه عمارت پارلمان، قصر دارالامان،
ارگت جمهوری، موزیم کابل، چند بابی بلذتگ قدود شهر در مرکز، بانک های
شرکت های تجارتی، وزارتخانه های، مقر احزاب دوگانه کمونیستی، بازار
شهر (که یکی از بازارهای مقبول شرق دور محسوب می شد)، دواخانه های،
پولیتخنیک های، کتابت های پیران و دفتران، مسکوریان و تمام درجه
فوج محروبه های حسرت انگیز در آمد.

مسلمانان بنیادگرا در میان جنون جنگ افروزی شان حتی بساجد بزرگ را هم
آماج گلوله های خود ساخته اند چنانچه مسجد با قمل بل غشتی که هنوز هم با کاشی های
موزائیک بکبود و طلایی رنگ خود از میان غرابه های گرد و نواح خود پا برجا مانده است
در اثر بمب های آتش افکن، شکل طاق و اوس نیجانی درآمده است که پیکر زیبایش
با سوراخ های فراوان آماج تیر های ظالمانه قرار گرفته، پرده های رنگینش به تاراج
رفته و یا در اثر دود و آتش بمب، سیاه شده باشد. همچنان سفارت خانه های
همه ویران شده و جز یکی دو سفارت، سالم نمانده است. محروبه های سیاه
زیبای استقلال که عمارت جدید آن بزرگ دولت فرانسه آباد شده بود بحیث خوابگاه
جنگجویان وابسته به مسعود درآمده است. در منزل بزرگ لنده استقلال
کلمات آزادی، مساوات و برادری با حروف طلایی جلب نظری که می توان
تصور کرد که این کلمات در افغانستان کتونی تمامیه پمانه و اقوام محتوای باشد.
وقتی مسافر خارجی با داشتن بواز مسافرت به افغانستان از راه پشاور به جلال آباد
در بجه هدیاره سفر می کند لازم می آید برای حفظ جان خود یگانگی و سیل سفر را کابل
را که عبارت از کاروان محمولات ضلیب احمر است بگزیند چه این کاروان می تواند
از خلل مناطق تحت کنترل تنظیم های مختلف رقیب بدون خطر حمله عبور کند. سفر
با عبور از جاده ویران شده و راهوار که با قزو زنگی های بشمار آن جنگ های ویران
ده ساله با شوروی و ناظر می آید، چشم مسافر در میان سائر نظائر زشتی کوهی و
رود های گوسفندان شان، به کاروان های طولانی الارغ های بر می خورد که محموله های
وزن داشته و فراوان غیره تر باک را بسوی شرق یعنی پاکستان حمل می کنند تا این
محموله را بیک تعداد زیاد آسرا تواری پاکستانی که در آن طرف سرحد افغانی
یعنی قلمرو پاکستان واقعست، برسانند و آنرا به هیروین تبدیل کرده و به
بازار های مخفی تجارتی عرضه کنند.

همچنان در مسیر حرکت مسافر، بیک تعداد کثیر عاده جات و سامان عربی
از کار افتاده از قبیل تانک های، لاری های، بچپ های و تویه های تخریب شده
و غیره می توان بر خورد که در اثر تصادمات جنگی بجا مانده است. این قبیل
سامان عربی و وسایل نقلیه قوای نظامی در سراسر افغانستان که به ده های
هزار بالغ می شود از شدت محاربات مردم مجاهد افغان در برابر قوای
اشغالگر شوروی شهادت داده و نشان میدهد که روس های، این سرزمین
را برضایت خاطر شرکته نژاده بلکه به شکست دهشت زکی معروض شده اند.

اما متقابلاً روس که بصورت خیلی وحشیانه تمام قریه و قصبه بزرگ را در مناطق مختلفه افغانستان تخریب و نابود کرده و کلیه کاتال که بی آبیاری عنعنوی را از بین برده اند - شوروی که قبل از بمباردمان قریه و دهات و قصبه افغانستان به تعداد بیش از چهل و دو میلیون ماین در بین شهر و قریه های مذکور کار گذاشته اند - مقصد از این تکنیک روس که چیت بوده است تا آنانی که پس از بمباردمان قریه و دهات و شهر و هنوز هم زنده می مانند هرگاه در صورتی زخمی می شود برای کشتن آنان از زیر خرابه های تلاش کنند در اثر ماین که بقتل رسانند و قادر به نجات زخمی نمی شوند ... اگر روس که با این شیوه غیر انسانی نحو یک و نیم میلیون افغان را بقتل رسانیده و پنج میلیون دیگر را به سائر کشور های دور و نزدیک انتواری و پراگنده ساخته اند، هنوز شصت هزار کشته از خود بجا گذاشته اند - امروز یعنی نهم، در هوش آنکه کشور ویران شده و خود را بعد از خروج روس که در نتیجه پیروزی پرافتخار مردم کوچک دنیا ی غرب دوباره آزاد می کردند برخلاف در اثر مداخلت و تخریبات بیگانه و جاه طلبی های یک عده شان کابل باستانی را به شهر ارواح تبدیل کرده اند - و بی سالی ترین و خونین ترین جنگ های گذشته را دریا تحت راه انداختند -

بنیادگرایانی که در اثر تعقیبات در تروستی از کشور های مربوط خود فرار کرده اند افغانستان را برای تسکین امثال کشتار و تخریب نحو آشیانه مساعری یافته و در سنگر های کامل دست به هتک و غارت می زنند - عبدالله سرکرده یک گروه پنجصد نفری جنگ ویران بنیادگرا به راپورتر فیکار ویدین گفت: ما در کنار نحو الجزایری های که به فرانسوی نیز آشنائی دارند همسگر داریم همچنان مصری ها، یمنی ها و عراقی ها نیز با ما یکجا در سنگر ما علیه مخالفین می جنگند -

وقتی راپورتر آن روز کرده است که این قمار خارجی را که در افغانستان می جنگند از نزدیک ملاقات کنم در جوابش از طریق تلفون گفته شده است که انتخاب مذکور بنا بر خسته گی ناشی از جنگ طولانی در شب گذشته و قتل اسراست کرده اند تا گو یا «برای قتل های دیگری انرژی بگیرند» -

قابل توجه مشترکین اروپا

قرار مسموع اشتغال و تسعیر وجه اشتراك در کشورهای اروپائی از پول رایج مطی بدولار امریکائی هم وقت زیاد را در بر میگیرد و هم کمیشن های بانکی بسیار بلند و گران تمام میشود. لهذا برای تسهیل امور بعد از مشوره با بانک اینجا نرخهای ذیل عرضه میشود تا مشترکین محترم وجه اشتراك خود را بپول مطی در بین پاکت راجستری ارسال فرمایند:

در آلمان ۸۰ فرانک جرمنی معادل ۵۰ دالر
در سوئیس ۶۸ فرانک سوئیسی معادل ۵۰ دالر
در فرانسه ۲۷۰ فرانک فرانسی معادل ۵۰ دالر
در انگلستان ۳۳ پوند
در ایتالیا ۵۰۰ لیره
در اسپانیا ۱۰۰۰ پستول
در یونان ۱۰۰۰ دراخما
در بلژیک ۱۰۰۰ فرانک
در هلند ۱۰۰۰ گیلدر
در دانمارک ۱۰۰۰ کرون
در سوئد ۱۰۰۰ کرون
در فنلاند ۱۰۰۰ مارکا
در نروژ ۱۰۰۰ کرون
در اتریش ۱۰۰۰ شیلینگ
در مجارستان ۱۰۰۰ فورینت
در یوگوسلاوی ۱۰۰۰ دینار
در بلغاریه ۱۰۰۰ لوی
در رومانی ۱۰۰۰ لای
در لهستان ۱۰۰۰ زلوتی
در لهستان ۱۰۰۰ زلوتی
در لهستان ۱۰۰۰ زلوتی

خوشبختانه این پیشنهاد مصلحت جویانه طرف توجه نویسنده ارجمند ایرانی قرار گرفته تا با این عمر رو به پیرمرفته آنرا در نوشته های خود رعایت مینمودند چنانچه بهمین سلسله کتابی به نام "افغان نامه" هم تالیف نمودند که هر چند مفکوره آن عملی نبود اما علاقه مفرط شان را بدوستی و نزدیکی دو کشور همسایه بدرستی تمثیل مینماید.

همچنین فرزند پسر و منداشان ایرج افشار رنیز از زمانیکه مسند نشین مقام پدر شده اند این فیصله مصلحت آمیز را رو به پیرمرفته در رابطه بعلاقه فرهنگی و تاریخی افغانستان و ایران در نظر داشته اند که این حسن نظر و واقع بینی آنها در کتاب "مجموعه اسناد و مدارک چاپ نشده در باره سید جمال الدین مشهور با افغانی" (۱) که اکثریت این اسناد و مدارک با افغان بودن سید جمال الدین شهادت میدهد، خوبتر انعکاس یافته است. چنانچه در مقدمه این کتاب ضمن بررسی اصل و نسب سید چنین مینویسند: "گرچه در پیوند او با نوا ده اش با اسناد با د همدان شکی باقی نمیمانند این سوال پیش می آید که چرا سید خود را (مطابق سند شماره ۲۹) بعنوان یکی از اهالی افغان و کابل و از سادات کهن معرفی میکرده است؟ در صورتیکه در صحت این نسبت شک نکنیم باید فرم کنیم که خانواده سید بعلی که بر ما مکتوف نیست و شاید روزی کشف شود از افغانستان مهاجرت کرده و در اسناد با د مسکن گزیده اند. این تعبیر واقع بینانه ایشان مطابق عین نظری است که محققان افغان پس از جستجوی زیاد با ن و اصل گردیده و در کتب و رسائلی که بمناسبت هشتاد و دو سال وفات سید در کابل به نشر رسیده بود بطور مشروح و با دلائل و اسناد ثبت شده است (۲) که گمان میرفت با این مناقشه طولانی پایان داده باشد.

ولی با وصف این در سالیهای اخیر که در افغان ستان و ایران تحولات عمیق رخ داد و در اثر تجا و زرو سیه شوری سابق استقلال و حاکمیت ملی افغانستان دستخوش حوادث گردید لحن مطبوعات و نویسندگان ایران منجمله بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار در رابطه بعلاقه تاریخی و فرهنگی دو کشور همسایه و برادر و برادر بفرق کرد و با رد دیگر مزمه و تفوق جوئی و کم نگرانی نسبت با افغانستان با لا گرفت و متأسفانه تا کنون بشکل دامنه دار سعی بعمل می آید تا همه سوابق و شواهد مثبت تاریخی را نادیده گرفته افغان ستان را بزم خود یکی از ولایات ایران قلمداد و هویت مستقل آنرا فقط از قرن ۱۸ و سلطنت احمد شاه درانی با پینسو و نمود سازند

(۱) جمع آوری و تنظیم اسناد و مدارک مذکور که در منزل امین المصطفی کشف شد با قایان اصغر مهدوی و ایرج افشار محول شده بود. (چاپ تهران ۱۳۴۲ شمسی).

(۲) ملاحظه شود کتاب "سلسله نسب وزادگاه سید جمال الدین افغان" اثر استاد عبدالحی حبیبی و نیز رساله "سید جمال الدین افغان و افغانستان" اثر سید قاسم رشتیا هر دو چاپ کابل

محترم دا کترا ختر محمد بیره کی

درا خبا ر مربوط بجلسه هرات خواندم که حین ورود گروهی از قوماندانان وکلان شونگان مردم قندهار بشمول والی آنجا (که پسر قوما ندان معروف حاجی لطیف میباشد) در محل جلسه به نعره های "الله اکبر" از طرف پیروان و زرخیده های ملاخواه شین ربانی روباه سیاه استقبال شدند و قسمی وانمود کردند که گویا مثل اینکه گروهی از ملحدین در محفل شان داخل شده باشند. این فروخته هندگان که خودشان اکثر ستمی، پرچی شعله ای و خلقی بودند و کسانیکه تکبیر گفته و ملحد نبودند بدتر از آنها خود را در بدل پول نا چیز فروخته در آن جلسه اشتراک نموده بودند. اینها بجای الله اکبر باید هورا هورا می گفتند بملاخواه شین روباه سیاه و پیروانش بسیار سانه بود که هورا هورا گفتن را از شعار های اسلامی ملاخواه شین روباه سیاه محسوب کنند زیرا این روباه سیاه هر دروغ که میگوید و یا هر جنایت و وطن فروشیه که میکند آنرا بنام آیات آسمانی فرموده خداوند (ج) و جزء طریقه وارکان اسلام خودیا نمیکند. نزدی یک عمل مشروع در اسلام ملاخواه شین ربانی روباه سیاه میباشد. قا چاق بری یک رکن اعظم در اسلام روباه سیاه است - تعرض جنسی بر زنهای نکاحی و ناموس مردم یک رکن اسلام خواجه شین ربانی است - قتل عام مردم بیگناه یک رکن اسلام ملا روباه سیاه است - چندنفر بی وجدان و مکه مفت را به پول چاپ روسها خریدن و آنها را اعضا جلسه اهل حل و عقد اعلان نمودن یک رکن اسلام روباه سیاه است - بعدها ملیون دالیر را در بارها نکه های خارج ذخیره کردن و منحیت یک مسلمان ظاهرا مسلمان از ذخیره های بانکی سود گرفتن یک رکن اسلام ملا سودخور است - تروریستها و زرخیده های بیغیر را اعضا ی ستره محکمه ساختن و تیغ شریعت را بدست جا هل و امی نادن و از آنها جهت دوام چوکی ارگه فتوا گرفتن یک طریقه خاص اسلام روباه سیاه است که گویا غصب را با راول در شریعت اسلام مشروع فتوا گرفته است - چوکیهای سفارتهای خارج را با شفاص قاتل جانیه، شهوت پرست و گمراه و جا هل سپردن و آنها را بحیث نماینده های قا چاق استخدا مکرده یک رکن اسلام خوجه ملا روباه سیاه است - آیات قران پاک را غلط ترجمه کردن و از قران برای سیاست استفاده کردن اساس اسلام خواجه شین است. لهذا این تکبیر گفتن بمقابل نما بینندگان مسلمان یک ولایت نامدار و قهرمان در حقیقت نادان زمین تبعیضات قومی و زبانی بوده تبارز نادانگینه و دشمنی بغد برادران پشتون ما میباشد که ما آنها شدید تقبیح میکنیم و یک عمل غیر اسلامی و یک توهین برادران قندهاری میدانیم که قومندان اسمعیل خان علاوه بر معذرت خصوصی که قبلا خواسته باید رسماً و تحریراً توسط یک اعلامیه معذرت بخواند. گروهیکه اینکار را کرده اند فروخته شدگانی اند که نه بخود حیثیت قابل هستند نه بدیگران و همان ضرب المثل میباشد که میگوید: "دیگران را مار میگزد مارا بقه کور با بقه چقه"

اما در عین زمان مردم و نما بینندگان قندهار نیز از زیر بار مسئولیت ملی شانه خالی کرده نمیتوانند. مثال مشهور است که میگویند اگر "گم بزرک بخارد نان چوپان را نمیکورد" - پس باید پرسید که:

- ۱) چرا مردم قندهار با شناخت همه جانبه ملاریانی و سیاست حکومت او که بر تبعیض قومی و زبانی استوار است بکنفرانس هرات نمابنده روان کردند؟
- ۲) هنگامیکه در اثر توهین و استهزای پیروان جمعیت حمله را ترتیب میدهند چرا روباه برگشته؟ (بمیدان برتون اول فرمودید)

روزی این طرز تلقی نا درست همه افتخارات این کشور باستانی را مال خالص خود بشناسند و حتی از اینهم گذشته هر چه منسوب با فغان و افغانستان است از ان با لفاظ نا مناسب و مخالف روش و آداب همسایگی یاد کنند و برای اینکار با شار بی ارزش و غرض آلود مشتی از افراد بیزار از وطن ویا کسانیکه واضحا با فغانستان نظر سوء دارند استناد مینمایند بلکه چنین آثار بیمایه و غرض آلود را مورد تقریظ قرار داده از طرف خود بتجدید چاپ آنها میپردازند که از جمله چنین آثار که بعصر ما بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار بچاپ رسیده است میتوان از کتاب بی ارزش و مبتذل و ناشیانه "نجیب مایل هروی بنام تاریخ و زبان در افغانستان" نام برد که این فرزند نا خلف افغان در لابلای ان تاریخ و زبان افغان ستان را عمداً مسخ نموده است و هم دو اثر بدنام میرزا سید مهدی فرخ که سراپا ناشی از بدبینی و سوء نیت نسبت با فغانستان و افغانها است و همچنین یک رساله بنام "کرسی نشینان کابل" که آنهم زانه کج بینی و کینه توزی همین شخص اخیراً لاذکر است و رجال صالح و صادق افغانستان را بنام فاسد و خائن و بالعکس افراد بی ارزش و مشکوک را محض بنام الهیکه با سفارت ایران (یعنی شخص خود او که سفیر ایران در کابل بود) روابط نزدیک داشته اند صادق و کاردان معرفی کرده است. در حالیکه در همین دوره حاضر با وصف اختناق فرهنگی در افغانستان بسا آثار ارزنده که معرف این کشور همسایه و مردم دلیر و آزادخواه و قهرمانان ان بشمار میروند از طرف نویسندگان افغان و بیگانه تالیف و نشر شده است که تجدید چاپ آنها از طرف موسسات فرهنگی ایران خدمت قیمت داری برای شناسائی و نزدیکی دو ملت برادر و همسایه محسوب میگردد.

علی ایحال در حالیکه بزرگداشت مقام علمی و ادبی و پشتکار و مساعی خستگی نا پذیر نویسنده عالیمقام جناب آقای ایرج افشار را بحیث دوست که شرف شناسائی شایسته اند سال قبل حاصل نموده و با آثار قیمتمدار آنها از سالیان دراز آشنائی دارم صمیمانه تقدیر و استقبال مینمایم. لازم دانستم نکاتی چند در رابطه بعلاق نا گستنی و دیرینه دولت همکیش که در روزگار ما نیز سر نوشت مشترک دارند برای جلب نظر جامعه فرهنگی آنکشور دوست بعرض برسانم تا شاید ما حاصل آن مورد توجه دانشمندان آنها قرار گیرد.

با دعای سرفرازی و شگوفائی دولت برادر افغان و ایران. ژنیو ۷ فروردین ماه ۱۳۷۳ شمسی. سید قاسم رشتیا

خالکوبی سیاسی توسط ایرانیها

هموطن دانشمند ما داکتر کابلی مقاله هشت صفح ای از کونک تیکت درین باره ارسال و تذکر دانه اند که سه آفت عمده که باعث مرگ و میر اطفال در کشور ما میشود عبارتند از (سرخکان) (اسهالات) و (ذات الریه) بیاسینه بغل که علم طبابت برای هر سه واکسیناسیون کشف و تطبیق کرده و و فیات را بسیار پیاپیان آورده است. داکتر کابلی بعد از ارائه احصائیه های دقیق و سروی جهانی این پروبلم میگوید که در ایران بمهاجر حق شمول با اطفال در مکاتب را نمیدهند و همیشه بمقابل اطفال افغان و مهاجرین توطئه و دسیسه میچینند، دارائی شان را ضبط و به لطایف الحیل آنها را از ایران خارج میسازند. درین اواخر دولت ایران به بهانه خالکوبی اطفال و مبارزه با توبرکلوز اشخاص مشکوک سیاسی را بجزیر نام خالکوبی بداخل افغانستان فرستاده اینها برای مغزشوئی و شیطنت اعزام شده اند نه برای وقایه و معالجه

(۳) در صورتیکہ دوبارہ جلسہ نشستند چراغی عمل شدید و دندان شکن به بقہ های چقہ ندادند ؟

دربارہ سوالات مذکور نزد من تصوراتی پیدا شده که ذیلا با شما مطرح میسازم :

بارتباط سوال اول، امکان و احتمال زیاد موجود است که یکتعداد نمایندگان قندهار با گرفتن پول زیاد و وعده چوکی غرور افغانی و پشتنولی خود هارادرتاق بلند گذاشته و روانه هرات شده باشند که در صورت صحت این جلس پیش آمد بقہ های چقہ واللہ اکبر گرفتنهای شان شایسته همچو فروخته شدگان میباشد . من منتظر جواب حقیقی این موضوع از طرف اشتراک کنندگان میباشد خصوصاً از جناب قومندان لالی که یک قومندان محبوب و ملی میباشد اگرچه خودش نرفته بود خواهشمندم درین مورد روشنی اندازد .

دربارہ سوال دوم باید گفت که برگشتن شان دوبارہ بجلسہ باین میماند که سوار شدن بالای خر یک رسوائی و پائین شدن آن رسوائی دیگر . یعنی وقتیکہ جلسہ را ترک نموده بودند باید بدون چون و چرا و کدام بهانه روانه قندهار میشدند و اینکه جگتورن اسمعیل خان بچه نیرنگ توانسته انهارا ببرگشت راضی بسازد خدا کند پای وعده و وعید و ملاشرنگ در بین نبوده باشد که درین مورد نیز منتظر شنیدن اصل حقیقت میباشیم . از سوال سوم جواب مردانه و منطقی نمیتوان متوقع بود جز اینکه حسن زد که شاید پای ملا شرنگ در بین نبوده و ایجنتهای ربانی مانع عکس العمل شده باشند تا حیثیت نماینده های قندهار پایان بیاید .

بعضاوت من هیچ افغان نباید تحقیر و توهین را تحمل نماید و لوبقیت حیاتش تمام گردد . خصوصاً در شرایط و حالات موجوده که ملاخواجہ شین رو باہ سیاه بتحریر شاگرد وفادارش انگ شیر (شیر بمبیرک پنجشیر) با خواجہ شین داران رو باہانہ بر ضد پشتونها بصورت علنی در فعالیت بوده برای بدنام ساختن شان توطئه چینی دارند . ای افغانهای شریف و وطن دوست در هر جا که هستید نگذارید " خواجہ شین رو باہ سیاه " و خواجہ شین بازان بہمکاری گروه های ستمی، شعلہ ای ہرجمی و خلقی مفکوره تعصبات قومی را دامن زدن تقو بہ و تطبیق نمایند . این مفسدین فی الارض و السماء بگفتہ با داران ایرانی شان میخواهند بنامہای پشتون - هزارہ - تاجک - ازبک - نوبستانی سادات و غیرہ و غیرہ ملت افغان را از ہم جدا و رو باہ بازی رو باہ سیاه را در رو باخانہ های اگرگ کابل بکار اندازند . با احترام آبی است آبرو کہ نباید بہ جو بیبار از تشنگی بمیرد ، مریم آبروی خویش ۲۲ اگست ۹۴ داکتر اختر محمد برہ کی .

نوشتہ آوارہ گمنام از لالی انجلی

د مبارزو سخاوت

محترم مولاجان وثیق معین و کفیل وزارت اطلاعات و کلتور از بہانہ دفتر پرسید تشاب چرا کار نمیدہد ؟ مصداق مسلم بہانہ با عرض تعظیم گفت کہ تشاب و کمود از مواد غایبہ مملو و نسبت نہون اب قابل استفادہ نیست . محترم معین صاحب در جواب فرمود :

کمود شاور می بکار نشسته اسلم خانہ زہ مولاجان وثیق بہ دیوارو متیاز کومہ

شخصی با خانمش در سرویس سوار و از جانب دہمزنک بطرف پل باغ عمومی روان بود . بالاخرہ سرویس در ایستگاہ جانہ میوندتوقف و راکبینی از موتر خارج میگرددینند . در این وقت شخص مذکور بخانم خود صدارد :

ننہ اکبر بیاپائین شو !

مردم داخل سرویس گفتند کہ نعرہ " تکبیر شنیدہ شد ، یا اللہ نعرہ تکبیر بگوئید ! وہمہ بجہر بلند تکبیر گفتند : نعرہ تکبیر ! اللہ اکبر . . . موترران کہ ازین وضع سراسیمہ شدہ بود و فکر میکرد باز کدام شخص را دربینی سرویس کشتہ اند کہ اللہ اکبر میگویند ، بطرف شخص مذکور چپ سیل میکرد . نفر مذکور باقیافہ حق بجانب گفت : خلیفہ صاحب من فقط ننہ اکبر را صدارم ولی چند نفر تنگدار آنرا اللہ اکبر ساختند .

باتشکر از هموطن آوارہ کہ چندی قبل از کابل برآمدہ اند خواہشمندیم ازین نوع فکاهیات جہادی اگر بیشتر داشتہ باشند برای نشر بفرستند .

د افغانی میرمنو آواز

محترمہ انجلا نیازی

د تاریخیتو پو لری کی کہ د اوسنی نری وجوہیت ته خبر شو نو دا جهان خرنګه چه اوس لیدل کیزی د تاریخ ته په مخکنیو پیو کی پداخیزنه وو بلکه داوسنی مخکی کسره لیکه دسیوزمی اونوروسیاراتو دکروپه شان و چه اوسوگونکی بیدیا او خالی دگر غرونه اوسندونه وه چه هلته نه ژوالا په آسانی ممکن وو اونه کوم جوړیت اومدنیت لیدل کیدی . نو دا داوسنی اوپا پخوانی انسانانو زیار او رپرو چه دمخکی مخ شی په اوسنی شیکلی نری بدل کی دلته گیر باید سوچه دا اوسنی انسانان څوک وه ؟ دا اوسنی انسانان نراوښک وه چه د ګولنی په لپرو لوړو دمګی دمخه ودانولو کی شی هاند او حرکت درلود تر څو تنولنه په بشری اومادی لحاظ په مساوی توګه بشپړ اوسنی پرمخ تللی نری مینچ ته راغله .

که ښه ژور سونپیدی هکله اولته کی دانسانی تولنی یواځه مثلاً ښک یانرقدارنه وو چه په ځانګړی توګه پدی برم بیروالی سی . مخکه چه دادعلم اومنطق دمخی هم یو مثبت او څرګند حقیقت دی . کله چه مدنیتونه ددی نوموړو بازوګانو په هاند او مرسته مینچ ته راغله نو پو لپوه ګډه پدی لری کی دادیانو په شمول بالخصوص داسلام مبین دین په پیلو پیلو عباراتو دزمان اومکان دشرایطوسر سم دادوه (ښه اوسر) یودیل متمم اومکمل بیان کړی اوبیانیو ددوی حقوقو او وجایبو ته په مساوی توګه صراحت ورکړی دلته نور ضائیت څرګنددی چه خالق دخپل ستایلی مخلوق (اشرف المخلوقات) په حصه کی دتممیم نیولو حق لری مخکه نوکه په اسلامی نری کی دښځو حقوق په ځینو مشخص مواردو کې په لفظ مساوی ندی خو د اسلامی فقه مشیت اومقتنع دلائلوهغه عدالت ګنلی دی امامتاسفانہ یوشمیرمسلمانان دخپل ځانه جوړی کړو فتواګانو پوسیله غواړی چه په اسلام کی بدعت شروغ کی اوداسلام دمنوری فقه احکام دخپلو ګټو دپاره اودښځو د مساوی حقوقو خفه سترگی پتی کړی .

د افغانستان دملی یووالی پاڅون دمیرمنوتولنی پخپلی پریکړه لیک کی دجولای پر ۲۴ نیټه ۱۹۹۴ کال دهرات دسرطان د۱۹۷۳ کال غونډه دشوری تاسیس ملح په نامه چه دجرګی په ترڅ کی شی نوم بنیادپرکوم ملحوظ بدل کی مخکه وغوندی چه په هغه کی هیڅمیرمنه

اگر مجله بشمارسیده، گویا اشتراک شما نرسیده!

محترم پوهاند فقیر محمد ملگری

شهاب شاقب یا میتوریتها و یا کومیتها اجسام سماوی اند که از پارچه شدن سیارات در فضا بوجود می آیند. تازمانیکه در فضا قرار دارند بنام میتیور یا دمیثونند که در اثر جاذبه سیارات جذب گردیده و در سیاره ای که نزدیک آن قرار دارد بالای آن پرتاب میگردد. در روی زمین سالانه یک تعداد زیاد ازین میتیورها در نقاط مختلف اصابت مینمایند بعضا زمانیکه در اتموسفیر می رسد یک روشنی مخصوص تولید و پارچه پارچه گردیده بشکل گرد و غبار بالای زمین میریزد. در زبان یونانی میتور بارش رامیگویند و علم میتورولوجی نیز از آن گرفته شده است. بعضا قطعات بزرگ میتوریتها یا شهاب شاقب فرورفتگی بزرگ را در سطح زمین تولید میکنند که بعدا آب در آنجا ذخیره گردیده و تشکیل جهیل رامینمایند چنانچه یک تعداد جهیلهای همینطور تشکیل شده اند. میتوریتها و یا کامیتها (Comets) راستاره دنباله دار نیز مینامند زیرا قبل از اصابت بالای یک سیاره روشنی مخصوص دنباله مانند تولید میکند طوری که در شکل مشاهده میگردد.

انفجار فضائی میتوریت بالای جیوپیتز بزرگتر از انفجار همزمان تمامی بمبهای اتمی جهان بشمار میرود. انفجار فوق در وسط ماه جولای صورت گرفت و فرو رفتگیهای به بزرگی محیط زمین بالای جیوپیتز با مشتری تولید نمود. جیوپیتز از جمله سیاره خارجی نظام شمسی بشمار میرود که نسبت بزمین بسیار بزرگ میباشد. در ترکیب میتوریتها مواد معدنی و معدنیهای آن در زمین شهابت دارد و بعضی مواد معدنی پیاپی در زمین مشاهده میشود. جبرالاسود که در مکه معظمه وجود دارد نیز از جمله میتوریتها بشمار میرود که آنرا حضرت ابراهیم (ع) بکشد دیگر پاران خود در آنجا گذاشت. اصابت میتوریتها تغییرات فاحشی در صورتیکه بزرگ باشند بالای یک سیاره بوجود می آورد مانند تشکیل گازات که از داخل سیاره خارج گردیده و امکان تشکیل اتموسفیر را که مساعد برای اجسام زنده است در طول چند میلیون سال بوجود می آورد و همچنان تشکیل بعضی مرکبات عضوی مانند پروتئینها کاربوهاید ریت ها و غیره که اساس تشکیل حجره اولی میباشد در صورت تشکیل حجره اولی باز هم هزارها میلیون یعنی چند ملیارد سال بکار است که ارتقا پیش برود و موجودات فقاریه و نباتات گلدار بوجود آیند. در تشکیل اجسام زنده بروی زمین نیز میتوریت رول مهم را بازی کرده است که بار اول در روی زمین قبل از یک ونیم ملیارد اجسام یک سلولی بعد ها غیر فقاریه و بالاخره سه صد میلیون سال قبل دینورورها و پیکنین میلیون سال قبل انسان امروزه بوجود آمد. قطعات شهاب شاقب بالای مشتری یا جیوپیتز بسیار عظیم بودند و در برخی آنها قطرش چند کیلومتر بالغ گردیده است. این قطعات که به ۲۱ عدد میرسد با سرعتی بیشتر از ۱۳۰ هزار میل در ساعت بر سطح مشتری سقوط کردند و در نتیجه انفجارهای عظیمی را در سطح سیاره موجب گردید.

دغونددی دپاره نه وه رابلل شوی ددوی داکار سر بیر پیردی چه دملگرو ملتو دمنشور اونر یواله دبشر د حقوقو داعلامیی متضاد اومتناقض وو داسلام دمبین دین د تولو اساساتو سره مخالفت دی .

دهرات د اوسنی شوری زما دمداران اوپلویان لکه داسلام دمخه ملحدان چه ژوندی نجونی به ثی په خاوروکی بنخولی یووار بیا غواپی چه دنری دایوکامل اېخ یعنی بنی گورکی بندی مری او رندی وهاتی. نوکه چیری داسلام لمړنی بانی (محمد علیه السلام) حیات وای نو دوی به ثی ضرور په همهغه مبارک آیت محکوم کېدی وای لکه د اسلام دمخه دقریشو دقبیلو واښان چه ثی غندلی او محکوم کېدی وه . خوزه وایم چه دهغه واښانو پردی واښانو فضیلت پدی ځایکی دی چه هغو به یواری دموغودو تن دکور په دیوالوکی بنخاوه اما دا واښان دخپلو موغودو تن او روان دواړه دکور په دیوالوکی بندی او محو کوی نو زه دافغانستان دتولومیرمنو په نمایندگی د دوی دحرکت په کلکه غندوم او هوښدار ورکوم چه زمونږ افغانی نری دسحو اونرو دواړو په گند هاند مینچ ته راغلی اورا چی احتیاط باید ویی که ددی ودانی یو اېخ وانگ اوپاوران سی آ بل اېخ پخپله رانکور پیزی . داچه دوی دچاپیدا او چارو ز لیدی او اوسنی شمله چانیغه ساتلی نه باید دعقلی په سترگو ورته څیړشی نوکه دوی واقعا او باطنا داسلام پلویان وی نو دی داسلام تاریخ ته خیر سی چه اسلام ته اوله پلاچا په نری کی لبیک ویلی دی بیهل شکه چه هغه ویاړلی میرمن سی بی خدیجه وه . او دارنگه دی دگران هیواد دپیغلو اومیرمنو دول د افغانستان په توله اوتاریخی جهادوکی ورپه زړه کی که نو اسلام ارشادوکی که چیری نر د بنجیواو بنجی د نر حقوقو ته غاړه کې پیژدی نو به دنری کور بشپړ او روښانه وی پرته له هغه توله انحراف کوی نوسالنه تربیه او سالمه نری مینچ ته نه راځی . په درناوی.

دولت پوهانې ملاما مانع تطبیق پلان صلح م.م. میشود

محترم داکتر یار محمد کوهسار مقاله فوق را در چهارصفه ارسال و مقدمه را چنین شروع کرده اند:

« شما ای خواهران افغان منفعیل نباشید که شما امروز از اثر ظلم تعدی واحجاف وراکت بازی یکعده خابین وطن فروش هرزه، جیره خوارا سوداگران ناموس و... برای بدست آوردن یک لقمه نان چپاتی پاکستانی مجبور بخودفروشی شده اید وپاکستانیهای داخلخورو عرب هاگی خرپول شمارا بهول خریداری میکنند؛ زیرا این نتیجه عملکرد ملاماهای... ویکعده قوماندانهای بی غیرت و بی مسئولیت میباشد... خداوند منتقم حقیقی است و بزودی روزی خواهد رسید که ناموس خوداینها باین سرنوشت گرفتار شود... اینها حیوانات درنده ای بیش نیستند... اینها هر پلان صلح را خنثی میکنند تا فرصت پول جمع کردن را بیابند... اینها خانه های فرعونیی میخرند انهم بهیوند ودالر... اینها بحکومت واقعی مردمی، به لویه جرگه، به انتخابات و بحقوق فرد ایمان و باور ندارند... اینها بدوام ادمکشی و قاچاقبری معتاد شده اند... اینها پلان پنج فقره ای صلح ملل متحده، مساعی بینان سیوان، میسوریس، آرامکو و کشور های اسلامی و غیر منسلک را خنثی ساختند تا حکومت وحشت و بربریت را بر مردم تحمیل کنند... ملت افغان هرگز با اینها آشتی و مصالحه نخواهد کرد و یگانه نجات وطن و مردم قیام عمومی است تا با تادیب لویه جرگه ملت خودش سرنوشت خود را تعیین کند... ای هموطنان فقط حضور اوتعالی سرنیاز فرود آید و حاجات خود را به آن ذات بی نیاز عرضه کنید و از او استمداد کنید... »

مدیر مسئول: دکتر سید حبیب الله هاشمیان

A BI-WEEKLY MAGAZINE
SERIAL NO.40, SEPTEMBER 1, 1994

Phones: (909) 591 - 2691

(909) 626 - 8314

FAX: (909) 591 - 0221

شماره مسلسل ۴۰
اول سپتامبر ۱۹۹۴
۱۰ سنبله ۱۴۷۴



VOLUME 6, NO.5 (SERIAL NO.40)
SEPTEMBER 1, 1994

AFGHANISTAN
MIRROR
A BI-WEEKLY MAGAZINE
SUBSCRIPTION RATES: USA & CANADA \$85 (per year)
Montclair, CA 91763
Phone (909) 591 2691
Address: P.O. Box 408

ایستاد
رئانی فیضی و احمد - ربانی فاضل
۸۵۵ دالر - اروپا، آسیا ۷۸۰ دالر
۴۸۰ دالر - آمریکا، ۴۸۰ دالر
۸۵۵ دالر - اروپا، آسیا ۷۸۰ دالر
۴۸۰ دالر - آمریکا، ۴۸۰ دالر



مجله پانزده روزه
قیمت یک شماره
در آمریکا: ۲ دالر
اروپا - آسیا: ۸ دالر

آسیا یک جزیره
میراث میراث
میراث میراث

صفحه	نویسنده	عنوان	صفحه	نویسنده	عنوان
۱۸		دولت پوئالی ملاها ضدیان ملح/کوهسا	۲	گرونیلوزی واقعات افغانستان ۱۵/روز	
۱۹		اما بت تپوریتها بر سطح جیوپیتر/ملگری	۴	اعلامیه های دکتر صاحب محمدیوسفخان	
۲۱		دلندن دما جو نظر/صدیق لاد	۵	مما جبهه العذرت با شاهه سابق/۱۸ گشت	
۲۱		خدمتگارا دق دکترولیزا ده بقیپوست	۷	میلامدبارک حضرت رسول الله (صلعم)	
۲۱		عبدالواسع روشنا	۷	هفتاد پنجمین سال استرداد استقلال	
۲۲		پیرا مونشورا در شهرها ترخلیل با ختری	۷	طرح تشکیل اردوی ملی در جلسه هرات	
۲۲		نامه شورای تفاهم بمحمد اسماعیلخان		دکتر عثمان روستا پرتره کی	
۲۲		رفاقت ربانی با هندوها / بچه رستم		مژده ابدل که مسیح نفسی می آید	
۲۴		زنی که بخاطرشراقت خود را در د/م پیر		پوهاند دکتر محمدنا در عمر	
۲۴		اقتراح خیرخواهی و هموطن دوستی/داره		عکس العمل بمقابل همکار هندوستان	
۲۵		میا نجبران طلحو/سیداسحاق رها		با رژیم ربانی / ریوتر	
۲۵		دغمخورا حب لیکو/عبدالله غمخور		چرا کودتا می مرحوم عبدالرحیمز به	
۲۶		تبصره بر تبصره / محمودگزینی		محکمه کشیده شد؟/عبدالرحیم غفوری	
۲۸		ارتجاع توام با ابتدال / داره		این ستون را حتما بخوانید/ظلم ایران	
۲۹		ره آورد سفیرات / داره		شهر شهیدمرکز جنابت افغانها و الهی شهید	
۲۹		بیانات دوستم / ریوتر و صدای آمریکا		کابل شهر اشباح و تصویرری از جهنم	
۳۰		سندی در شبوت دروغگوئی سعید فیضی		دکترورا حمان روستا مل	
۳۲		مقاله بدون عنوان / رزاق بی قندوزی		خوب غد بهرات نرفته بودم/کریم با بکر	
۳۴		در هیچ زبانی الفبا به بعدا دماها نیست		نامه آقای رشتی بمقامات ایرانی	
۳۴		استاد محمداسحاق نگارگر		همه را ما میگزیدما را بقیه کور	
۳۶		تقاریر: نهفت زبانی در افغانستان		دکتر خاتم محمدبهره کی	
۳۶		وسیمه عباسی		خالکوبی میا بی توسط ابرانیها / کابل	
۳۶		ایر و افتاب / رازق فانی		د متناز و سخاوت / گمنام	
				فلط فیمی / گمنام	

قیمت یک شماره
۲ دالر

Editor-in-Chief:
Prof. Dr. Sayed K. Hashemeyan

ایڼې برخوډهای فضائی عظیم ترین انفجارهای مشاهده شله
در تاریخ بشر میباشد. شدت این انفجارها در حدود ۲۵۰۰
ملیون مگاتن یعنی ۲۵۰۰۰۰۰ تن بوله است.
اینچنین انفجار از تمام بمبهای اتمی جهان نیرو
مندتر است که اگر بالای زمین اصابت مینمود زمین را
بپارچه های کوچک تبدیل مینمود. یا با اصطلاح روز محشر
برپا میگردید. برخورد این شهابهای شاقب بالای مشتری
حفره های عظیمی تولید نموده است که وسعت آن معادل
محیط کره زمین میباشد. و سیمای ظاهری مشتری را تا
حدی تغییر داده است و مقدار زیادی از مواد تشکیل
دهنده سیاره مشتری یا جیو پیتتر صدها کیلومتر بالای
سطح آن فوران کرده و یک فواره بسطح کره جیو پیتتر
بوجود آمده است و امکان دارد که حالت اولیه زمین را
سپری بنماید. بطور عموم تمام رصدخانه های دنیا سقوط
آنها عکس برداری کرده اند و از تلسکوپ فضائی استفاده
شده است چنانچه سازمان فضائی آمریکا (ناسا) برای
عکاسی خیلی مجهز و مناسب میباشد.

باید متذکر شد که تشکیل اتموسفیر و ظهور آب در روی
مشتری امکان تشکیل حیات را مانند مراحل ابتدائی زمین
مساعده میسازد. از عمر زمین پنج میلیارد یعنی ۵۰۰۰
ملیون سال سپری گردیده است و از تشکیل موجودات
زنده غیر فقاریه ۵۰۰ میلیون سال میگذرد بنابراین
توقع میرود که از مشتری هم یک زمان مدید را انتظار
داشت تا شرایط امروزه زمین مهیا گردد.

سیاره هم مانند حیوانات و نباتات عمر دارد که بعد از
سپری شدن ملیاردها سال از بین میرود و تشکیل شهاب
شاقب را مینماید و همچنان سیاره های جدید نیز بوجود
می آیند. بک تعداد از سیاره ها که خارج نظام شمسی
قرار دارند نور آنها سالهای نوری که بعضا بمیلیون سال
میرسد ضرورت است که نور آنها بزمن میرسد تا که وقت
معینه تکمیل گردد. راجع به شهاب شاقب یا میتوریت
در فصلین مجید نیز تذکر گردیده که چطور خداوند بالای
مردم ظالم آنها را پرتاب مینماید تا آنها از قدرت
خداوند (ج) باخبر گردند. و در قرآن مجید در قسمت
((خلق السماوات والارض)) بطور واضح تشکیل
اجسام زنده و غیره ذکر بمیان آمده است که البته
تفسیر آیت مبارکه انقدر سهل نیست چنانچه حضرت
بیدل میفرماید :

به کنه ذاتش خرد که جابر دپی اگر رسد کسی بقهر دریا

محترم سید اگل غریب بیار د کولار ا دوخه

محترم داکتر صاحب هاشمیان په عمر دی برکت شه اود
گران هیواد داخلی او بیرونی دشمنان دی ذلیل وی.
ستاسو پنکس ورگنی مجله را ورسیده اودامونه ایت
د قدر اقدام دی . هغه دهیواد حالات دبل هر وخت په نسبت
دیر خطرناکه دی . هغه مهاجر افغانان چی په لویدیځ
نړی او پادشهی په نورو برخوکی ژوند کوی دهیواد دهری
ورځی خبرونی اود حالاتو بدلون ته غوږ په آواز دی .
دهرات دغوندی په باره کی مو واقعا دپرمو شق معلومات
راغونډ کړی اود یوشمیر دسیسه کارو عناصرو دمخونه
مو پردی ایسته کړی دی . مه پوه شخمی سفر باندی المان
ته تللی وم د المان په دسرو ښارونوکی لکه (بن ، بوخ)
فرانکفورت ، کولن ، هسن ته می سفر ونه وکړه . هلته د
هرات غوندی ته نه چا انتخابات کړی ، نه مجلس جوړ
شویدی . داکتر یوسف خان ، عزیز لودیځ ، جلیل شمس او یو
شمیر نورو ستمیانو او شعله یانو خپلو پله واتوته خبر
ورکړی ووچ په پلانی ورځ فرانکفورت هوایی دگرت
راشی چه هرات ته خو . دکابل د وران ارگ دولسوال
جنرال ملا ربانی د سفارت کاتب صاحب د المان د

فرانکفورت هوایی دگرت د خان سره سفارت دویزی
تاپه وړی وه هر یو به چه طیاری ته ختوپه پاسپورت
شی ورته دویزی تاپه لگوله او یو پاکت دسفر شی په
نوم شی ورکاوه . په امریکی کی داکتر روان فرهادی
داکتر مخدوم رهین را شد سلجوقی د (امید) د دستگه
یوشمیر برخه والو او داکتر حق شناس هم پخپل وار
خپل معلوم الحال ستمیان ، شعله یان ، او یوشمیر
تاجکان دعوت کړی دی .

دهرات دغوندی په هکله تا سودیر مفید معلومات راغونډ
کړی او ممکن نور هیوادوال به پری هم نوره رن او اچوی .
افغانستان دتولو افغانانو شریک کوردی هغه چا جهاد
کی برخه اخیستی په سرنوشت کی هم دبرخی اخستو
حق لری . دایوانی ربانی ، حق شناس ، مخدوم رهین ،
روان فرهادی او دوه مخی عزیز لودیځی او یو اچینو
نورو (امید) والو د پلار هیوادنه دی چه هرڅوک
د دوی دهل ته ناخشی او هغوی به پداسی غوندوکی
داشترک حق ونلری . مونږ تراوسه فکر کاوه چه داکتر
یوسف خان سره دهیواد ملی منافع مهمی دی . اوس
دهغه دمخ نه هم نقاب پورته شو او ومولیدل چه
دکاسی لاندی نیم کاسه راووته . وایی چی کوزبار
تر منزل نرسی . که داکتر محمد یوسف دجگرتون اسماعیل
سره په هرات کی پت کتلی چه آینه جمهون په جگرتون
اسماعیل خان اوصدر اعظم به شی محمد یوسف خان وی
خودا پیوتش خیال دی اوس . هر هلی اوکلی چه د
هیواد دموجوده بحران نه دخلاصون دپاره وی هغه
باید دملگرو ملتونو دکوښښونوسره یوځای شی ترڅو
اساسی نتیجه ورکړی .
مونږ یوهیزوچه ملاریانی دیو ملیار ددالرونه زیات د
لویدیځی نړی بانکونوته را انتقال کړی . دنه کدی
اوزوم شی چه په کاناډا کی کوم تجارت روان کړی
هغه دهغه ځای ټولو افغانانوته معلوم دی . خو
نجیب هم همداسی فکر کړی وو اما خپله تر ننه په کابل
کی دملگرو ملتونو په تعمیر کی بندی پرو دی چه
دملاریانی دپاره هم دداسی سرنوشت انتظار لرو .
ومن الله التوفیق . په درناوی . غریب بیار

محترم حمید انوری از کانکور د

یاد میرویس جلیل راگرامی بداریم

در مسلخ عشق جز نکور انکشد لا غرصفتان ز شخوړانکشد
گر عاشق صادقی زکشتی مگر یز مردار بود هر آنکه اورانکشد

میرویس جلیل ژورنالسټ جوان و پاشهامت کشور غرقه
بخون مانا مردانه بوسیله ترور پستان گلبدين سفاک
بشهادت رسید و مردم بلاکشیده وشهادت پرور افغان
ستان را در سوگ خویش سیاه پوش ساخت . بلی مادر حالی
که تاسف عمیق خویش را از شهادت این جوان مرد راه حق
وحقیقت ابراز میداریم و پروان پاک وی درود و دعا
میفرستیم به گلبدين خاين ومیهن فروش و پایدوان
بیمقدار و ترور پست وی لعنت ونفرین بی پایان خود
را نثار میکنیم و یاد او را میثویم که هر چند گلبدين جنایت
کار و نامسلمان جنایت وخیانت کند وجوانان آگاه و
بازدارنده دانشمندان بادرک و دیانت ومیهن پرستان صدیق
این سرزمین را آماج گلوله های بیدانشی وخیانت
پیشگی خویش و یاداران بیخامیت پاکستان خویش ساخته
وملك ومملکت را بویرانه مهذل ساخته وهستو
دارائی کشور را بیخما بر نه و بی پای یاداران
پاکستانی خویش نثار کند وهر چند بکوشد باترور
فرزندان برومند کشور بسپاهکار بیهای ۱۳ ساله خویش
پرده کشد ، جایی را نخواهد گرفت . مردم افغانستان با

اگر مجله بشما نرسیده، گویا اشتراک شما نرسیده!

تمام دربار و خورجوهر او
وی و سرورال بحر و میس
فرور و جادیتکار سر نصرت
داشته و منتظر روز انتقام
اند. مرد م وی رایتنام
معنی از روزیجکی اس نا امروز
که سراسر از فساد، بداخلاقی
جنایت و خیانت است میثاستند
وازمینی جاست که وینه مانند
خفا از نور و روشنائی گریزان
است و همیشه بتاریکیهای
خزد و حرثت مقابل شن با
حق و حقیقت رانداشته و از
خبرنگاران و ژورنالستان گریزان
است. انتقام میرویس یا میرویس
ها زمانی گرفته میشود که تمام
خبرنگاران داخلی و خارجی وی
فراد را از وی کامل فرار دانه و
همان طوریکه از مردم تجرید
شه از منابع ارتباطی چون
رادیو تلویزیون و نشرات داخلی
و خارجی نیز منزوی ساخته شود
و ژورنالستان داخلی و خارجی از
هرگونه مصاحبه و گفت و شنودی با
وی خودداری نمایند. چه مصاحبه
و گفت و شنود یا گلبندین خاین هیچ
در دولت رادوانکرده و هیچ کره
از کار بسته ما نمیگشاید و هم
هیچکسی علاقمندیشین نظرات
و ظنروشان و ارتجاعی وی و باند
و بنامش نیست. ختم

یادداشت اداره - اگرچه قاتل
مرحوم شهید میرویس جلیل تاکنون
تشخیص و تشبیه نگردیده و قضیه را
یت هیات بیطرف خارجی تحت تحقیق
قرار داده است و هر وقت این تشخیص
رسم صورت بگیرد مادران باره
نصیه خواهیم کرد ولی در هر حال
مثل یت ژورنالست بی دفاع را که
قلم یگانه حربه اومیداشد بشدت
تقیح میکنیم و انرا یک جنایت
بشر میخوانیم که عمامل آن
باید بیحد دشمن بشر محاکمه و
مجازات شود. از خداوند متعال
برای شهید مرحوم میرویس جلیل
درهای بهشت برین را باز و
رحمت و شفقت پروردگار شامل
حالش میخواهیم (هاشمیان)

د آئینه ایمانستان د خیرونی موئسسا علی د وکتور سید خلیل الله هاشمیان صاحب اسلام علیکم
عمر دی پیرشته شکسته چه نشریه دی خوندوره هراپ خبره او پرماد پانونه ده بناد چه د هیواد
معصله و بیروته د یوه غریبه وکی بنهغه غوره کړیده او هغه کوی چه لدغی لاری څخه یو غریبه وکی
ور په برخه سر لکه د ولسی نشریه پر پیسو مین نو هم باید دی چه وطن پلورنکی ملی خائیس حسن شرق
ته د صاحب خطاب وکی / میوند وال یو ملی مبارزته د مرحوم او و سرتبه لیونی داود ته بیا د شهید
لقب ورکړی او د گیلانی د خویشی په نسبت د هغه پلورنوال سوی قوماندان شمالی هم باید شهید
پنا مه و ستای او یا د پیو ستون مزخرفی خیرونی کاروانی خیل و عایبان هم د غی سوادگری وکی نو
واپو به چه د غی ملی خائیان دی خدائی ورک کی . په اوسنی شرایطو کی د هیواد و پلورنکو او
د بنیانوته یعنی خلق / پرچم / شعله اوسم او یا د غوښکیو جوی سوو جهادی رهبرانوته د نظم
د عفت مراعت کول به فکر کوم نه بخښونکی گناه / خطا / او جفا وی .
لپاره د دی چه په اروپا امریکا او کاناډا کی شته سوی هیواد وال هم و پارول سی او هغوی دی هم
پد غی اقدام لاس پوری یعنی که د غه لکوب د نشر و بولی اختیار مو خپل دی په سینه صا د
لپاره د دی چه د دری زبی وپونکی پښتو او پښتو زبی وپونکی دری ترین نور هم پیاوړی سوی
وی لا زم ای نه گپلی چه په خبرونه کی مو پښتو مضامین هم نسبی برخه ولری

M. SADIQ ALWAD
SE GRANTHOPPE HOUSE
PERCIVAL STREET
LONDON EC1 0BR

خدمتگار صادق دکتور ولیزاده بحق پیوست

بهر بهار برارد گلی زیوستان سر گلی برفت که نیایدید صدمه اردگر
باتاثرات نهایت عمیق باطلاع همه دوستان و عزیزان میرسانیم که عم بزرگوارم
دکتور حاجی محمد شریف ولیزاده شخصیت صدیق و حافظ قران عظیم الشان
صبح روز آشنه اول ماه اگست ۱۹۹۴ مطابق ۱۰ اسد ۱۳۷۳ در اثر مریضی که
عاید حالشان بود داعی اجل را لبیک گفته چشم ازین جهان فانی بسته به
رحمت الهی پیوستند . انا لله وانا الیه راجعون .
مرحوم دکتور ولیزاده چهارمین فرزند مرحوم حاجی ولیدادخان یکی از یاشندگان
قدیم شهر کابل در ماه ثور ۱۲۹۲ شمسی مطابق به
اپریل ۱۹۱۳ میلادی چشم بجهان گشودند. تعلیمات
ابتدائی را در مکتب اطاعت (ثانوی رادرلیسه حبیبیه
و تعلیمات عالی را در پوهنځی طب کابل تحت نظر مرحوم
پروفیسر داکتر رفقی بیگ استاد پوهنتون در سال
۱۹۴۰ میلادی تکمیل و دوره ستاز خود را در هندوستان
تکمیل نمودند.



مرحومی بعد از اخذ دپلوم دکتور در طبابت در میدان
وسیع طبابت افغانستان قدم گذاشته و خدمات اجتماعی
خویش را به همه هموطنان و خاصه تادان طبقه که قدرت
خرید و تداوی را نداشتند رایگان و بدون در نظر
داشت موقف شخص صادقانه و سخاوتمندانه پیش می
بردند. مرحوم ولیزاده مدت ۲۹ سال در وزارت صحت و بهداشت در
شفاخانه های علی آباد شفاخان مرکزی شفاخانه وزارت معارف و در دوایر
رسمی واداری مانند مدیریت های قوانین و تفتیش کار کردند. قسمت زیاد
خدمت شان بحیث سرطیب در ولایات کشور مانند شفاخانه ملکی جلال آباد
پروان، قطفن سزار شریف میمنه و فیض آباد سپری شده بالاخره در سال ۱۳۴۰
بستقاعد سوق بیافته بعد از تقاعد نیز مدت ۱۱ سال بحیث سرطیب در شفاخانه
سمت جبل السراج کار کردند که آخرین وظیفه ایشان قبل از هجرت بود. مرحومی در ایام صلوات در سال ۱۳۰۲
باید مرحومی شان به بیت الله شریف مشرف گردیده اقامت مرحومی در انجام دیت یکسال و دو ماه در مکه معظمه و
مدینه منوره بطول انجامید. درین مدت توانست که تلاوت قران عظیم الشان را از استاد خود پسر مرحوم حسن شبیبی
کلیدارخانه کعبه شریف بیاموزد و در انجام در اثر معرفی استادش با مرحوم عباس رضوان بشاگردی او پذیرفته
شد جایگاه این مرد متدین در پهلوی مسجد نبوی در نزدیکی مرقد سرور کاینات بود. دلایل الخیرات شریف و
قصیده مبارکه بزرگه را از فیض تعلیمات او آموخت که تا روز آخرورد زبانش بود. مرحوم عباس رضوان طبق
معمول اجازه قصیده و شهادتنامه برای نامبره عنایت کرد. مرحوم دکتور ولیزاده در سال ۱۹۸۵ با یکعنه از
مسلمانان مهاجر افغان بار دوم به بیت الله شریف مشرف گردید. مرحومی شخص با خدا و وطنپرست حقیقی بود از
قتل و قاتل های اخیر کابل بدست نامسلمانان شدید زجر میکشید. آخرین آرزویش این بود که وطن عزیزش را در صلح
و صفای ببیند. او مرد خلیق و رفیق بود با خورد و بزرگ فامیل خیلی صمیمی و صحبت های دلپذیر و هر کلمه اش پند و
نصیحت و مردم داری و اخوت بود. قلبش معمولا ز ایمان و راستکاری بود. مرحومی خاطرات پنجاه ساله خود را که
شامل واقعات اجتماعی وطن عزیزش بود در چهار جلد بصورت مستند با خط بسیار زیبا تحریر و این گنجینه را خودشان
عنوان (دانه اند. او مرد دخیل خواه بود که بهر خبر خواهی پیشقدم همه بود. خداوند عز و جل روح او را بطرف خود
غریق رحمت الهی خویش و جایگاه اش را جنت النعیم گرداندامی. ایینه افغانستان با تائید سطور فوق خصوصاً اخیر رسانی
دکتور مرحوم که در اعانه ها همیشه پیشقدم بود برای مرحومی دعای مغفرت و بغافلشان تعزیت و تسلیت میرساند.

نامه شورای تفاهم به محمد اسماعیل خان

نمبر ۶۲۷ مورخ اول اسد برابریا ۲۳ جولای ۹۴
برادر محترم محمد اسماعیل خان امیر عمومی حوزه
جنوب غرب السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

برادران شوراء در شهر باستانی هرات

با ابراز سپاس و امتنان شورای تفاهم و وحدت ملی
افغانستان وصول نامه تاریخی ۱۹۷۳/۴/۳۰ برادر
محترم را که طی آن از نماینده شورای تفاهم و
وحدت ملی افغانستان جهت شرکت در اجتماع هرات
و آنهم در حالیکه مجلس مجوز هرات گشایش یافته
بود، دعوت نموده اند اطمینان داده مراتب آتی
را بتوجه میرسانند:

اوضاع پس خطیر و رقت بار کنونی خاکم بر کشور که
ناشی از جنگهای قدرتخواهی و انحمارطلبی یک
عده عناصر متکی بقدرت های اجنبی و تداوم
مداخلات خارجی در امور داخلی افغانستان میباشد
که در نتیجه آن موجودیت تاریخی و سالمیت کشور
عزیز با خطرات جدی مواجه شده است و اقعا ما به
نگرانی و تاثر عمیق هرات افغان و وطن دوست و آزادی
خواه گردیده است.

شورای تفاهم و وحدت ملی افغانستان را عقیده بر
آن است که مردم افغانستان از تلاشهای مالدانه
هر افغان که بدون تعصبات قومی، لسانی، نژادی
مذهبی، منطقوی و تنظیمی بخاطر اعاده صلح سر
تا سری و حل مسالمت آمیز و عادلانه معضله افغان
ستان صورت میگیرد، حسن استقبال مینماید.

به همین ارتباط شورای تفاهم و وحدت ملی افغان
ستان در حالیکه از مساعی صلحجویانه حوزه
جنوب غرب بخاطر قطع جنگهای برادر کشی و حل
دائمی معضله افغانستان که تحت رهنمائی برادر
محترم برادر افتاده تقدیر و تمجید کرده و در
عین حال لازم بتذکر میداند که اکنون افغانها
نظریه تجارت تلخ گذشته در رابطه به تدویر
شوراها و اجتماعات حساسیت خاص داشته انعقاد
مجلس و یا تشکیل هر شورایی را که بدون نظارت
و همکاری سازمان ملل متحد توسط تنظیمها و یا
حامیان خارجی آنها صورت گیرد عاری از هر نوع
مشروعیت و فاقد اعتبار پنداشته و نمیتواند
چنین مجلس و یا شورای از پشتیبانی مردم
افغانستان بهره مند گردد.

بنابران شورای تفاهم و وحدت ملی افغانستان
ضمن قدردانی از مساعی صلحجویانه جناب شما
توقع دارند تا جناب محترم بحیث یکتا از شخصیت
های موثر و مستقل جامعه افغانی از مساعی
هیئت خاص سازمان ملل متحد پشتیبانی جدی
نموده بخاطر تدویر لویه جرگه عنعنوی جهت
انتخاب زعامت دوره موقت که در آن نمایندگان
همه اقشار جامعه افغانی شرکت نمایند همکاری
سازمان ملل متحد را مطالبه دارند.

احتراما ما خاطرنشان میگردانیم که تنظیمهای وابسته
بقدرت های خارجی و حامیان اجنبی آنها بحکم
منافع خاص سیاسی شان مخالف تا سیستم حکومت
کاملا مستقل ملی اسلامی از طریق لویه جرگه
عنعنوی که تحت نظارت سازمان ملل متحد تدویر
گردد میباشد و از همین لحاظ در راه مساعی
هیئت خاص سازمان ملل متحد سنگ اندازی
مینماید.

کمال مسرت خواهد بود اگر تها دله نظر و مشوره
های میان شرکت کنندگان مجلس هرات منتج به

شوراء مشورت یک عمل ارزشمند اسلامی بوده و حدایت موکه قرآنی است
پایزیدن بر آن مواب است و اگر نتایج شیبی را بار آورده صواب در خواب است، کما یکنه
آنگاه دایر شدن شوراء را در مینایند دال بر عدم وقوف شان میباشد و آنانیکه آنگاه
روی خواشات نفسانی و غرض گر و صی به رد شورایی پردازند مرتکب گناه میشوند
آنان پروردگان نفس اماره اند، دایر شدن شوراء یا گرد هم آیی «به مشورت نشستن»
در شهر باستانی هرات ظاهر آیک عکله ارزنده بوده که از نگاه معنی و کلیات قابل تأیید
است قرار بر آن بود تا در آنجا بطور اخص روی موضوعات ذیل بحث صورت بگیرد

۱ تعیین یک زعم موقت بر روی یکا نیزم بر گزاری لویه جرگه
مکمل اساسی طبق ادعای جنگجویان و لویجانه بوده باشد بخاطر دوام قدرت از
استاد ربانی است که با شدت تمام از اول جنوری ۹۴ کوبیده شد تا مجبور به کناره گیری شوند
وی استعفی انکرو و خواره اعظم جانی و مالی، معنوی و مادی را مردمی تصور کابل تحمل
که حق آلام و قنات مرتکبین اش را حتی انکسای آینه افغان از یاد نخواهند برد
مژده ای که از جانب الحاج محمد اسماعیل والی هرات مبنی بر تعیین زعم موقت تار و برادر شدن
لویه جرگه ملی دعوتنا معهای به مدعین داده شده بود به گری استقبال گردید زیرا که عده ترین
و اساسی ترین موضوعیکه انتظار برده میشد همین بود اما این کار صورت نگرفت بلکه ماده دوم
منقعه هرات به ارتباط این مسئله علاوه از آنکه بفرنج و مغلق است در آن به اصطلاح از یک
میرزائی کار گرفته شده که ذیل آنرا با هم مرور مینمائیم

مجلس بعد از غور و بررسی مده کیسیونهای سیاسی و نظامی پیرامون مسئله انتقال قدرت
در خلال انجام عملیه انتخابات لویه جرگه در پرتو شورای حل و عقد و حکم اعتبار شورای حل و عقد
از طرف ستره محکمه و اعلان جناب رییس دولت مبنی بر کاندید نبودن دراصله
زمانی تا تدویر انتخابات لویه جرگه چنین فیصله بعمل آورد که فیصله نهائی به ارتباط موضوع از
از طریق کیسیون تدویر لویه جرگه اسلامی با مشوره و ارتباط مجامع و اطراف ذی دخل در مرکز
کشور اتخاذ گردد.

در حالیکه همه در مقابل کلمات حل و عقد حاسیت دارند چه رسد به اینکه در پرتو
حل و عقد و حکم اعتبار شورای حل و عقد از طرف ستره محکمه با مشوره و ارتباط
مجامع و اطراف ذی دخل در مرکز، کیسیون تدویر لویه جرگه فیصله نهائی خود را اتخاذ
نمایند، من فید انم ازین چه بور خواهد شد خدا کند به خیر و فلاح ملک و ملت باشد
از آن چه بختی بود اگر در آن شوراء و گرد هم آیی خود الحاج محمد اسماعیل خان
غازی و قحطان و یابکی از مدعین مانند سردار احسان الله خان که ملت افغان
مرحوم و مدیون پدرش الامیر الغازی امان الله خان میباشد که دکتر محمد رفیع
سابق صدر اعظم، پوهاند دکتر عبدالاحد جاوید، دکتر غایت الله بلخ، جنرال
میرعلی احمد مودودی و یاکس دیگری منیعت زعم موقت تعیین میگردید و از آن شخص
و حکومتش حان والیها و قوماندانان شامل در شورای حمایت و حراست میگردند
چطوریکه همین اکنون از استاد ربانی حراست و حمایت مینمایند در آن صورت بحال
موجود نمیبود و اگر بحالنی تراشیده میشد غیر قابل قبول بود، بحسب صورت موادات

۴، ۵، ۶، قطعنامه مذکور اهمیت به سزائی دارد که فشرده آن چنین است

دست آورد مبنی بر توافق جهت تدویر لویه جرگه عنعنوی بهمکاری سازمان ملل متحد گردد که البته بدون شك همچو دست آورد دلالت به بصیرت سیاسی خردمندی و واقع بینی شرکت کنندگان مجلس هرات نموده و از پشتیبانی بیدریغ مردم افغانستان برخوردار خواهد بود.

با اغتنام ازین فرصت صحت‌ساعت و موفقیت کامل جناب شما را از خداوند بی نیاز آرزو میکنم. با احترام. عبدالحکیم کتوازی مسئول کمیته ارتباط و انسجام شوری

محترم بچہ رستم ازکا نوگا

رفاقت رڃاني ٻا هندوها

درینا و خرسرو صدا ی اسلحه فرستادن حکومت
هندوستان بمیدان هوا یی بگرام جهت تقویه
بهرها نال دین ربانی و همکاران شریا دتراج
گرفته و از طرف یکعده ژورنالستهار تا شیدنه
است . حکومت هندوستان برای اینکه بتواند
این موضوع را خنثی نماید نشریه را در ادیو
ها ی خود بهر دوگاست نموده حزب اسلامی حکمتیار
در موضوع خالستان (نزاع و مناقشه بین سکه
پیر ها و دولت هندوستان) مدخله مینماید و
علاوه نموده که یکتعداد طرفداران حزب
اسلامی حکمتیار فعلا بدخل خالستان موجود
صورت عملیات چریکی برضد حکومت هندوستان

فرستان اسلحه با افغانستان میخواهد دلیل اقامه نماید که آنرا مداخله حزب اسلامی در امور خا لستان تلقی مینماید. ازین رو خواسته که برهان الدین ربانی و شرکای او را بمقابل حزب اسلامی حکمتیار تقویه نماید تا اگر شود حزب اسلامی از مداخله خا لستان صرف نظر نماید اما بیخبر ازینکه تنها حزب اسلامی حکمتیاری بلکه تمام مردم دنیا طرفدار آن مردم هستند که برای بدست آوردن آزادی و حقوق خود از حکومتی غاصب مداخله مینمایند. روی این ملحوظ هرگاه در مسند خا لستان کشمیر و یا هر جای دنیا که باشد ما افغانها از مردمیکه برای بدست آوردن آزادی و حقوق حقه شان مجادله مینمایند و برای این مقصد از طرف هر گروه و یا حزب که تقویه شوند طرفداری مینماییم هکذا فرستان اسلحه و کمکهای که سبب تشنج و جنگ اندازی بین هموطن های ما شود انرا تقبیح می نمائیم. البته همه میدانند که بعد از هجوم شوروی با افغانستان همیشه حکومت هند بهانه اشخاص و یا گروههاییکه از طرف شوروی رویکار آمده تقویه میشدند مثلیکه از خلقیها و پرچمیها طرفداری می نمودند امروز هم بهمان صورت طرفداری خود را ادامه داده میخواهد وظیفه منحوس که شوروی برایش داده است آنرا در منطقه و خصوصا در افغانستان ادامه بدهد.

مکلفیت حکومت هندوستان در افغانستان تدقیق دکتورین گوربه چف میبا شدکه بعدا زخروج وشکست شوروی ازطرف
افغانها رویدست گرفته شده است وان عبارت است از +
-- باید افغان را توسط خود افغان ازبین ببرند
-- جنگ را همیشه شعله ورنگهدارند

— هروقت گروهی با هم متحد میشوند و با صلح مینمایند با پادشاه گذاشته شود که جنگ دوباره شعله ور گردد برای این مقاصد اسلحه کافی از طرف شورویها در افغانستان گذاشته شده است تا همدیگر را از بین ببرند؛ يك گروه با حزب را به مقابل دیگرش باید تقویه نموده اسلحه زیاد برای پشتیبان نماید.

این مفکوره را در منطقه فعلا حکومت هندوستان ذمه دار شده است. روی این ملحوظ توسط طیاره اسلحه و سامان جنگ را برای برهان الدین ربانی و شکارپیش میفرستد از هر طرف که افغان کشته شود کریدتش را حکومت هندوستان نصیب میگردد.

ایکاش خودخواهی ها و جاه طلبیها را کنار بگذارد و دشمنان واقعی ملت افغانستان را که بلباس دوستی امروز رویکار آمده اند تشخیص و از بین خود دور بماند و نگذارد که اجانب برای بهره برداری خود سبب از بین رفتن ملت افغانستان شوند. نگذارد که رقبه های اجنبی پرست که بلباس دوستی شما ها خیلی نزدیک و مشا و شده اند در خفا شما را ریشخند زده و کامهای و دکای خود را برای پیروزی دکتورین گو بیچف بلند نمایند و بر ما بخندند... والسلام (بهیچ رستم) .

یادداشت اداره - بتأیید شوقی که این هموطن ابراز داشته آخرین اخبار مشعر است که طیاره تیگه دفتر مرکزی و محل اقامت گلبدین حکمتیار در جرجا را سیاه را بمباران کرده پیلوتهای آن هندو بوده اند. با راول کمونست ها روسها را آوردند و بالای ملت و ناموس افغان ورکش کردند - سیاف و ها بی چریکیهای عرب را برای قتل مردم افغانستان استغفر نمود و اینک رهائی هندو را برای قتل و بی ناموس بکشور مسلمان افغان استخدا نموده .

استاد بزرگوار اکترا صاحب هاشمیان !

سلامها و احترامات تقدیم است . امید صحت تان بکلی خوب باشد .

خبر در دنائی را در اوائل ماه جولای امسال از مطبوعات اروپا شنیدم که واقعا موبر اندام راست میکند . حواسم موضوع را بارخصت از جانب شما از طریق " آئینه " منعکس سازم .

بتاریخ ۵ جولای ساعت ۷ شام رویای وسطی ، تلویزیون آی - تی - ان که بزبان انگلیسی از لندن نشرات میکند ، فقط در آخر اخبار وقایع روز متذکر شد که یک زن جوان افغان بخاطر اعتراض علیه فشار هموطنان (!) خود که وی را مجبوره پیشه " فحشاء " می نمودند ، خود را در مقابل دفتر مل متحد در دلهلی جدید آتش زد !

ازینکه خانم مذکور را ثراین واقعه جان سپرد یا نجات یافت ، یا دآوری ای نشد ولی آنچه دردناکتر و کشنده تر از مرگ است همانا قربانی شدن شرف و حیثیت است که خانم مذکور بر علیه آن شجاعانه بپاخاسته است .

هرگاه واقعا شرف باختگانی وجود داشته و دست به چنان فشارها زده باشند ، ننگ ابدی بر آنها !

برای من ، آن خانم افغان منزلت کمتر از ملالی میوند ندارد .

سؤال اینست که آیا آنهایکه وی را به انتہا رکشانیده اند و یا هم افغانانیکه بعنوان هموطن ، در داخل و در خارج هند ، شاهد چنین واقعه ای بودند ، از عکس العمل متهورانه " چنین ملالی ای بخود می آیند و برای اعاده حیثیت و آبروی خود که نیکی و بدی آن میتواند به مجموع افغانها نسبت داده شود ، دست بکاری می شویانه ؟

در ذیل پیشنهادی دارم که امید بکمک مطبوعات و خصوصا " احساس هموطنی و همنوعی شما جامه عمل بپوشد و آن پیشنهاد اینست :

اگر ممکن باشد تاریخ دقیقی در آینده تعیین و بنام " روز همبستگی با افغانان مهاجر مقیم هند " اعلان شده از عموم

افغانان تقاضا شود تا الی تاریخ مذکور ، حداقل یک دالر برای هموطنان مظلوم مادر هند ، کمک نمایند .

یک دالر یا معادل آن ممکن کمتر از قیمت یک تکت سرویس باشد (چنانکه در سوئیس این مثال صدق میکند) و ننگ

خواهد بود اگر افغانی برای حفظ آبروی هموطن خود که در حقیقت آبروی مجموع افغانان است ، از پرداخت آن

دریغ نماید . به اینصورت هرگاه افغانان مقیم غرب (بشول استرلیا) را بین بیست و پنج تا سی هزار نفر تخمین

نمائیم و هر کدام یک دالر کمک نمایند ، حدود بیست و پنج تاسی هزار دالر جمعآوری میشود و حداقل مانع این

میشود که در هند ، سخن به جا های باریک بکشد .

برای ثبوت مؤثریت و عملی بودن کامل این پیشنهاد ، خود شخصا مبلغ محدود و ناچیز بیست فرانک سوئیس را

ضمیمه این نامه و از طریق جناب شما خدمت هموطنان مهاجر مادر هند ، می فرستم تا باشد که چنین قطراتی به

امواج خروشنده مبدل شده و با تکرار وقتا " فوقتا " آن ، ریشه فساد و اعمال مافیائی اعمال شده بر هموطنان مظلوم

ما از بیخ و بن در آورده شود .

از آنجائیکه موفقیت در امور بزرگ از ارزش دادن به کارهای کوچک ناشی می شود و در ضمن یک پرسنیپ قبول شده

علمی میباشد ، علاوه براینکه چنین اکسیونی میتواند در رابطه با مهاجرین داخلی در داخل افغانستان ، مهاجرین

مقیم ایران ، پاکستان و غیره نقاط جهان سوم هم عملی گردد ، در ضمن انگیزه خوبی خواهد بود برای تحکیم وحدت

ملی ما بر ضد دست اندازیهای کشورهای مغرض و ایادی وحشی آنها در افغانستان . به امید آن روز !

مرزبان پردیس لوزان - سوئیس ۲ آگست ۹۴

اقتراح خیر خواهی و هموطن دوستی

ابینه افغانستان در حالیکه همت و جرات این زن شریف افغان را میستاید از بارگاه الهی برای او ارزش و بخشایش مسئلت مینماید . اطلاعاتیکه به ما رسیده مشعر است که این زن شریف بخاطر نشان دادن بدبختیهای افغانها مهاجر در دلهلی حیات خود را فدا کرده تا توجه جهان و ملل متحد را در زمینه جلب نماید . یک هیات برای تحقیق موضوع تعیین شده که خدا کند زیر نفوذ حکومت هند قرار نگیرد . شکایات متواتر افغانها از بی توجهی دفتر ملل متحد در مجله ابینه افغانستان نشر گردیده و انتحار این زن افغان نیز عمدتا بهمان موضوع ارتباط دارد . حکومت هند با نشر رشوتهای سیاسی رژیم ربهانی هندوها را بدفتر ملل متحد ملأحت تا حقوق وجیره افغانها را تدریجا تقلیل بدهند تا افغانها مجبور بر مراجعت بکابل شوند . مراجعت جبری افغانها بکابل هدف اساسی رژیم ربهانی است . بهرحال ما باید با افغانهای دلهلی کمک کنیم .

هموطنان درین خیر خواهی شریک و سهمیم شوید

در آمریکا حداقل هر فامیل پنج دالر و در اروپا هر کس بحدود توان خود ما را کمک جرمینی و فرانک سوئیس بفرستید

محترم سيد اسحق رها ازويرجينيا

بپاس آنكه عدۀ كنيري از هم ميهنان در طلب جستجوي آند تا شود پادشاه اسبق رارضايت خاطر باشند و ايشان را بمشائۀ ناجي حالات ناگوار كشور قرار داده تا احساسات ملي، بارز و عميق اين عده را تبارز و تمثيل نمايند. وما كه در انتظار بسر ميريم كه اين تصور بحقيقت منتهي گردد، كام مارا برآي صلح و آرامش در كشور برآورده سازند ولي قرار يكه ملاحظه ميشود اين تصوير خيره بنظر ميرسد، با وجود آنكه اين وجيۀ ملي را همۀ ما توأم با همدردی عميق اعليحضرت ظاهر شاه گرامي ميپنداريم.

اما بفرمودۀ استاد گرامي آقای محترم كاظم صاحب، اگر ضربه اول بردشمنان ميهن از جانب سپه سالار لشكر وارد گردد ضربات ثاني و ثلثه رابقيه ملت محكمتر انجام خواهند داد، پس حالا كه روجيۀ ما بنا بر عدم موجوديت قايد ملي و ناجي وياسپهسالار ملت تضعيف نشده باشد ومنتظر آن لحظات محال نباشيم تادستهای غير مرئي و فرشته های نجات برخيزند و براين عمل نيك شان مارا طراوت روح بخشند و از ورای تجسم خيالات و تصورات اين معضله بس بفرنج ملي را حل و فصل نماهيم. پس بايست جدی، قاطع و سرسخت بپاخيزيم، منسجم و متحد شويم، علما و دانشمندان كشور خویش را حمايت و تقويت بخشيم تا شود حلقه های افغانهای خارج از كشور با عزم و ارادت خاص ملي خویش تحت عنوان وحدت ملي برای نجات ملت و سيعتر گردد و با معاونت و امداد مالي و معنوي خویش زمينه جلسات بزرگ و عظيمي را فراهم نماهيم تا فرصت مساعد شود كه چند شخصيت والا را از میان خویش برچينيم و فرياد و احتجاج مارا بسمع جهانيان و مقامات ذيصلاح ملل متحد برسانند، آنوقت اين شخصيتهاي نماينده با جرئت تمام از يک حلقۀ متحد و كثير افغانها صلاحيت بيشتري ارزشمند و موثري را نزد مقامات دنيا خواهند داشت كه در انصورت زمينه فراهم نمودن ميز مذاكرات با قدرت طلبان كشور در يكي از ممالك بيطرف (سويس) تحت نظارت ملل متحد بعمل خواهد آمد. و در آنجا با صراحت تمام جنگ منطق صورت خواهد گرفت كه نتيجه آن مذاكرات بمراتب ارزشمند و موثر خواهد بود بمقايصۀ جلسات دروغين و جرگه های بي اساس و غير مصئون هرات و جلال آباد و غيره كه يكي از آنها درد ميهن را دوا نخواهد كرد.

اين جريان و طرح يكه در فوق از آن تذکر بعمل آمد وقت و زماني را در بر خواهد گرفت. برای اينكه از فرصت زمان استفاده مثمر نموده باشيم يگانه راه موجود اعتماد و اعتقاد بردانشمندان ملي ما خواهد بود. نهضت وحدت ملي اين زمينه اقدام ملي را فراهم نموده و صرف در انتظار وحدت و مساعدت دسته جمعي ما در راه نيل به آرمانهای ملي و نجات وطن ميباشند. پس در اين راه شتاب و يکپارچگي ما سبب نجات هزارها هموطن از قتل و بربادي خواهد شد. اگر انتقادات و اغراض انفرادي را توسط تحرير و نوشته های خویش بريكديگر مضمون روز دانيش و صفحات روزنامه ها و مجلات را بيهوده سياه نمائيم در حقيقت استبداد ميكنيم برفنس و هموطن خویش.

عدم انسجام روز افزون افغانان خارج از كشور عامل بس كشنده ای ميباشد كه تامل بيشتري مادر راه همبستگي برای نجات كشور ضربات بيست بس محكم كه اثرش كمتر از پرتاب راکت های رباني - گلبدين وغيره بر هموطنان بيگناه نخواهد بود. دوام عدم انسجام و بي تفاوتی مابارتباط اين مسئوليت بزرگ، موقف مارا در حلقۀ دژ خيمان ملي قرار خواهد داد.

امروز هموطنان بي بضاعت ملول و مايوس مادگر راه و چاره ندارند بجز آنكه دو چشم شان بسوی كمك و مساعدت برادران و خواهران خارج از ديار خویش دوخته باشند. اما خبر ندارند كه ما با وجود داشتن سواد كافي بمشائۀ بادی شديد كه آتش تفرقه و بي اعتنايي را دامنه دار ميسازيم و بر درد و مشكل وطن می افزايم، وطن ميسوزد و ما بايست آب شويم تا آن آتش سوزان را خاموش سازيم.

اعتقاد، اعتماد و اتحاد سه عامل عمده و اساسي خواهد بود در بر آوردن ارمانهای ملي و نجات كشور. با تقويم احترام. سيد اسحق رها از ايالت ویرجینیا

د غمخور صاحب ليكنه

جناب هاشميان صاحب په ژبه او قلم دی برکت شه !

آيينه افغانستان را ورسيده په ليدو کتو می در حمان بابا دابيت سترگوته و دريد چه وايي:

وهر چاته پخپل شکل سرگنديزم آيينی غوندی بيرويه بيريا يم

که سړی د حقيقت د معلومولو دپاره تنظيمي مينکی له سترگو لری کړي او د شخصي غرضو نه دلز وخت دپاره ځان مجرد کاندې، ويلي شم چه په آيينه کښی به د واقعيتونو هغه شکلونه او څيری وويني چه پخپلو اصلي رنگونو کښی ښودل کيږي او څوک پری پرده نشي غورولی. دابيله خبره ده چه سياسي سوداگر هميشه په خپلو تبليغاتو کښی دی ته هڅه کوي چه تور سپين او سپين تور کاندې خو څه رنگ چه لمريه دوو گوتو نه پيښی دغه راز غير طبيعي حتی هم څه گټه

بلری او دروغ بشی رشتیا کولی. سنا سو په محله کښی چه د حقایقو دخرگندولو دپاره به کرم علمي او تاریخي اساساتو خپرونی کیري دلوسونکو اوچلونکو دپاره دمحرحیره ده. آینه اوس دی معیار ته رسیدلی ده چه خلک په کښی هرڅه بیرویه بیریا وینی او دروونو عوتی پکښی پرانیستلی ښکاري. مبالغه نده که ووايم چه د آینی لمن دومره فراخه شویده چه افغانستان پکښی خای شوی لیده شي او حوصله یی هم دومره لویه ده ته به وایی چه یو خاموشه اباسیند روان دي.

پاچا صاحب، دافغانستان په متعلق نن سبا په هر خای کښی دنشرياتو او آثارو دومره گټه گڼه ده چه سړي یی اوریدو او لوستلو ته وارنشي پیدا کولی، نوکله چه سړي ورته دقیق شي او په غور یی وگوري نو دغه اکثري خپروني او لیکنی د تنظیمونو په چوکات کښی کیري اودالوی وطن او ملت یی له یادونه وتلی لیده شي.

هاشمیان صاحب د آینی دغه افتخار اوامتیار بس دی چه دچاپه زیره او بریتو پوری نده غوته اوپه مستقل صورت او ډول یی دوطن او ملت دنجات دپاره ملا تړلی ده. خدای پاک دی په دی مقدسه مبارزه کښی تاسو همیشه سرپرست لري، د صحافت دمیدان علمبردار اوسی.

پاچا صاحب د وطن دحالاتو به درته څه ووايم. دجنگونو مرگونو غوغا گډه ده او دحسرت اوښکی دی چه په گریوانونو خاشاخي، د ملل متحد دنماینده دبیاپه راتلوخلکوته یوڅه امید پیدا شویدی خوورسره داویره هم شته چیری نه چه داپروگرام دبیینن سیوان دپروگرام په څیر ددسایسو قرباني نشي. بله خبره داده چه دافغانستان دپخوانی پاچا اعلیحضرت محمد ظاهرشاه په انتظار کښی دافغان ملت دخاموشه اکثریت په شونډو اوس دپښتو دالندی زمزمه کیري :
 ((مسافري دی ډیره وکړه)) رنگ مي دی هیر دی په نامه دی یادومه

په پای کښی د خپل نوی چاپ شوی کتاب چه نوم یی دی ((د کابل اوښکی)) یو جلد ستاسو د استاذانه کتنی دپاره درلېزم. په ډیره مینه. عبدالله غمخور - ۱۹ اسد ۱۳۷۳ - پېښاور

تبصره بر تبصره

محترم محمود کرزی از کانکورډ تبصره شما را در اخیر مضمون خود مشاهده کردم. منظور من از تحریر مضمون متذکره صرفا اظهار نظر و تبادلۀ افکار بوده و هدف تخریش فکري شمارا در بر نداشته است. اگر مضمون من باعث تاثر شما و رفقای هم نظر شما شده باشد معذرت می خواهم. یک قسمت تبصره شما بجاست املاء فارسي من ضعیف می باشد. آنچه را که بشما فرستادم بمراتب اصلاح شده بود اگر مسوده این نوشته را ملاحظه نماید اغلاط املائي زیادتر دارد. ولي تعدادی از اصلاحات که شما در مضمون من آورده اید، من را متردد ساخته است. چنانچه تزئید را تزئید و مفهوما را مفاهیم ساخته اید. بر علاوه طوریکه در تبصره خود اشاره میکنید در نظر داشتید استهانت را یا استعانت تبدیل نمائید. معنی استهانت در فرهنگ عمید سبک شمردن - خوار شمردن، خوار دانستن و حقیر شمردن است. ازاینکه کلیه استهانت را بحای خود گذاشتید متشکرم زیرا در غیر آنصورت یک قسمت مضمون من ضد اندیشه من میشد.

من بشما و رفقاء شما احترام زیاد دارم، زحمات شما در تهیه و نشر مجله آینه قابل تقدیر و تحسین است ولي با مرام نامه گروپ شما (نهضت وحدت ملي) مخصوصا با قسمت اقتصادي آن وهم بعضی نظريات شما توافق نظر ندارم چنانچه یک جمله را که در متن این تبصره ابراز داشته اید مخالف اندیشه من می باشد. شما در تبصره خود اظهار میدارید که (در سوشلیزم نیز راه های قابل استفاده برای کشورهای کم رشد و دارای منابع محدود وجود دارد) این جمله نظری ویا علمي کدام اساس علمي ندارد.

از نگاه نظري در اقتصاد محققین زیاد وجود دارد ولي بطور عمومي میتوان نظريات اقتصادي را در سی طیوری عمده خلاصه کرد. ادم سمت، جان مینارد کینز و کارل مارکس : ادم سمت، کینز و حتی کارل مارکس کپیلتزم را بهترین و با سرعت ترین روش برای تزئید سرمایه در ممالک تشخیص داده اند مخصوصا در ممالک کم رشد و دارای منابع محدود. از نگاه عملي در ۷۰ سال اخیر عملا ثابت گردید که سوشلیزم ناکامترین سیستم اقتصادي و نامعقول ترین شیوه سازماندهي عوامل تولید است وهم ثابت شد که کپیلتزم و بازار آزاد در رشد سرمایه ممالک موثر تر می باشد مخصوصا در ممالک کم رشد و منابع محدود. توجه شود که تقسیم ویا ملي ساختن منابع و تولیدات محدود و ناچیز ملت را کمک نخواهد کرد بلکه این تزئید و نحو منابع و تولیدات محدود می باشد که باعث علاج غربت و ناداري میشود.

استاد محترم. تفاوت سن، شغل و رشد فکري من در ساحه ملکی و از شما و رفقاء شما در ساحه حکومتی و تعلیمی دلیل میشود که نظريات و طرز دید من و شما در غالب مسائل متفاوت و بعضا متناقض باشد. اعتراف به این تفاوت و تحمل آن

در امریکا وجه اشتراک سالانه ۴۸ دالر

اعار خوبی برای تبادل افکار میان نسل های مختلف خواهد بود چنین یک اغازی حتمی است مخصوصا اگر از و این باشد که جوانان علاقه و جرات اظهار نظر را پیدا نمایند. ناگفته نماند که تحمل تفاوت و نظریات مخالف یکی از عمده ترین اصول دیموکراسی محسوب میشود.

جناب داکتر صاحب. شما میدانید که مرانامه فعلی گروپ شما اولاً بشورای همبستگی که من از مدتی بدینسو با ایشان همکاری ندارم داده شده بود من اگرچه تا مدتی زیادی از منبع این مرام نامه مطلع نبودم ولی از بدو مرحله با متن این مرانامه مخصوصا با قسمت اقتصادی آن همون نبودم و در قسمت تغیر آن بارفقاء خود بهمباحثه و مجادله پرداختم تا اینکه مرام نامه جدیدی ساخته شد.

من در مدت یکنیمسال که در مجالس و میباحثات هم وطنان در باره ئی وطن و مخصوصا وقتیکه محترم ستار سیرت بامریکا تشریف آورده بودند و مجالسی که بعد از رفتن محترم سیرت تجویز گردید و اباحتیکه در زمینه صورت گرفت چنین نتیجه گرفتم که مخالفت های سیاسی، فرقه طلبی و عدم همکاری بین هموطنان بر اساس مفکوره و نظر نبوده بلکه متأسفانه بر اساس خودخواهی، خودپرستی و برخورد ها و مخالفت های اجتماعی صورت میگردد. منحظر از همه یکتعداد زیاد افغانها بدیختی و پسمانده گی عمومی افغانستان را فراموش کرده و بر اساس قوم، منطقه، زبان و مذهب در عقب هفت گروپ متخاصم موقف سیاسی گرفته اند. بعبارت دیگر تفاوت موقف اشخاص در مورد آینده افغانستان از تفاوت های اندیشه ئی افراد نشاءت نکرده است. هرگاه واقعا بهبودی آینده افغانستان مطمع نظر باشد لازمست گروه بندی سیاسی بر اساس اندیشه های سیاسی و اقتصادی صورت گیرد نه بر اساس خودخواهی، خودطلبی، برخوردهای اجتماعی، زبان، منطقه، قوم و مذهب. زبان، منطقه، قوم و مذهب مشخصات و اوصاف زیبا و مثبت اند ولی اگر جهت موقف گیری سیاسی و فرقه طلبی استعمال شوند عوامل خطرناک و تباهاکن میباشند. این نوع موقف گیری سیاسی و فرقه طلبی باعث میشود که نه تنها پیاد گراها به هفت گروپ متخاصم تقسیم شوند بلکه هواخواهان حکومت قانونی و دیموکراسی نیز به مراتب بیشتر از هفت گروپ بسارند.

در پایان قابل تذکار میدانم که مضمون داکتر کاظم را در شماره اخیر ۳۶-۳۷ تحت عنوان راه بسوی نجات و رفاه مطالعه کردم. متأسفانه مقاله ایشان بار دیگر مملو از اشتباهات علمی و ایجاد اختشاشات فکری در مورد مسائل مطرح شده میباشد. طوریکه از متن نوشته برمی آید نظریات داکتر کاظم محدود و از نظریات و انکشافات اقتصادی و سیاسی دو دهه اخیر جهان مهروم مانده است، بدین لحاظ در نظر دارم جوابی در این قسمت در آینده تقدیم دارم. محمود کرزی - ۲۸ جولای ۱۳۴۰.

یادداشت اداره: این نوشته عینا مطابق بخط دست نویسی آقای محمود کرزی تایپ شده زیرا وی در مقدمه این نوشته از ترمیم املاء کلمات نوشته سابق خود شکایت سر داده است.

معنی کلمه استهانته را من میدانستم و هرگاه معنی کلمات عربی یا فارسی را ندانم علاوه بر دیکشنری عمید دودیکشنری دیگر نیز در دفترم موجود است ولی دلیل آنکه من میخواستم آنرا با (استعانت) تعویض کنم (و نکردم) وجهه مطایبه و کنایه را داشت که گویا شما در نوشته تان از لحاظ محتوی و نیز املاء بیشتر به (استعانت) ضرورت دارید تا (استهانته) ! چون شما در نوشته جوابیه تان چنین وانمود ساخته اید که مطلب کنایه را درک ننموده اید مجبور شدم آنرا عریانتر افاده کنم.

و اما در باب نظریات اقتصادی شما که پیهم از سه نفر و سه تئوری یاد آور میشوید، مجبورم بتوجه جناب شما برسانم که رعایت سلسله مراتب اکادمیک برای خود شما و هر مجله ای که نوشته های تانرا برای نشر بفرستید، لازم می افتد. در حالیکه جناب داکتر سید عبدالله کاظم دیپلومه های ماستری و داکتری خود را از یک پوهنتون معتبر آلمان (کشوریکه مهد پرورش و رشد فکری نویسنده کتاب «داس کاپیتال» میباشد) گرفته و سالیان متمادی در پوهنهی اقتصاد پوهنتون کابل تدریس نموده و یک دوره هم رئیس آن پوهنهی بوده، من شخصا نمیدانم تحصیلات و صلاحیت علمی شما، آقای محمود کرزی، بکدام سویه است که بالای مقاله یک استاد ذیصلاح انتقاد نمائید؟ در حالیکه شما منحیت یکفرد حق دارید با یک مرانامه حزبی و سیاسی مخالفت کنید و نیز میتوانید از هر نویسنده (چه صلاحیت اکادمیک داشته باشد یاخیر) استیضاح نمائید، ولی بنظر ما رعایت سلسله مراتب اکادمیک از اخلاق اکادمیک نمایندگی میکند، در غیر آن حکومت سوته کراسی و آدمکشی مانند آن ترکی - امین و ربانی - مسعود و هر کاره پهلوانی و اخلاق بازاری همانند سعید فیضی تبارز میکند که شخصی را با داشتن ۲۳ سال تحصیلات رسمی و درجه داکتری و صلاحیت اکادمیک پایاتر از سویه سوادخوانی «عریضه نویسی دهن دروازه ولایت» بشناسد. امید وارم تربیه و نجابت فامیلی و اخلاق اکادمیک شما این نوع ابتذال را مجاز نشمارد. من در حالیکه انتقاد بالای خود و آیین افغانستان و نظریات افغانها را بارتباط وطن مشترک مان موقع نشر میدهم، بحکم مکلفیت مسلکی در مسایل علمی سلسله مراتب و صلاحیت اکادمیک را باید محترم بشمارم.

ارتجاع توام با ابتدال 28

ارتجاع در لغت بمعنی برگشتن را گویند ولی «ارتجاع» در سیاست روشی را گویند که شخصی یا موسسه ای برای اهداف و مقاصد شخصی خود آنچه را که یک یا چند بار در گذشته بد گفته و تقبیح کرده و مردود دانسته ، دفعتاً و بیکیارگی در صدد تعریف، توصیف و مقبولیت آن برآید .

مثال برجسته وزنده این روش ارتجاعي در شماره های ۱۱۰ و ۱۱۱ نشریه (امید) در گفتاری از زبان فتنه انگیز سیاف وهابی تحت عنوان « قیادت حزب نا رواترین قیادت هاست » دیده میشود که امید آنرا از نشریه تنظیمی سیاف قاتل اقتباس و با طمطراق زیاد نشر کرده است . کسانی که نشریه امید را میخوانند حتماً باید بخاطر داشته باشند که حتی تا زمانی که سیاف مفتن برای منافع شخصی و اهداف پیسه سازی خود بین ربانی و گلبندین وساطت و میانجی گری میکرد ، نشریه امید بارتباط ظلم و قتل عامی که سیاف بالای نفوس اهل تشیع در کونه سنگی، دشت ارچی، حمال مینه، اوشار و پل سوخته تحمیل نمود و هزاران نفر را کشت چه نبود که نژشت... عنوان « سیاف وهابی» ده هابار بحط درشت در امید چاپ شد و در باره مسلک ناپسند او که همانا تبلیغ و اشاعه وهابیت بیول و مصرف خرپولان عرب میباشد ده هامقاله مفید و آموزنده در امید بدست نشر سپرده شد که آئینه افغانستان هم در تایید اعمال خایانه این اجیر دستگاه وهابیت (سیاف وهابی) چند تبصره نشر نمود. اما از ششماه باینطرف که سیاف وهابی ربانی غاصب را خرخره کرده و در کابینه او حیثیت معاون رئیس جمهور را پیدا کرده ، نشرات امید نیز ریش وهابیت سیاف را با صابون امید شسته و در باره او به تبلیغات مثبت پرداخته است .

گفتار تبلیغاتی سیاف در مقالات منتشره امید باقتباس از نشریه تنظیمی سیاف، همه بضد گلبندین است : وعده خلانیهای گلبندین، دروغگوئیهای گلبندین، سازشهای گلبندین ، حیل های گلبندین ، راکت پراپیهای گلبندین، بیرحمیهای گلبندین ، وحشیگریهای گلبندین و... ولی سیاف که باین موضوعات در طول چهارده سال جهاد آشنا بوده چرا در ۱۴ سال چیزی نگفت که بعد از پیمان سیاسی با ربانی غاصب و شمول در کابینه او دفعتاً باین افشاگریها پرداخت ؟ آیا چه مقصد در پیش بود که ربانی غاصب و دروغگو بمنظور اجرای این خطابه در یک مسجد پشاور ، یک طیاره راترغ کرد و بدسترس سیاف وهابی گذاشت تا او را بعجله پشاور برسد و در ظرف ۴۸ ساعت باز گرداند ؟ آیا این همان سیاف نیست که در آغاز جهاد بحیث معتمد و خزانه دار جهاد انتخاب شد و متعاقباً خزانه و بیت المال جهاد را در دید ؟ (اگر باور ندارید از خالص و گیلانی بپرسید). آیا این همان سیاف نیست که بمنظور اشاعه و تبلیغ وهابیت در افغانستان بلکه در منطقه، از عربهای خرپول صدها ملیون دالر دریافت نمود ؟ آیا این همان سیاف نیست که هزارها زن و دختر افغان را بحیث کنیز بالای خرپولهای عرب سودا کرد ؟ آیا این همان سیاف وحشی نیست که صدها زن و دختر افغان را « ختنه » کرد تا حس شهوت شان کشته شود و خبرنگاران بین المللی عکسها و سرگذشت یکعده آن زنان را نشر کردند ؟ آیا این همان سیاف نیست که گفت « مهاجرین خارج همه شغالان هستند » ؟ آیا این همان سیاف نیست که گفت هر کس از خارج افغانستان بیاید باید چشمان خود را سرمه کرده بیاید ؟ آیا این همان سیاف نیست که برادران اهل تشیع ما را از زن و مرد گرفته تا پیر و طفل بهزاران نفر کشت و تفتیه خانه هایشان را ویران کرد و صدها زن شیعه را سینه برید ؟ پس چه علت است و چرا این سیاف کثیف الاعمال و قاتل هزاران مسلمان بیگناه دفعتاً در صفحات نشریه امید مقبولیت پیدا میکند و بالای گفتار و کردار او استناد میشود ؟

علت اینست که ربانی غاصب و دروغگو برای دوام غصب و حکومت غیر قانونی خود بکسان کثیفی مانند سیاف ضرورت دارد . ربانی در ظرف سه ماه (از ۱۵ اپریل تا ۲۰ جولای ۹۴) هفت بار دروغ گفت و نه تنها مردم بلکه پیروان ساده جمعیت خود را بازی داد : اینست اسناد غیر قابل انکار در ثبوت غبن و غصب و دروغگوئی ربانی :

دروغ اول ربانی در اعلامیه مشترک ربانی - اسمعیل خان در پایان باز دید اسماعیل خان از کابل در ماه می ۹۴ صادر گردید که گفت بتاريخ ۲۸ جون قدرت را انتقال میدهد .

دروغ دوم ربانی در مسجد شریف جبل السراج بتاريخ ۲۱ می ۹۴ بعد از نماز عید صادر گردید که گفت در اخیر جون قدرت را بشورای هرات انتقال میدهد (نگاه کنید امید شماره ۱۰۹ مورخ ۲۳ می ۹۴).

دروغ سوم ربانی باساس وعده های دروغین که بهمکار خود قومندان اسماعیل خان داده بود بتاريخ ۱۸ جون ۹۴ توسط اسماعیل خان بیان شد که ربانی قدرت را بشورای هرات منقل میسازد (نگاه کنید امید شماره ۱۱۳ صفحه اول ستون اول).

دروغ چهارم ربانی در تایید انتقال قدرت بشورای هرات در نیوز بولتن مورخ ۲۸ جون ۹۴ جنرال قونسلگری رژیم در نیویارک نشر شد (متن آنرا در شماره ۳۸ آئینه افغانستان در بخش کرونولوژی بخوانید).

دروغ پنجم ربانی در تایید انتقال قدرت بشورای هرات در نیوز بولتن مورخ ۲۹ جون سفارت رژیم در پاریس نشر گردید (نگاه کنید کرونولوژی واقعات شماره ۲۸ آئینه افغانستان).

دروغ ششم ربانی در نامه ای که توسط مسعود خلیلی به سکرتر جنرال کنفرانس کشورهای اسلامی سپرده شد گنجانیده

شده که در آن نجهان اسلام وعده انتقال قدرت را بشورای هرات داده است.
دروغ هفتم رباني بارتباط انتقال قدرت بشورای هرات و اشتراک شخص خودش در شورا در اميد شماره ۱۱۷ مورخ ۱۸ جولای (صفحه اول، ستون اول) نشر شده است.

اما رباني دروغگو بکنفرانس هرات اشتراک نکرد و قدرت را انتقال نداد و ديگر هرچه در صفحات اميد يا توسط دلودۀ توی « بارتباط این موضوع میخوانید دروغ است و پروپاگند و سرگین است که بار بالای بار بالای عفونات و کشفات رباني می اندازند تا آنرا ظاهرا از نظر بیوشانند اما سرگین تبلیغات اميد تا چه حد این عفونات را پوشانده، و چقدر توانسته دفعتاسیاف را یک چهرۀ مطلوب و مقبول جلوه بدهد، قضاوت را بمردم میگذاریم. اینقدر خاطر نشان میسازیم که هستۀ سرطاني وهابیت در رژیم غاصب رباني نیز ریشه دوانیده و ازین نوع گفتار ها در تایید یکدیگر (رباني - سیاف) بعد ازین در صفحات اميد بیشتر از بیشتر گنجانیده خواهد شد. هر آینه رباني شخص کشیف تر از سیاف را بحمايت خود جلب کرده نمیتواند؛ این دو دروغگو، دودزد، دو غاصب، دو قاتل و دونامسلمان وجوه مشترک فراوان دارند که بالای لاش واستخوان وتقسیم قبور مردگان مرده خانۀ کابل با هم جور بیایند.

دوبار سرگین که اميد در دو شمارۀ خود توسط گفتار عفونت بار سیاف وهابي برای پوشاندن دروغها و کشفات رباني - مسعود ریخته و خواسته تا اعمال خیانت بار سیاف و هابي را تبرئه کند (همان سیافی که تا چندی پیش در اميد چهرۀ سیاه و کشیف داشت)، بنظر ما، مثال برجسته ایست از ارتجاع که توام با استدال در نشریۀ (اميد) تبارز یافته است. شما درین باره چه میپندارید، بروی کاغذ بنویسید و برای نشر ارسال کنید. (اداره)

ده آورد سفر هرات

مدفیمد تزئید در قیمت نشریه اميد

از بازگشته های هرات شنیدیم که سعید فیضی فحاشي و اراجیفی را که در اميد ضد هاشمیان و آینه افغانستان نشر نموده صدها کاپي اميد را با خود بهرات برده به پیروان جمعیت توزیع کرده است و قضاوت اکثر قومندان بچه ها و مولوی های جمعیت که تحصیلات ابتدایی هم ندارند برای سعید فیضی مرحبا وتحسین بوده او را تشویق کرده اند که باز هم فحاشي کند. تازه اینکه ملا رباني باو بودجه کافی داده تا یکدستگاه رادیو تلویزیون مستقل در پهلوی تبلیغات نشریه (اميد) تاسیس وبکار اندازد. علاوه ملا رباني از باب پاداش سفارش نموده تا قیمت نشریه (اميد) از پنجاه سنت بیک دالر تزئید یابد و بخزانۀ دار خود در لندن هدایت داده تا ماهوار پنج هزار دالر بیشتر از بابت تفاوت قیمت به اميد بپردازد. این ازدیاد قیمت اصلاً متوجه تعدادیست که توسط رژیم رباني - مسعود بداخل افغانستان مجاني توزیع میشود ومهاجرین امریکا - اروپا و رباني تصمیم رباني شده تزئید قیمت اميد را بقسم یک مالیات برعایدات برای اهداف ومقاصد رباني میپردازند. از آنجائیکه تمام مصارف (اميد) بشمول معاشات دبل خبرنگاران آن از مدرک فروش زمرد ولاجورد وتبادلۀ بانکنوت های چاپ ماسکو تمویل واجرامیشود (اخیرا حکومت رباني درپشاور برای یکدالر زاید از چهار هزار افغانی تادیه کرد)، رژیم رباني - مسعود باید فرمان دهد تا (اميد) بحیث ارگان تبلیغاتی رژیم رباني طور مجاني بتمام افغانها توزیع گردد چنانچه بداخل کشور مجاني توزیع میشود. قرار مسعود وزیر جنگ احمدشاه مسعود چنین پیشنهادی هم کرده بود اما ناشر اميد بخاطری این پیشنهاد را نپذیرفت که در آنصورت ادعای مستقل (؟) بودن اميد خنده آور جلوه خواهد کرد.

بیانات دوستم

در ده روز گذشته رشید دوستم دوبار بیاناتی بدستگاه های خبر رسانی تحویل داده است که خلاصۀ آنها را ذیلا تقدیم میکنیم: دربیانیۀ اول بارتباط کنفرانس هرات واعلامیه آن گفته است که مشمولین این کنفرانس بخاطر گل روی رباني - اسماعیلخان هشت ملیون نفوس ولایات شمال کشور وحقوق آنها را نادیده گرفته اند. دربیانیۀ دوم خود در اواخر اگست اتهامات همکاران با ازبکستان را رد نموده گفت بغیر از برق دیگر هیچ چیزی از ازبکستان نمیگیریم و قرارداد خریداری برق رانیز آقای مجددی بحیث رئیس جمهور امضاء کرده است. دوستم گفت این احمدشاه مسعود است که تاجیکها را تقویت نموده بمنظور تاسیس تاجکستان بزرگ بالای دولت تاجکستان اور کش میکند.

اعتذار: درین شماره برای درج اشعار جانداشتیم در شماره آینه تلافی میشود.

در امریکا وجه اشتراک ششماهه ۲۴ دالر

کرونولوژی واقعات افغانستان در ۱۵ روز گذشته ۲

سرویس خبری ملاریانی در نیویارک خبر داد که بتاريخ ۱۶ اسد ۷۳ ملامحمد نبی محمدی، ملامحمد صاف محسنی و شاعلی حامد گیلانی پس وولپهد سید احمد گیلانی و اردکابل شه با ملاریانی در حالی دیدار و مذاکره کردند که سیاف و هابی شاعلی محمد امین و قادیور پیر خدایرات ربانی و احمد شاه احمدزی معاون سیاف و هابی نیز حاضر بودند. سه فرزند کوربه نمایندگی از ملا المی رئیس جمهور جلال آباد بکابل رفته اند تا ملاریانی رئیس جمهور کابل را برای اشتراک در لویه جرگه ملا خال در حال آباد تشویق کنند ولی ملاریانی و سیاف و هابی از این تقاضا و اصرار نمود تا خال و سایر سران تنظیمها بشمول گلبدین حکمتیار در لویه جرگه ملاریانی در کابل اشتراک ورزند. مذاکرات بجای نرسید و سه فرزند کوربه به پشاور برگشتند. شورای هماهنگی قبلا از جرگه مجوزه به تنظیم مذکور حمایت نموده است. خبر بعدی مقرر است که ربانی به محمدی و علم معاون ربانی استحضار فرماید.

بحواله نشریه خبری ربانی لشکر شورای نظارتش پوسته را در میدان شهر از قوای حکمتیار متصرف شده اند و مواضع شورای همبستگی را در اطراف دوشی شدیداً بمباران نموده میگویند حدود چهل نفر را قتل یا زخمی ساخته اند.

بقرار خبر دیگر مسعود خلیلی سخنگوی ملاریانی در اسلام آباد اطلاع داشت که رژیم ربانی از موسسه ملل متحد خواسته است تا بمنظور کنترل و مراقبت ورود اسلحه بداخل افغانستان خطوط مرزهای افغانستان را تحت مراقبت قرار دهد. رژیم ربانی پاکستان را متهم بصور اسلحه و مواد دلوژستیکی از طریق سرحدات آزاد بداخل افغانستان نموده میگوید حزب اسلامی گلبدین از طریق حکومت پاکستان تشویق جنگ میشود. پاکستان نیز پیشینه اداستقبال نکرده گفته است که همین اکنون در افغانستان اسلحه بیشتر بمغایبه پاکستان وجود دارد و تشکر داده که این پیشنهاد اصل قضیه راحل نمیکند. دولت پاکستان بعد از ۲۸ جون شناخت خود را از رژیم ربانی واپس گرفته مناسبات سیاسی بین مملکتی قطع شده است. دولت پاکستان قبلا گفته بود که اگر ملاریانی بتاريخ ۲۸ جون مطابق بوعده قبلی استعفی ندهد شناخت خود را از رژیم واپس خواهد گرفت. رادپوریان بتاريخ ۱۴ اگست اطلاع دادند که در اثر بمباران هوایی بمواضع گلبدین در چار آسیاب ۲ نفر از پیروان گلبدین بشمول سه نفر بادیگارد او بقتل رسیده اند. هکذا در اثر بمباران طیاره بمسعود حه خانه حزب اسلامی در پشینی حصار متعلق شده شناختی بقتل رسیده است. همین رادپورت که قوای ربانی مسعود حله فراد گلبدین را در ولایت لغمان خنثی ساخته اند. بالمقابل قوای حکمتیار بشهر کابل راتحت راکتباران قرار داده ۳ نفر را مقتول و ۷ نفر را مجروح ساختند. مسعود مدعی شد که یک طیاره دوست را بر فراز شهر لخمی سقوط داده ولی از سر نوشت پیلوت خبری در دست نیست.

ریوتر بتاريخ ۱۵ اگست خبر داد که مامورین ملل متحد هنوز هم مصرف مذاکره با مجاهدین میباشند که ۱۲ روز قبل کاروان لاریهای مواد خوراکی ملل متحد را غنیمت نموده اند. فرماندان حمید الله ۲۱ لاری مواد خوراکی و ادویه کمکی ملل متحد را که راهی کابل بود بین بگرامی ولایت بند ولج کره از آن جمله شلاری را چور نموده ۲۵ لاری متباقی سلامت بچار آسیاب برده شده است.

ریوتر خبر داد که رژیم ربانی بتاريخ ۱۶ اگست از ملل متحد تقاضا نموده تا مواد طبیی و ادویه بدپیوهای رژیم در کابل برسانند. قبل در اثر فیرا کتهای گلبدین مخازن ادویه ربانی در خیرخانه منهدم شده است منابع گلبدین گفتند رژیم ربانی ادویه را بمردم نمیداد بلکه برای مقاصد سیاسی تنهابرای عساکر و پیروان خود میداد و حتی بهبازار آزادان میفرودخت. علاوه تا بدپیوهای ادویه راکت هواسلحه ذخیره میشد. بداهد فراتر قرار گرفت. موسسین مامورین ملل متحد گفتند که م نمیتوانند بمیدان بگرامی ازور برسانند اما در پشاور یکمقدار ادویه راتحیه و تحویل داده میتواند. رژیم ربانی بالای شاهراه ها کنترل نداشته اشتغال مطمئن ادویه راتوسط لاریها بکابل تضمین کرده نمیتواند. موسسین گفت از تمام عناصر بدیخل خواسته نموده تا از فیرا راکت و بمب بمواضع ملکی و مسکونی مردم جلوگیری کنند. اوگفت ربانی وعده داده تادو هفته در مورد جواب بدهد اما از جانب حکمتیار جوابی نرسیده است. موسسین علاوه کرد که اینها مقادیر زیاد تبیل و همدات وهمچنان ظرفیت و قابلیت حمله و بمباران را بیکدیگر دارند اما وقتیکه به باید برای مردم خود خدمتی انجام دهند مثلا دوا و خوراک برسانند انوقت از ملل متحد کمک میخواهند.

ریوتر خبر داد که بهمین تاریخ بمبادله راکت بین گلبدین ربانی و ربانی دوستم بشدت در کابل جریان داشت که در اثر آن ۱۱ نفر مقتول و ۱۶ نفر مجروح شدند. مقامات نظامی ربانی مسعود گفتند که در اثر بمباران آنها شخص کشته شده و ۱۵ نفر زخمی شده است.

کومیته بین المللی طلب سرخ بتاريخ ۱۶ اگست خبر داد که در جنگهای ۱۵ روز اخیر ۱۰۰ نفر مقتول و ۹۰۰ نفر مجروح شده مجروحین نیز نسبت تبیل در داکترودوا مشرف بمرگ میباشد. علاوه خانه ها مسکونی دوا بر رمی و یک تعداد از شفاخانه ها یکی منهدم شده اند. منابع حکمتیار اخبار زخمی. شن او را تکذیب کرده اند. حکمتیار خودش ضمن مصاحبه ای با بی بی سی گفت جور و تیار است

منابع رژیم ربانی خصوما نشریه (امید) که تا شرتبلیغات رژیم ربانی میباشد از دوهفته با بنظر متواتر خبر میپراکنند که حکمتیار زخمی با بقتل رسیده است حتی اوازه انتقال جسد مریش او را بپاکستان برای تدای و سپی اوازه مرگ و دفن او راهم شایع ساختند. اما بعداً معلوم شد که حکمتیار شاید جراحت خفیف در قسمت پا برداشته بونه ولی زنده و در پایگاه خود مصروف جنگ با ربانی میباشد. اما فیرا کتهای طرف گلبدین بمواضع ربانی تشدید یافته و همچنین بمباران بسیار شدید و کشته توسط طیارات ربانی مسعود بمواضع حکمتیار تشدید یافته است.

۲۰ اگست خبرنگار اینیه افغانستان شاعلی محمد صابر امروز از پشاور اطلاع داد که اموال سرای افغان مارکیت در چوار مسجد شریف بل خشتی توسط طغاع الطریقان شورای نظارت وقت و بعدا سرای مذکور را آتش زدند. خبرنگار علاوه کرد که این خبر توسط تاجران افغان که دیروز به پشاور رسیدند افشا شده یکتا از تاجران گفت از اراغان حکومت ربانی تا حال سرای احمدشاهی تیمورشاهی سرای حاجی هزارگل (خوردگل) سرای رئیس

در امریکاجه اشتراک شاهه ۲۴ دالری

در آن شب به منزل آقای فیضی رفتم
حافظ بوزم در موضوعات مختلف بین شما
و من گفت و شنود شد - بالای موضوع
آقای زابلی آقای فیضی صحبت کردند و شما
یک صدوق گفت برای من دارم

بابا نام گلبدین آرمای غنی پیر میان کمر
رشا تو هنیات دارای در باره لاجورد
شا گفته که تنظیم جمعیت اسلامی است
داجورد را در بازارهای ارزش ساخته

چونکه بسیار در بازارها لاجورد درون کف
 آمده باریک و صاف و صاف و صاف
 لاجورد به آما و غیره نوشته در منزل ایشان
 کدام چیز مذکور نشده و من بیاد

~~نہیں~~

السعيد فيفي

(امید) که از حق گفتن نا امید شده جز فحاشی و دروغ
 و بهتان چیزی از آن نمی تراود. يك كذاب متقلب
 چا پلوس قاتل را بعا ش ملا ربانی استخدام کرده و
 بهیم بالای او "دروغ نامه" مینویسد تا صفحات نشریه
 خولرا سیاه ساخته باشد.
 آقای سعید فیضی در شماره ۱۱۵ امید با زهم نا مردانه
 دروغ گفت و يك انسان شریف حاضر در مجلس را شا هدكشید
 و من مجبور شدم از همان شا هد عینی در موضوعا تيكه
 دروغگو بهتان بسته استیضاح نمايم كه نوشته شا هد
 عینی آقای احمد سینا عصمتیاردرفوق بملاحظه هموطنان
 تقدیم میشود و مدعیات آقای سعید فیضی دروغگونیز
 با اقتباس از دروغ نامه امید درستون مقابل چا پ
 شده و برای افشا نمودن ماهیت دروغهای آقای فیضی
 تفصیلات مزید برای هموطنان در صفحه بعد تقدیم میشود؛

بیاد خوانند و پشت چند می پیش وقتی در امید این منزل
شما بدم یکبار لعل سعید نفی بدین من آمد و یکبار هم همراه شما
بدین ادبش رفت بدوم . لعل سعید نفی بارها با مریضی که
در منزلش حضور داشته بود قبل از درک شما در امید بر من
تیمت بسته و اینک بار دیگر در شماره ۱۱۵
امیه باز هم در همان نشر کرده است . چون شخصی شما
حاضر و شاهد غنی کرده از شما حور میگویم شهادت بر وجه
از جمله من وضع زنی که لعل سعید نفی مدعی است
در منزلش مطرح و در آنکه کرده شما که در مریضی
را خاطر دارند ؟

(۱) منہاج و قیاسیہ نام مکتب لکھنؤ

(۲) موضوع حرکت در ششہ آن

(۳) مزاج فروش لاخورد (اشارہ بہ لہریں)

ملفوظات حضرت آقا سید نفیسی در کماله غمزه، از زمینه اظهار
نظر فرماید، به جمع محمد طه خان ۱۰ جمادی ۱۹۹۴

آقای هاشمیان در ادامه نوشته خود به یاد دیگر مراد در غوغا خطاب کرده می نویسد: «من ابد آن گفته ام که (جرکه) کلمه پشتو نیست بلکه در حضور دو ستم احمد سنا برایش گفتم که در مورد مقاله وجه تسمیه کلمه جرکه موافق نیست و اکثر روان ریشه جرکه را ترکی میدانند که با اولین موافق نمی باشم.» نخست باید عرض کنم که چون شما با اساس ادعای خودتان را دکتر زانشناسی و متخصص اصوات هستید بگوئید کلمه (جرکه) چیستا پشتو، فارسی یا ترکی؟ ثانیاً اینکه در آنروز شما بر علاوه تائید از مقاله من، دو موضوع دیگری را نیز مطرح بحث قرار دادید، یکی وجه تسمیه (کلب الدین) که می گفتید (گل) در زبان عربی نیست اصلاً این نام باید (کلب الدین) باشد. موضوع دیگر ارسال پنجاه صندوق لاجورد بود که از افغانستان در زمانیکه شما مأمور سفارت افغانستان در لندن بودید برای فروش ارسال شده بودو گفتید که: به امروا شال شاه ولیخان که در آنزمان سفیر بود و هر قدر که شیدم لاجوردها در لندن بفروش نرفت. و بالاخره به امرو سفیر همه آن پنجاه صندوق را به سفارت افغانی در پاریس فرستادیم و چندی بعد ما رشال صاحب نیز فرانسه رفتند و بعد از اینکه لاجوردها در آنجا بفروش رسید به لندن برگشتند. من پرسیدم پول فروش چه شد؟ شما گفتید دیگر من اطلاعی ندارم. امید است این یاد آوری تداعی صحبت های آنروز را در مورد (جرکه) نیز کرده باشد.

نموده است .

(ج) نام اصلی آقای حکمتیار از طرف والد مرحومش (کلب الدین) گذاشته شده و در کدام مرحله زندگی که آقای حکمتیار متوجه معنی کلمه (کلب) شده است از آن خوشش نیامده، بهسبب با لای حرف (ک) يك علامه افزوده آنرا به (گل) تبدیل ساخته، لهذا (کلب الدین) که يك نام دستوری و صوفیانه و مروج در فرهنگ افغانی است به (کلب الدین) تبدیل شده که بهمعنی و غیر دستوری میباشد .

ناگفته نماند که مسلمانان راستین بخاطر احترام یکباره (دین) داشتند بسا مردم اسم پسران خود را (کلب الدین) میگذاشتند تا خدمتگار دین رسول الله (صلی) یا رسول الله (صلی) مذهب تشیع نیز (کلبی علی) و (کلبی محمد) بحیث نام مروج است . علاوه همسالان آقای حکمتیار روایت کرده اند که نام اصلی او در طفولیت تا اوان صباوت (کلب الدین) بوده در دوره متوسطه خودش نام خود را بهمعنی و غیر دستوری ساخته است .

این بود توضیحاتیکه من به سعید فیضی داده بودم و با اثر کنایه و اصرار او آنرا رسماً نیز نوشتم و اگر روزی گلبدین حکمتیار با من مواجه شود خودش یا پیروانش خواسته باشند همین توضیحات را مفصلتر و بطارائه امثله بیشتر تقدیم خواهم نمود . ناگفته نماند که حدود چهار سال قبل در يك محفل فاتحه از نظر نحو و دستور از من استیضاح شد و آنجا اهل خبره بشمول چند تن از شاگردان سابق ما حضور داشتند . من در آن محفل با تفصیل صحبت کردم که گفتار مرا با جازه خودم ثبت نموده اند و شنیدم يك کاپی همان کاست با قای حکمتیار نیز شنیده شده است . بلی، من بحیث متخصص زبان شناسی آنچه برشته های نحو - معانی - علم الاصوات یا (زبان شناسی تاریخی) و (زبان شناسی اجتماعی) از من استیضاح شود خود را مکلف بارتائه توضیح علمی می شمارم .

(سوم) موضوع فروش لاجورد در سفارت لندن يك دروغ شاذ و ريك بهتان نامردانه آقای سعید فیضی می باشد که حتی شاهد عینی (آقای احمد سینا عصمتیار) آنرا رد کرده است . در نوشته افراق آمیز و مملو از دروغ و بهتان آقای فیضی که بقدرت با روت و دالیر ربانی - مسعود مگس را فیل میسازد و (امید) را می پنداند - لطفاً شماره ۱۱۵۰ (میدیا) اقتباس آنرا در صفحه ما قبل بدقت بخوانید که مرا بحیث ما مورسفات لندن متهم بفروش ۵۰ صندوق لاجورد در لندن و سپس انتقال آن به پاریس نموده و يك متوفی مرحوم یعنی مارشال شاه ولیخان سفیر آنوقت را بناحق متهم بفروش لاجورد ها در پاریس نموده - شما خود تصور کنید این شخص که می گوید در افغانستان تا رتبه مدیر عمومی کار کرده برای عقل و جفا نبینی يك چپراسی درك و تشخیص ندارد، زیرا اولاً لاجورد در سفارت لندن چه میکرد - سفارت آنوقت لندن ما نند سفارت امروزه بدست برادران احمد شاه مسعود وزیر جنگ نمور که آنرا مرکز قاچاقبری میساختند - در آن سفارت يك سفیر سیک وزیر مختار - يك سکرتر اول يك سکرتر دوم و سه تا چهار نفر آتشه و مشا ورموجود بود و قیمت لاجورد هم در آن زمان مثل امروزی ارزش نبود يك كيلو لاجورد در سالهای ۱۹۵۰ تقریباً ۵۰۰ دالر یا بیشتر قیمت داشت و قیمت يك صندوق لاجورد که اگر صد كيلو میداشت حدود ۵۰ هزار دالر میشد و من که محض يك كاتب سفارت بودم چطور بدون اجازه سرکاتب و مستشار و سفیر با داشتن پاسپورت سیاسی بفروش لاجورد دربار لندن میپرداختم؟ با چنین منطقی اگر خرمی بودم

اول در مورد کلمه جرگه وریشه آن که آقای سعید فیضی معلومات درست نداشت و برهنه مانی غلط و تبعیضی با اکثر روان فرهادی اشکار کرده از ریشه ترکی می داند که من آنرا در شماره ۲۸ (ص ۱۶) آیین افغان ستان رد نموده توضیحات مستند علمی ارائه نموده ام، تکرار آن لازم ندارد. اینکه آقای سعید فیضی و استدلالگران مرتبط با و کلمه جرگه را وحتی اصطلاح (لویه جرگه) را پشتو ندانسته، اجنبی و خارجی می دانند، من با رد دیگر طرز تلقی وی را غیر علمی، شیطنان آمیز و تبعیضی دانسته از بیخ و اساس طرد و رد میکنم .

دوم - در موضوع وجه تسمیه نام "گلبدین" یا (کلب الدین) در منزل آقای فیضی که خودش این موضوع را مطرح ساخت، بحث صورت گرفت و من نظر خود را با سانس دستور و نحو زبان دری شرح نمودم . من ابتدا نگفتم و نخواهم گفت که گل در زبان عربی نیست چونکه این تذکر طفولانه و بدیهی را شخص غیر وارد در زبان شناسی مانند سعید فیضی میدهد که این بار خودش بر روی امید نوشته است . اینکه (گل) يك کلمه دری است نه عربی، فکر میکنم يك شخص بصوبه سواد موزی ابتدائی هم میداند . ولی آنچه من گفتم و سعید فیضی نسبت عدم دسترسی بمبادی نحو، آنرا درست افاده نتوانسته اینست که در ترکیب "گلبدین" يك کلمه دری وجود دارد که (گل) است و يك کلمه عربی که (دین) است و يك میان وند که (ب) است . در زبان دری پیشوند و پسوند وجود دارد اما میان وند وجود ندارد. آنچه این ترکیب را از نظر دستور معلق میسازد همین میان وند (ب) است که هر گاه با کلمه (گل) یکجا شود از آن (کلب) بدست آید و (کلب) در زبان دری يك کلمه بهمعنی میباشد . پسوند که با بد معنی اضافی يك کلمه ما قبل خود اضافه کند، در ترکیب (کلب) تشخیص نمیشود . و هرگاه این (ب) را يك کلمه عربی (الدین) بحیث پیشوند اضافه کنیم از آن ترکیب (بالدین) بدست می آید که با ایزاد کلمه (گل) با این ترکیب، ترکیب جدید (گل بالدین) بدست آید که بقرار دستور زبان عربی نیز بهمعنی باشد . چونکه در زبان عربی کلمات و نامها ثانی از قبیل صدرالدین - شمس الدین - جلال الدین - جمال الدین و امثالهم دستوری و معمول است اما (صدر بالدین) یا (جمال بالدین) منحیث اسم خاص غیر دستوری و غیر معمول میباشد .

در فرهنگ افغانی (السنه پشتو و دری) کلمه دین یا ترکیب (الدین) را با کلمات دری مخلوط و اسم خاص ساخته اند که مروج و دستوری میباشد از قبیل گلاب الدین - مهتاب الدین وحتی (گل الدین) که در تلفظ عامیانه (گلبدین) افاده میکنند نیز دستوری است . از آنجا شیکه (گلبدین) يك ترکیب غیر دستوری است، پدر مرحوم گلبدین چه مجبوریست داشته که چنین نامی بفرزند خود منسوب نماید؟ و اگر چنین باشد چرا ما نامها ثانی از قبیل (درخت بالدین) (برگ بالدین) (ناك بالدین) (شلف بالدین) (تربوز بالدین) (گلشنکوب بالدین) و (راکت بالدین) در فرهنگ افغانی نداریم؟

پس از نظر نحو دستور زبان دری برای ترمیم و اصلاح ترکیب نا درست (گلبدین) سه راه حل موجود است (الف) این نام اصلاً بالدین بوده و آقای حکمتیار در کدام مرحله زندگی خودش با حذف الف از کلمه (گلاب) آنرا (کلب الدین) ساخته است .

(ب) این نام اصلاً (گل الدین) - (گلبدین) بوده و آقای حکمتیار در کدام مرحله زندگی میبناوند (ب) را با ن افزوده نام مقبول گلبدین را به گلبدین تبدیل

بقلم محترم عبدا لر حیم لر خا بی قندوزی از سیمو بیلی

این نوشته سه مطلب دارد: پیشنهادی، مقدمه ای و با لایحه تذکری؛

درمجلسه آیینیه افغانستان مطالب خواندنی زیاده است ولی آنچه که با زیبایی حسن خط و حسن محتوی از قلم توانای شاهین تراوش میکند بهتر از همه است، نه بخاطر نیشها و کنایه ها پیش بلکه بهسبب عمق نظرو صدق گفتار و همینجا است که بنده بیکار بی روزگار درین کنج عزلت علاوه بر خورد و نوش شکم پرستانه و خواب را حتر بی غیرتانه، ما هو را فقط همین مجله را میخوانم و خود را از حال وطن نا زنین و بخون رتگین خود آگاه میسازم.

پیشنها ده: فضا ئل همراه حضور شاهین: چه میشود بی عنوان (یکدنیا در ترا زوی شاهین) جمله یکدنیا در غلبیل شاهین را انتخاب کنیدا بکنا نیکه بعلت حب و بغض یا تنگ نظری ترا زو را به "پانگه داشتن" و صاحب ترا زو را به "دندی زدن" متهم میکند، بهانه ای باقی نماند و همچنین احتمالی بخطای بشری شاهین که گاهی باعث برهم خوردن "موازنه" میشود کم تصور نباشد.

بعقیده این نادان ناتوان، غلبیل از همجو تهمتها و اشتباهات مبرا است؛ این چنبره را ستکار و این دایره بیمزد خدمتگاران در کار تصفیه سرها از ناسرها، گاهها از دانه ها، جواهر از گندم ها، بخوبی و شایستگی برآمده میتواند. ریگهای دندان آزار را حین غلبیل کاری بزمین فرو میریزد و اگر سنگریزه های بزرگتر که احیاناً در میان دانه های روزی خواران مستحق و مظلوم پنهان شوند، چشم تیزبین غلبیلگر آنان را میبیند و بدست خود بدور می اندازد.

حامل نهائی کا ر غلبیل با گندم گندم است یا جوجو. حساب گاه ها، ریگها، دانه های پوچ، شالیها و شما قها جدا می گردد.

خوب شاهین صاحب: پیشنهادی بود را یگان. ترا زوی شاهین یا غلبیل شاهین "دوا ره صحیح دی".

مقدمه ای

گفته اند گذشته معمار حال و حال آیینیه دار آیینیه است. این سخن نیست عمیق و در حق آدمی سزاوارت تطبیق. پس اگر سازنده حال آدم گذشته اوست و استقبال هم در آیینیه حال دیده میشود، پس نتیجه نهائی این فرضیه یک چیز عمده است و آن همان اصل بنیادی یعنی گذشته، گذشته هست، موضوع و پذیرندها حال و استقبال است. گذشته انسانها از دمان ما در محیط و ما حول، مکتب و مدرسه، هم نشین و رفیق و محیط کارشان تشکیل میشود و در مجموع حال را میسازد و آیینیه هم که ظاهر نامعلوم است طبق فرضیه فوق در آیینیه حال مشهود است. شاعری درین بابت سروده است:

زانچه بگذشت هراسان بودن به که آیینیه پشیمان بودن
این مقدمه را داشته باشید که بدردمطلب سومی یعنی تذکر بدردمیخورد.

گفتم هر ماه آیینیه افغانستان را میخوانم. آیینیه خاموش گویا را پیش روی خود میگذارم و در آن گذشته ها را میبینم. چهره ها و نامها بیابم می آیند. خاطره های خوش و ناخوش ذهنم را بخود میکشاند. اینها را که گفتم غیرا زبا خبری از آنچه که متعلق بحال زا روطنم و روزگار رمصیبتبار هموطنانم در بخش اخبار است. خطرو بیا داری بعضی نامها و چهره ها مرا مسرور و یا گذشته های نیکورا زنده میسازد و از مطالعه بعضی نامها و یا دقایقه ها نفرت و انزجار بر مغزم و ضمیرم سنگینی میکند.

میخندید. شما ملاحظه میفرمائید که آقای فیضی بقدرت بارت و دال را ربانی مسعود آنقدر مست و نشه از مبالغه است که یک نفر کاتب سفارت را اگر در سلسله مراتب بدرجه چهارم قرار داشت، کل اختیار سفارت می سازد - او را فروشنده لاجورد دربار زارلندن معرفی میکند و باز لاجوردهای لندن را غیر قابل فروش می سازد و آنرا بپاریس انتقال میدهد و در آخر هم سفیر را بپاریس میفرستد تا لاجوردها را در آنجا فروخته بلندن برگردد. شما ای هموطنان سناریوی این داستان را خوب بدقت تعقیب کنید. آنوقت ملتفت میشوید که چون ربانی و مسعود و برادران مسعود حتی با عتراف خود شان در ۱۴ سال پار قاچاقبری کرده، لاجورد و زمرد افغانستان ملکیت مردم فقیر کشور را طور قاچاقی به لندن و دیگر بازارها ارسال و پول فروش آنرا بحیب و بانکهای شخصی خود انداخته اند - حالا آقای سعید فیضی باید برای تبرئه این دزدان و قاتلان پای رژیم سلطنتی سابق را در میان بکشد و کاکای پادشاه را که سفیر بود بحيث قاچاقبر و فروشنده لاجورد حدود چهل سال قبل معرفی نماید. درحالیکه خداوند شاهد واحد است که نه در سفارت لندن من لاجوردی دیده ام و نه ما مور فروش آن بوده ام، چونکه ما مورین سفارت با داشتن پت سپورت سیاسی اصلاً با مور تجارتی و فروش مجاز نبودند و چند نفر از ما مورین آنوقت هنوز هم حیات دارند از قبیل استاد عبدالرحمن پژواک آقای سید مسعود پوهنیار و دکتور عبدالواحد کریم که هر کدام بعد از برتبه سفارت رسیدند که میشود از ایشان استفسار کرد. اما روش و پالیسی (امید) از دوسال با بیطرفی که رژیم غیرقانونی ربانی مسعود شروع شده، طوریکه که اینها بطور بسیار نامردانه پای پادشاه و خاندان سابق سلطنت را در هر موردی که خواسته باشند شامل میسازند تا چنین وانمود کنند که تنها ربانی و مسعود و برادران مسعود قاچاقبری نکرده، بلکه اعضای خاندان سلطنتی سابق نیز قاچاقبری میکردند. این پالیسی امید خصوصاً در هشت ماه اخیر از نشر نامه های آقای کریمی گرفته تا نشر نامه ۲۱ سال پیش زابلی انهم با تصرف و بردار و همچنین نشر نامه آقای دکتور حسن کاکر و با لایحه اینک شریک ساختن پای کاکای پادشاه سابق در فروش ده صندوق لاجورد در پاریس، انهم با داستان و منطقی که خر را میخنداند از ابتکارات (امید) و همکار قلمی درجه اول امید آقای سعید فیضی است. حالا شما خود تصور کنید که ربانی مسعود چه قماش مرد میرا برای تبلیغات خود استخدام کرده اند و اینها چطور سناریو میسازند که در هر داستانیکه ممکن باشد پای پادشاه و خاندان سابق سلطنتی را شامل سازند. با با، معامله، تو با، هاشمیان است - هاشمیان از شمال با بیطرفی ربانی مسعود را بقا قاچاقبری لاجورد زمرد سپرو چاشته و مصروف معرفی کرده، این چیز نویست و اگر تو خواسته باشی هاشمیان را با زهم بکوب ولی قح تبلیغات شما در هر جا و هر مورد باید مانند سگ بوی کش عقب پادشاه و خاندان سلطنتی روان باشد و شما این روش و شیوه نامردانه را برای خود افتخار و موفقیت می خوانید - آقایان این روش اسلامی نیست - افغانی نیست - شرافتمندانه نیست - مردانه نیست - ژور نالیستی نیست، حتی هندو و یهود با مسلمان چنین معامله نکرده، پس معلوم میشود که روش تابعین و تبع تابعین ربانی - مسعود با مسلمانان بدتر از آن هندو و یهود است - پس لعنت بر پول پرستان و دنیا پرستان. همین و بس.

اگر مجله بشما نرسیده، گویا اشتراک شما نرسیده!

تا اینکه عبدالله خاين بعلت جنایات و مظالم بسجده و حصرش طرف خشم مردم سمت شمال واقع شد و از ترس جان بکابل گریخت. در آنجا هم فیضی و عیال محکومش در دست رعمرت نساجی واقع چوکه جا ده میبوند بدو طرف ریاست عبدالله لعین بنام قلم مخصوص و سکرتر کار میکردند و شبها با پاس خاص خود در هیدکوارتر آن یعنی هتل سپین زر بعیاشی و فساد و توطئه علیه مردم بیگناه مشغول بودند.

بعد از سقوط خلقیها وقتل لعینها بدست روس و پیرچمیها
مقبضی شاید جان سلامت برد و بهند گریخت و در آنجا ضمن
جاسوسی بنفع دولت کمونستی و تاسیس رابطه با حکومت
خواه رژیم کابل در دهلی غرض ترتیبات امنیتی
آینده و بعدد پولهای فراوانی که از رشوت و پهلوی
عبدالله در سلطنت زون شمال ذخیره کرده بود به
استراحت پرداخت و هم هوای مطالعه و ریسرچ گویا بسرش
زد و در نهایت، امر د بچه ابن سینا - آمر رشوتخوار
شرکت برق - دلال لعینهای پریروز و دیروز، نویسنده
و مورخ (؟) و تنویر پسین جمعیت اسلامی امروز و شخصیت
برجسته، جمعیت اسلامی برای فردا برآمد و اینک (در جمله)
محبوب آئینه با نویسنده بزرگ نیکنام و پاکبازی
چون شاهین مقابلہ میکند. تفوهرتوای چرخ گردون
تفوی

شاید غمی با خواندن این نوشته (اگر موقع نشر را یافت) با استفاده از قلم سیاه و کجش جرایم مرتکبه خویش را نفی کند ولی ازین چند واقعیت مشهود انکار کرده نمیتواند:

يك) از رشوت ستانیهایی مفتضحانه اش در شرکت برق و
دو سیم‌هاشی که بتوسط رشوت بستره محکمه وقاضیهایی
فاقد آن با همکار دوستانش در قضا، بعدها پیکود
و حفظ شد.

دو) ازین حقیقت که مدیر قلم مخصوص عبدالله لعین
برا نر حفظ لعین بود و شریک اعمال فجیع او چونکه
تمام تصمیمات و اوامر از قلم مخصوص ما در میشد.
در حالیکه سکرتر خصوصی سپرا عمل شوهر خود در هر دو
جناح قرا رمیگرفت .

و امین لعین سقوط نمیکرد سعید جان فیضی هم بهیث وزیر و مشاور با والی خود مختاریک زون و رفیق امین کلان باقی میماند.

زیرا او بمیل و اراده خود از آن رژیم قطع علاقه نکرده است. او باره خود و قبل از اینکه سایه اجل را بر بالین خود ببیند توبه و انابت نکرده است. بنا به توبه اینچنین بحکم قرآن حکیم قابل قبول نیست بلکه بازخواست و مجازات این نوع جانیان را یک حکومت واقعا اسلامی در پیشرو دارد.

دوستی از قول سفارت ربا نی دروا شنگتن گفت که خوجه
شین یکعه اجیران خود را در امریکا تقدیرنا مه دا ده است
که فیضی هم شامل است و چندتن گردا نندگان نشریه
مزدور (امید) هم از بیم خشم افغانهای آواره موضوع
تقدیرنا مه ها را بهر ملا کرده نتوانستند اما مردم
بهر حال خبر دا رند. با احترام .

قابل توجه مشترکین اروپا

هموطنان محترم مقیم اروپا میتوانند وجه اشتراک
شانرا بیول رایج محلی توسط پسته راجستری قرار
ذیل بفرستند:

مارك الماني ٨٠ مارك معادل ٤٥ دالر

فرانك سويسى ٦٨ فرانك معادل ٥٤٥ دالر

فرانك فرانسوى ۲۷۰ فرانك معادل ۵۰۰ دالر

پوندانگلیسی ۳۳ پوند معادل ۵۴۰۰۰ ریال

در شماره ۳۵ آینه یکی از آن ماهی منحوس بنظر آمد
رباعت بیدار گذشته های منحوستروپا ددا شتهای غمین
شد. نام سعید فیضی غوربندی آدم شاید. نام بد و
چهره کشیفی دیروز و نویسنده کجقلم امروز!؟ من بنده
گنهار از ولایت قندوزم. این انسان چند چهره را خوب
میشناسم. خود با این شخص هیچ عنا دشمنی ندارم.
در یک مسجد هیچگاه نماز نخوانده ام و با صلاح در یک
کوچه راه نرفته ام زیرا او از برکت عبدالله (در حقیقت
بنده لینن) امین (لعین) برا در حفیظا لله (در حقیقت
خصل الله) لعین، صاحب موتر ششگزه بود و بنده پیا نه بودم

پس آنچه که مرا و داشت که داستان کوتاه و خاطره و چند
ازین افغان مجرم و نا بکار را اینجا بنویسم یکی از
وجیزه های جا و دان حضرت سعدی (رح) است که معنی آن
چنین است :

۱ است . " جای حرف زدن خموشی و در مقام سکوت سخن گفتن گناه

علاوتاً سعیدجان فیضی که گذشته بسیار کثیف و سوانح
خراب دارد چطور در حلقه افغانهای آواره و خوشبوار
پنهان مانده است و چنان جرات میکند قلم برداشته
سنگ وطنخواهی بسینه بکوبد و دعوی دیانت و تقوی و
دانش و رحتی شاه پرستی و مبارزه مینماید!!؟؟ یا للعجب
کسیکه در اوج سیطره و بگیر و ببند های خلقیهای آنوقت
که عبدالله خروت برادر حفیظا لله ما رکسیت قصاب به
حیات آمر زون شمال و در حقیقت پاچای بدون تخت و تاج
آنولایت مخصوصاً قنیزوز شریف مقرر شد، همین سعید فیضی
عضو فعالی از باندا دمکشان و جوکره از جوکره های
او بود.

چون این شخص بنام مدیر قلم مخصوص عبدالله بسپار نزد وی مقرب و هرگاه بود مردم مظلوم قندوز در تلاش آن شدند تا بداندند سرکلاه در کجاست. آخر معلوم شد که زیر کلاه سه نیم کاسه ای بوده است. یعنی امین که خودش در جوانی بچه خوب صورتی بوده و چاق من پوشیدنها و رقصهای او در محافل خصوصی پولدارهای پغمان بخاطرهای محفوظ است. در دوران معلمی اش در لیسه ابن سینا، چند نفر از شاگردان من جمله همین سعید فیضی را بدراه و روسیه ساخته بوده. عبدالله لعین که خود نیز به چگی پرفسادی در عقب داشت و اگر غلام سرورنا شرحیات میداشت بشما داستانها میگفت، بسفا رش حفیظ لعین، شاگرد روسیه سابق او را در قندوز در بغل گرفت و با مورخ خاص خود مقرر نمود که گویا بگفته شاعر:

کبوترها کبوتر با زبا باز کند همجنس با همجنس روزار.

سعیدخان فیضی که از شرکت برق کابل بعثت دوسیه های رشوت، اختلاس و بدکرداری های دیگرش را خارج و از قندهار و سروبی با بدنامی برطرف گردیده، توسط امین کلان به عبداللہ لعین، معرفی و بحدیث ناظروشا طر و ساقی بزم های عیش و عشرت و فساد آن جنایتکار رتعمین و مقرر شد. مشهود است که خلقیها بطور عموم همین نوع افراد بدنام، بدکردار و پُسر عقه را در کارهای حساس استخدام می کردند. بالاخر نتیجه نا منویسی هزاران مرد و زن جوانان مسلمان هموطن ما در ولایت شمال خاسته قندوز در اوج بزن و بیهندهای دوران تره کی و امین واعزام آنان بقتلگاه بلجریخی و کشتار آنان بقلم سیاه همین فیضی غوربندی میرزای غدار و نابکار ردیروز و نویسنده ریاکار جمعیتی امروز ترتیب و تنظیم شده است. بنا به دامن کشیف ابن آرمین لوپن افغان بخون هزاران مسلمان هموطن ما را غدار و لکه دار است؛ حتی این آدم بی غیرت و بی ناموس که مردی او را امین لعین زایل ساخته بود، سیاه سر مظلوم و عفیف خود را هم مجبور ساخت تا بنام مکررتر خصوصی عبداللہ لعین کشیف فاسق فا جرکا رکند.

در هیچ زبانی الفبا بتعداد صداها نیست و نمیتواند باشد

محترم استاد محمد اسحاق نگارگر

تلفظ در لهجه های گوناگون و در سیر تاریخ زبان تغییر میکند. زبانشناسی علم است ولی حلال مشکلات نیست.

اگر علایم قراردادی یا الفبا به تناسب صداهاى زبان وضع شود کار آموزش دشوارتر میشود.

من بارهم زندگي و زندگان مینویسم نه (زنده گي) و (زنده گان).

در پایان نگارش من که خدمت استاد گرانقدر جناب نگهت صاحب تقدیم کرده بودم، استاد محترم هاشمیان باساس رشته اختصاصی خویش تبصره ای افزوده در آن میفرمایند: «نقل قولی که از استاد نگهت شده گویا استدلال استاد بر شیوه تلفظ استوار است نه داب و اساس زبانشناسی علمی را تشکیل میدهد چونکه مطالعه و تحلیل علمی وجوه ساختمانی زبان بر اساس زبان گفتار میسر است نه در غیر آن.»

من بهیچوجه قصد ندارم در رشته اختصاصی استاد قد بلند ک کنم ولی چون استاد محترم شیوه نگارش عادی را با شیوه نگارش مبتنی بر تلفظ که خاصه فرهنگ نگاری است آمیخته و با اصطلاح گرهی دست را بدندان گشوده اند ناگزیرم در پرتو تاریخ تحول زبان انگلیسی که این مراتب را قبلا پشت سر گذاشته است عرایض خویش را خدمت شان تقدیم کنم.

از قرن شانزده میلادی بدینسو دست اندر کاران بهتر سازی و ریفرم تلاش ورزیده اند حلقه اتصال میان نگارش و تلفظ ایجاد کنند ولی این تلاش ها هر چند بانوعی حسن نیت توأم بوده راه بحایی نبرده و بعد از این هم نخواهد برد. آنان نیز میخواستند صداهاى (e-æ) را بدلیل اینکه معادل های همسان شان در انگلیسی وجود دارد دور بریزند و علایم و صداها را که باید باشد و نیست وضع کنند ولی آن تلاشها بدین دلیل راه بجائی نبرد که وضع سمبولهای تازه کار نگارش را آسان که نمیکند هیچ، بدتر هم میسازد. زیرا اگر باساس فونومتر یا بقول استاد ماشین اکسریز مخصوص صداهاى زبان را در موقعیت های مختلف آن ثبت نمائیم در زبان انگلیسی استاندارد باید کم از کم ۴۴ تا ۴۶ علامه نگارشی وضع کنیم (مراجعه شود برهنمای ریدز دایجست) و تازه این آغاز درد سر است زیرا اگر تلفظ را اساس بگیریم (که استاد نگهت گرفته اند و استاد هاشمیان از ما میخواهند) در هر زبان لهجه های مختلف وجود دارد که نویسندگان آن لهجه ها شیوه تلفظ خود را اساس میگیرند و برای ثبت آن علایم قراردادی باز هم بیشتر وضع میکنند از سوی دیگر طرز تلفظ کامه ها در مسیر تاریخ تغییر مینماید و کار علایم وضع شده اضافی را مطلقا غیر لازم و بی ثمر میسازد. متأسفانه تلفظ و نگارش کلمات در زبان دری بشیوه ای دقیق یادداشت نگردیده است و ما نمیدانیم که بطور مثال بلع می ترجمه تاریخ طبری را چگونه مینوشت و هنگامیکه بجای (پ) (ب) مینوشت آنرا چگونه تلفظ واز صدای (ب) چگونه تشخیص میکرد. اما خوشبختانه شیوه نگارش و تلفظ انگلیسی تا حدی ثبت شده است و باستناد آن میدانیم که چاسر کلمه های (house) و (life) را بشکلهای (hous) و (lyf) مینوشت و (house) را بروزن روس و لیف (leaf) را بروزن قیف تلفظ میکرد (همان کتاب همان صفحه).

دو سال پیش همسر عزیز من بمناسبت سالگرد ازدواج مان کتاب گلچین نامه های فیروز فلیکس پرایر را برای من بعنوان تحفه خریده بود. من انگیزه او را در انتخاب تحفه اش بدرستی نمیدانم اما کتاب برای من که در آن روزگار گرفتار مطالعه تاریخ تحول زبان انگلیسی بودم از یک جهت ارزش بسزا داشت. ایسن کتاب گلچین نامه هائیرا که از ۱۵۷۸ تا ۱۹۳۹ میلادی بوسیله شخصیت های مهم دنیای انگلیسی زبان نوشته شده گرد آورده و املای اصلی نویسندگان را نگاه داشته است. برخی از خصوصیت های املائی این کتاب نمودار همان تلاش هاست که امروز بطور مثال استاد هاشمیان میخواهد برای اوای موجود تلفظ ولی مفقودالتحریر در کلمه های می رو (MEROU) و می بردار (meberdard) علامه های نگارشی وضع کند. این کتاب نشان میدهد که در ۳۱ می ۱۹۷۸ سر فلیپ سدن (P. Seden) را (words) ووردز مینوشت و تلفظ میکرد. کلمه (most) را بشکل (moost) و کلمه (letter) را بشکل (lettere) و غیره مینوشت. خدا نکند که مصیبت یا انقلاب آن تحول بر سر زبانهای پشتو و دری بیاید و من برای اینکه خواننده خویش را که با شیوه نگارش کنونی انگلیسی بقدر کافی درد سردارد با عمق فاجعه آشنا نمایم نمونه ای از املای مبتنی بر تلفظ آن کتاب را بدست میدهم.

ویلیام شکسپیر معروف نامه ای از الیزابت اول گرفته یا آن نامه را جعل کرده و در هر صورت نامه برای شکسپیر مهم بوده است. او در حاشیه آن مینویسد:

this letterre I dydde receyve fromme mye moste gracyouse ladye Elyzabethe ande I doe requ est itte may bee kepte withe alle care possyble. Wm Shakespeare (Faber letters).

و اما همان کلمه (they) را که (مثنی) امروز است دیگری با اساس تلفظ لهجوي خود (these) (دبی بر وزن فسی) مینویسد، حالا چرا انگلیسی زبان از خیر آن سهولت گذشت و نگارش آنهمه واولها و کانسونت بدون ضرورت را کنار گذاشت زیرا دریافت که مرغ زبانشناسی نیز قار نیست و شیوه نگارش نوعی قرارداد است و این قرار داد از دیدگاه تعداد علائم هرچه مختصر باشد مفیدتر است. بیچاره ریچارد ملکاستر محقق دستور زبان در همان ۱۵۸۲ گفته بود: «استفاده از یک حرف برای چند صدا درد سرش همانقدر است که استفاده از یک کلمه برای چند معنی.»

گفتیم که تلفظ کلمه ها خواهی نخواهی تغییر میکند بنابراین کامل ترین سیستم فونتیک یا صوتی نگارش بعد از چندی با شیوه تلفظ نمیتواند همپایی کند و نیازمند تغییر میشود لهذا وضع اینگونه علائم از نظر من تحصیل حاصل و سر بدیوار کوبی بیهوده است البته باقید این نکته که من خود در هنگام ضرورت طرفدار استفاده از علائم کسره، فتحه و ضمه در زبان دری استم).

همانطور که قبلا عرض کرده ام شیوه نگارش کلمه بیانگر ریشه و تحولات تاریخی آن کلمه نیز است و اگر استدلال استاد هاشمیان جدی گرفته شود نوگرایان سنت شکن فردا می آیند و میگویند ما آن هشت حرف خاص عربی را بشیوه عربی تلفظ نمیکنیم بنابراین کلمه های (طلا) و (طرف) را به (ت) می نویسیم و (مصرف) و (صابون) را به (س) و (ظرف) و (مظروف) را به (ز) می نویسیم. پس می بینیم که انقلاب زبانشناسی و اساس قرار دادن تلفظ درست مانند انقلاب اجتماعی ما بنای کهنه را ویران میکند و بجایش جز هرج و مرج چیزی نمیگذارد و مصیبتی بر سر زبانهای پشتو و دری می آرد که ژرفای آن را خدا (ج) خودش میداند. و اما گفته برنارد شاو فقید صرف در حد همان شوخی است که نمکین است نه بعنوان یک حقیقت زبانشناسی زیرا هر انگلیسی زبان میداند که (gl) در آغاز کلمه هرگز بشکل (ب) نمی آید و (o) صرفا در کلمه (women) بشکل (u) تلفظ میشود و (ti) نیز تنها هنگامی آواز (ش) دارد که بعد از آن واول (o) یا (a) بیاید، مانند (nation) و (kitchen). و در پاسخ اینکه استاد محترم میفرمایند «من نمیدانم که ارزش صوتی واولی که در ختم کلمات (زنده - بنده - جنده - گنده - خنده) و امثالهم می آید با واولی که در کلمات (می رود - می بردارد - فرانسوی) بکار میرود یکسان است یا خیر.» عرض من اینست که ممکن در فونومتر از لحاظ توالی صدا ارزش شان یکسان نباشد ولی ما در اینجا با نگارش یا ساده تر بگویم علامه نگارشی سر و کار داریم و آن علامه نگارشی بما میگوید که هردو همان یک واول هستند و ارزش یکسان دارند. واول (a) که علامه نگارشی آن در آغاز الف مفتوح (یا با اصطلاح قدیمیان همزه) و در انجام (ه) (گردک چسبان) و (ه) (گردک جدا) میباشد در وسط تلفظش محسوس و علامه آن مفقود است یا شکل فتحه عربی را دارد. بدین مثالها التفات بفرمائید: اگر (agon) ، اسر (abn) ، دارد (darad) ، آمد (amad) ، زنده (zinda) ، خانه (khane) چنانکه صدای (غ) در سیستم نگارشی ما به چار شکل نوشته میشود: غم (gham) ، مغز (magh) ، تیغ (tegh) و باغ (bagh). حالا میتوانیم استدلال جناب استاد را تعمیم نموده بگوئیم: «من نمیدانم که ارزش صوتی کانسونت (gh) در اول یعنی در (غم) و در آخر یعنی در (باغ) یکسان است یا خیر.» علامه نگارشی خودش داد میزند که بلی یکسان است و چون علامه نگارشی این واول در شکل میانی خود محذوف است بنابراین هنگامیکه با پسوند (گان) و (گی) پیوست بفتح محذوف تبدیل میشود و اگر تلفظ اساس قرار بگیرد همانطور که من عرض کرده ام باید (می رود) را (می ره وه د) بنویسیم زیرا وقتی که آنرا بالفبای صوتی تحویل کنید برای هردو از همان عین علامه استفاده می نمایید و اگر جناب استاد برای شکل آخر این واول قصد وضع علامه ای تازه داشته باشند حسابش جداست. اکنون ما زندگی را (zindagi) و (می رود) را (me roud) می نویسیم.

استاد محترم در مورد (گی) و (گان) نیز دچار اشکال گردیده اند و حالانکه (گی) و (گان) هردو الومورف های (ی)، (ان) و (یان) است. قدیمیان برای اینکه واول های (E ی مجهول) و (I ی معروف) را در کلمه های مختوم به (A) (الف مدوده) و (او مجهول و معروف) از کانسونت (لا یای مفتوح) تفکیک کنند واولهای (E) و (I) را بشکل دبل مینوشتند ولی بالای (ی) اول علامه همزه عربی میگذاشتند، بدین ترتیب: بشوئید، بیائید، دانائی و مانند آن که میشد آن را از کلمه های بشوئید، بیاید و دانای (در شکل مضاف) تفکیک کرد ولی ما امروز آنرا بصورت دبل یعنی بشوئید، بیاید و غیره می نویسیم. استاد محترم با همه ذوق شاعرانه ای که دارد التفات نفرموده اند که مورفیم (کوچکترین هجای مرکب دارای مفهوم) که افزایش آن بشکل قبلی کلمه معنای تازه میدهد، بطور مثال هجای (در) در کلمه (درآمد) که طبعاً با کلمه (آمد) از لحاظ معنی تفاوت پیدا میکند - این توضیح برای نو آموزان است نه برای زبانشناسان) با اساس سهولت تلفظ و خوش آهنگی المورف های گوناگون پیدا میکنند، بطور مثال مورفیم (un) در زبان انگلیسی المورفهای آتی را پیدا میکند:

unhappy
incorrect
impossible
illegal
irregular
ignoble

un/ in/ im/ il/ ir/ ig/

un- مورفیم اساسی است که يك صفت را بحد آف تبدیل میکند ولی اشکال دیگر آن بخاطر سهولت تلفظ است.

اگر مجله شما نرسیده، گویا اشتراک شما نرسیده!

Statement dated 16 August 1994 by the Spokesman of the Ministry for Foreign Affairs of Afghanistan on the United Nations' Security Council presidential statement dated 11 August 1994 concerning the present situation in Afghanistan.

The President of the United Nations Security Council, after the meeting of the Council on 11 August 1994, issued a statement on the current situation in Afghanistan (S/PRST/1994/43). The Islamic state of Afghanistan considers this statement an important and considerable document in the solution of the current problems in Afghanistan and welcomes the positive and (responsible climate) contained in it as a logical approach in the return of peace and stability in the country.

In his statement, the President strongly condemned the continuation of fighting in Afghanistan, called upon all parties to end the internal conflicts in the country and re-establish peace and tranquility and called upon other countries to stop sending arms to the fighting groups and to take part in the reconstruction of Afghanistan. The presidential statement also emphasizes the contribution of the Afghan people in the settlement of their national (and internal) matters.

In the view of the Islamic State, the presidential statement of the Security Council is not only a positive response to the call of the Afghans for the discontinuation of foreign interference in the internal affairs of Afghanistan, it is also a useful step towards establishment of peace and stability in Afghanistan and preparing the ground for ensuring humanitarian assistance and rehabilitation of our war-stricken country.

The Islamic State has time and again emphasized the fact that the present fighting in Afghanistan is not an internal conflict but an imposed war from outside.

Foreign interferences in the internal affairs of Afghanistan from some countries and certain foreign circles continued through the sending of arms and ammunition to elements tied with the outside. All (these interferences are) aimed at preventing peace and stability and Islamic order to consolidate in the country.

With regard to the continuation of foreign interference and the burning of the flames of internal conflict in Afghanistan which poses a new threat to Afghanistan's national sovereignty, territorial integrity and independence, the 11-point resolution of the Supreme Islamic Council held recently in Herat province, as well as the statement of the Ministry for Foreign Affairs of Afghanistan, requests H.E. Mahmoud Mestiri, Head of the United Nations Special Mission to Afghanistan, to look for an appropriate, ...and functioning mechanism to put an end to the channelling of weapons and ammunition to those who in violation of their own commitment plotted a coup against the Islamic state and continue to rocket the capital and cause the killing of the innocent population and the destruction of public and state properties.

It is understandable that the continuation of ...interferences (only add) to the suffering of the Afghan people and constitutes a clear violation of the principles of the Charter of the United Nations concerning non-interference in the internal affairs of other states.

It is a well known fact that after the first visit of the Ambassador Mahmoud Mestiri to Afghanistan, the Security Council had no doubt about the foreign interference in the internal affairs of Afghanistan. Therefore, the Islamic State of Afghanistan calls upon the international community and specially the United Nations Security Council, not only to (content itself only) with the issuance of statements but also to start taking practical steps aimed at putting an immediate end to the foreign interference in the internal affairs of Afghanistan.

7. The majority of Afghan population has supported the United Nations Peace Plan and the recent recommendations by UN Special Envoy, H.E. Mahmoud Misteri for the convening of the traditional LOYA JIRGA under the supervision of the United Nations. No Jirga or Grand Assembly would attract a popular support in Afghanistan unless it is convened under the supervision of the United Nations!!!

8. Rabbani and the other eight terrorist -leaders do not see a leadership chance for themselves through a democratic popular election. Therefore, they have been sabotaging the United Nations Peace Plan which recommends a broad-based interim government elected by an Emergency Loya Jirga followed by a democratic popular election. These terrorists have become accustomed to impose their will by the gun. The recent threat of life to Mr. Mahmoud Misteri was nothing unusual, and we have reasons to believe that it was orchestrated by the Jamiat Islami of Rabbani because first Captain Ismail Khan expressed displeasure with Misteri's mission, then an article by Dr. Massoud Aram (who does not exist) appeared in Omaid No.122 which expresses displeasure with Mahmoud Misteri's report of July 1994; the article is written by some one expert in UN affairs (assumably Dr. Ravan Farhadi). Weekly Omaid is a propaganda tool of Rabbani regime.

9. The former King of Afghanistan, having supported the UN Peace Plan and the July 94 report of Mahmoud Misteri as well as the Security Council statement of August 11, 1994 in his interview of August 28, 1994 with Voice of America (full translated text published in this issue), has also praised the renewed serious interest of the United States Government in support of the UN peace efforts. He emphasized that "... in every stage and every step the free will of the entire population should be respected, consultation and inter-Afghan understanding covering all the strata of the nation should be adhered without discrimination and distinction in a reassuring and loving atmosphere."

10. Afghanistan Mirror which represents the views of the "silent majority" of the Afghan nation believes that the nation has lost trust in those who hold the gun to govern. The nation has born so much suffering and given so many sacrifices that it can no longer tolerate a "gun leadership". Afghans are a peace loving nation and they deserve a humane government. The powers which provided the arms to certain irresponsible circles for political purposes are now responsible to collect those arms and let the civilians form a 'civil government' by popular election. Hence the United Nations role in the problem of Afghanistan is vital.

Sayed K. Hashemeyan (Ph.D.)

Editor -in- Chief

Afghanistan Mirror

(Former Professor of Kabul University)

SECURITY COUNCIL DOCUMENT DATED 25 AUGUST 1994

**LETTER DATED 23 AUGUST 1994 FROM THE PERMANENT REPRESENTATIVE OF
AFGHANISTAN TO THE UNITED NATIONS TO THE SECRETARY GENERAL**

I have the honour to enclose the statement of the Spokesman of the Ministry for Foreign Affairs of the Islamic State of Afghanistan dated 13 August 1994 in relation to the statement of 11 August 1994 by the President of the Security Council on Afghanistan (S/PRST/1994/43).

I should be grateful if you would have the present letter and its enclosure circulated as a document of the Security Council.

(Signed) A.G. Ravan Farhadi

Ambassador

TO THE PRESIDENT OF THE SECURITY COUNCIL

The Editor-in-Chief of Afghanistan Mirror (a non-partisan,independent,national and Islamic magazine) has the honor to report that he has already distributed the full translated text of your statement to a wide strata of Afghan refugees abroad and has received 26 positive responses from Afghan intellectuals in Europe and America, welcoming and applauding the wise and realistic position of the Security Council on the problem of Afghanistan; the translated text of your statement is also published in this issue of Afghanistan Mirror.

I have the honor to state further that I have read Mr.Rabbani's Ambassador letter to the UN Secretary General dated August 23,1994 and its enclosure, the so-called "Statement dated 16 August 1994 by the Spokesman of the Ministry for Foreign Affairs of Afghanistan..." In this connection I submit the following:

1. Neither the Afghan media nor the international news media have heard or registered the statement of the Spokesman of Kabul Foreign Ministry on August 16,1994. Therefore, what is referred to as the so called "Statement of the Spokesman of the Ministry for Foreign Affairs dated August 16,1994" is a fabrication of Dr. Ravan Farhadi himself. The statement was prepared in New York
2. Mr.Rabbani's so called Foreign Ministry is inoperative;his foreign affairs are conducted by Mr. Massoud Khalili in Islamabad.
3. Dr.Ravan Farhadi is regarded by the entire strata of the Afghan nation, the Jamiat Islami of Rabbani excepted, as the envoy of Mr.Rabbani and not as the Ambassador of Afghanistan.
4. Concerning para 10 and 11 of the so called statement where Rabbani's regime expresses displeasure about the non-addressing of the Herat Gathering and its declaration, the majority of Afghan nation appreciates the non-recognition of the Herat Gathering by the United Nations for the Herat Gathering was a political manouvering of the Jamiat Islami party and over 70 percent of its 700 participants were members and followers of Rabbani's Jamiat Islami. The Gathering did not include representation from even 20 percent of Afghanistan's population and the items contained in its resolution were dictated by a warring party whose influence comes through the gun and not by the free will.
5. Mr.Rabbani who solemnly promised seven times between May-July 1994 to the people of Afghanistan as well as the international community and the Islamic world (see documentary proof in Afghanistan Mirror issue No.38, English Editorial, dated August 1,1994) to resign and transfer the power to the Herat Gathering at the termination of his illegal regime on June 28,1994, did not fulfill his repeated promises; instead, he extended the term of his office for another unknown period by his own order and will, therefore he was proclaimed a LIAR and a SEIZER (ghasib) by the majority of the Afghan nation, Jamiat Islami excepted.
6. The so called " Grand National Assembly" contained in the Herat resolution to be convened in three months is considered by the majority of Afghan nation as yet another trick to proclaim himself a life-time-president by his followers who constitute a tiny minority within the structure of Afghan population. We are ascertained that Rabbani's efforts for the convening of the so called "Grand National Assembly" will go in vain because the nation has lost trust in him , his inefficient and bribing government and his warring party.



کمپ سر شاهي درجلال آباد

که چاه آب و بدر رفت ندارد و در گرمای داغتر از صد درجه حرارت، ۱۸ هزار نفر آواره با گرسنگی مرغ و سفر روزچلانی میکنند. هر روز سی فامیل جدید به آن افزایش میابد. احصایه مرگ و میر اطفال بالاتر از سطح جهانی بشمول کشورهای افریقا است. اما در کابل ربانی شبانه کباب مرغ میخورد.

دو تمثال بيمثال

در دست غول و حیوان دیدم، ندیده بودم
کرتی و بوت و تنان دیدم، ندیده بودم
استاد علم و عرفان دیدم، ندیده بودم
نا قابل از بدخشان دیدم، ندیده بودم
ار نادرات دوران دیدم، ندیده بودم
زار و پیت و پریشان دیدم؛ ندیده بودم
مخاح لقمه بی نان دیدم، ندیده بودم
روز و شبش بدلان دیدم، ندیده بودم
یا یانه قوی مستان دیدم، ندیده بودم
گرگی بنام انسان دیدم، ندیده بودم
رسوای قوم افغان دیدم، ندیده بودم
هر دو غریق عصیان دیدم، ندیده بودم

کابل خراب و ویران دیدم، ندیده بودم
بتلون پروی شانه، هر جا بدی روانه
یک مرد لا و بالی، بامغز پوچ و خالی
مردان خوش نصیب اند شاعر و یادیب اند
بی مایه خوجه نبین شد، درازگ جاگزین اند
در کندز و امام جان، ناقل یچه بی نادان
گاهی بدشت ارجی در شوق جیب خرچی
ار بسکه بود بی سر، عاقی پدر و مادر
انجنیرو وزیر شد، قائد شد و امیر شد
مگسار بیمروت، سر تا قدم کدورت
بد نام و بی لجام اند، از صبح تابشام اند
نی عقل و نی (تامل)، آدمکش اند و قاتل

دربخش انگلیسی این شماره سرمقاله ما را
بخوان و شورای امنیت ملل متحد و همچنان
تا مه مورخ ۲۳ اگست دا کترروان قرها دی
شما بشنید ربانی عنوانی سرمشنی و ضمیمه
انرا حتما بخوانید.

هست استغریک، استغریک، استغریک

ربانی صلح نمیخواهد - ربانی غاصب است

In the circumstances, we believe the best approach is to support coordinated efforts by the UN and other multilateral organizations to encourage a political process which leads to a government in Kabul acceptable to all Afghans. We also have worked bilaterally to this end, urging all neighbors and other interested states to support peace efforts. We were instrumental in the creation of the Friends of Afghanistan, a group of concerned states at the UN. We worked through the Security Council and the General Assembly for the dispatch of a UN Special Mission to help Afghans resolve their differences peacefully.

In March and April this Mission, led by former Tunisian Foreign Minister Mahmoud Mestiri, went to Afghanistan and the region. The Mission met with Afghan leaders inside and outside the country, including former King Zahir Shah, as well as officials of concerned governments. Mr. Mestiri is now back in the region and we continue to strongly support his Mission.

Afghan factions clearly receive support from abroad. However, we have no conclusive evidence demonstrating exactly what they receive and from which sources. We are working to curb the flow of weapons and materiel to the factions. We have received assurances from Pakistan, Saudi Arabia, India, Tadjikistan, Uzbekistan, and Turkmenistan that they are not providing weapons or materiel. However, given Afghanistan's porous borders, assistance from private groups in these and other countries may well be continuing.

The absence of effective government and limited security in both the capital and the countryside have made it very difficult to conduct development programs in Afghanistan. We recently closed our bilateral assistance program in part because of these circumstances. However, the U.S. continues to provide substantial humanitarian assistance to the Afghan people through UN agencies and non governmental organizations. Their programs support refugees, food for work projects, immunizations, and demining.

UN peace mission leader threatened by Afghan faction: diplomats

ISLAMABAD, Aug 28 (AFP) - Mahmoud Mestiri, the former Tunisian foreign minister leading UN attempts to end the Afghan conflict, has received death threats from an Afghan group, diplomatic sources said here Sunday.

Mestiri is in Islamabad, and Pakistan authorities have stepped up security around him, the sources said.

But the United Nations office in Islamabad refused to confirm or deny the reports.

The name of the group threatening Mestiri was not known. But a diplomat said: "This is an attempt to undermine the peace process that the United Nations is setting underway.

"They are trying to warn the United Nations to stay out of this," the diplomat added.

Mestiri started the UN peace initiative earlier this year. But it is an open secret that certain Afghan faction leaders are hostile to his aims. They are determined to see a military solution to the factional battle for power in Kabul and do not want the United Nations involved.

In a recent report to UN Secretary-General Boutros Boutros Ghali, the Tunisian mission leader recommended that a transitional administration acceptable to all sides be set up before elections were held.

Statement
by Mr. Robin
Raphael,
Assistant
Secretary
of State for
South Asian
Affairs.

House
Foreign
Affairs
Sub-Com-
mittee on
Asian and
the Pacific

Dated:
August 11,
1994.

Mr. Chairman, Afghanistan is the sad exception to a tale of political and economic progress in South Asia. Our primary goal there is a simple one -- to help promote peace and security in a country torn by war for almost fifteen years. There are other important issues in Afghanistan, including reconstruction of the economy and infrastructure, repatriation of the refugees, combatting narcotics trafficking, and putting an end to the harboring of radical groups, all of which have important potential for regional stability.

However, significant progress toward these or any other goals is dependent on the end of fighting and the emergence of a government that can assert authority throughout the country. We believe only a broad-based government with a mandate from all Afghans, both at home and abroad, can bring the stability that Afghanistan needs. This political process could include the former king, Zahir Shah, should he so desire.

Afghanistan was the last great battlefield of the Cold War. From 1978 to 1992, over a million Afghans lost their lives in the struggle against a regime imposed and supported by the Soviet Union. Countless others were maimed by mines and other accidents of war. At least five million more became refugees in Pakistan and Iran and two million were internally displaced.

The whole world had hoped that the conflict and the suffering would end with the fall of the regime of President Najibullah. But rivalries among Afghan factions have fuelled continuing warfare, and tens of thousands more have been killed or wounded since 1992. Fighting intensified in Kabul and northern Afghanistan beginning this past January as coalitions aligned with President Rabbani and Prime Minister Hekmatyar struggled for supreme power. Twenty-three thousand more people have become casualties since then and another wave of refugees and displaced persons has been generated.

For the past several years, the United States has worked hard to promote a peaceful political process in Afghanistan that would enable a functioning central government to emerge and reconstruction to begin. Our involvement in Afghanistan is longstanding. When the Afghan people chose to resist the Soviet occupation, we supported them. When the Soviets withdrew, leaving behind an entrenched puppet regime, we worked with mujahidin factions, traditional and Islamic leaders, and the former King to encourage a transition to a workable government. Since the regime's collapse, we have maintained our efforts to help create a broad-based government to oversee the reconstruction of this war-torn country.

Mr. Chairman, the peace so many Afghans desire has not been achieved, in spite of their efforts and those of others, including the United States. Fighting has continued between Afghan factional leaders, who do not appear to have the interests of their country and their people at heart. Despite the history of our long involvement in Afghanistan, we find factional leaders remain intransigent and seemingly oblivious to persuasion or pressure. Our embassy in Kabul has been closed since 1989. Given the ongoing anarchy in the capital, we see no way we can reopen it in the near future.

VOICE OF AMERICA'S INTERVIEW WITH H.M. THE FORMER KING OF AFGHANISTAN, AUGUST 28,1994

Question: please express your views concerning the second phase of Mahmoud Mestiri's mission and the latest developments inside Afghanistan, including various inter-Afghan activities.

Answer: The second phase of Mahmoud Mestiri's mission began following the United Nations first mission. As you are aware, the results of his first mission were positive, therefore, in order to reach the ultimate goal which is the realization of the establishment of peace and security in Afghanistan, the said process has entered a more serious stage. As I have said before, I have supported the activities of the United Nations mission. We hope peace and security would soon return to Afghanistan with a broad and all sided cooperation.

With respect to the other part of your question, Afghans inside Afghanistan and abroad are actively engaged individually and collectively, and their collective efforts represent the free will, the right of self determination, non-foreing interference and the establishment of a lawful government. Therefore, the point to emphasize is that in every stage and every step the free will of the entire population should be respected, consultation and inter-Afghan understanding covering all the strata of the nation should be adhered without discrimination and distinction in a reassuring and loving atmosphere.

Question: How do you evaluate the most recent declaration of the Security Council?

Answer: The declaration of the Security Council include matters which were referred to in our first answer, that is to say that the declaration openly supported the United Nations Missions's activities and report. It also supports the Afghan nation's undeniable rights of self determination, free will and non-interference of foreign countries, all of which albeit I fully reaffirm.

Question : Please express your views with respect to the American government's renewed serious interest in Afghanistan.

Answer : The United States government is interested in the tragic problem of Afghanistan and the dangers which confront the region and the world from it. United States activity in the United Nations and the US support of the United Nations' Special Mission witness this reality; the recent statement of the US State Department Assistant in the Congress in connection with the solution to the Afghan problem and the return of peace and security in Afghanistan speak for the fact that United States responsible authorities are desirous for the return of peace and security in Afghanistan and the region.

Question: How do you evaluate the relations of the neighbouring countries, specially the role of Pakistan?

Answer : Relations with the neighbouring countries must always be friendly and based on reciprocal respect. Relations between Afghanistan and Pakistan are based on deep fraternal ties; ideological trends, culture and old historic relations keep these ties firm and strengthened. Afghans and Pakistanis are two brother nations having a joint destiny. The evolutions of the recent years showed how much the two nations are tied together, such that in dangerous circumstances of the history the destiny of one affects the other as much.

Hospitality by Pakistan of three million Afghan refugees of which one and one half million still reside in Pakistan is a witness to this reality. We hope the two brother nations, having realized the actual realities and in cooperation with the international community, specially the United Nations and the Conference of the Islamic Nations, would sincerely cooperate in solving the current problem of Afghanistan which would be beneficial to the region and the world.

The same report stated that at the behest of the Rabbani government Indian intelligence agencies were active in promoting discord among various Afghan groups in order to prevent Hekmatyar or other parties from deposing Rabbani as President of Afghanistan. One Afghan general accused India of giving assistance to the Kabul government in the form of army and air-force advisors, and the distribution of spare parts. He also claimed that Indian aircraft, with UN markings, had flown combat missions against Hekmatyar from Bagram Air Base. (PT, 7/94)

Itar-Tass, News Agency, reported that frequent Russian border guard attacks commenced against Hezbi positions on the northern frontier of Afghanistan; while other reports of the distribution of Russian counterfeit Afghanis, ostensibly for Massoud's use in recruiting alienated commanders from Pushtun areas, had been verified. (ITNA, 7/94) Thus, it is certainly understandable that Afghans disdain foreign subterfuge and meddling in their internal affairs with its' concurrent conceit that a few Jamiat wise-men can make decisions for millions of Afghans.

The Herati gathering has spoken. The ten-point peace plan has been exposed as a Jamiat, (wolf in sheep's clothing). This hubristic government's end-game has engendered the wrath of the Afghan people who are no longer willing to accept the spawned illegitimacy and destruction of their country by a leader who cloaks his intentions in the mantle of religion, while murdering his brothers and sisters. And as the recent assassination of Nasir Khan, in Laghman, by Commander Qarar, a hired assassin of Ahmad Shah Massoud, clearly suggests this was a murder that was committed to prevent Nasir Khan from interdicting Massoud's illegal gem shipments to Pakistan. Jamiat ideology has bred treachery and a self-serving profligate culture of promiscuity, . . . from the blood, sweat, and tears of the Afghan people.

BRUCE RICHARDSON . . . 20 AUGUST, 1994

Post Script

Russia continues to meddle in the internal affairs of Afghanistan. Recent reports indicate that Russia is currently supplying air-craft technicians and spare parts for the aging combat aircraft deployed by Kabul and other assistance of a military nature to the Rabbani government. (Eyewitness, 7/94)

Recent reports published by Jane's Intelligence Review, have described artillery and aerial bombardments on the northernmost regions of Afghanistan by Russian forces posted to Tajikistan. (Jane's, 7/94)

Massoud continues to utilize Russian supplied counterfeit Afghanis to secure the loyalties of commanders who have been alienated by and estranged from their former party affiliations. (Afghanistan Forum, 7/94)

A comprehensive study of genocide has been published. The findings show that Russia, between 1917 and 1987 - killed 124,000,000 [One-hundred-twenty-four-million] people. Thus, Russia has become the world's leading practitioner of genocide. Combat deaths in the defense of Russia were not included in the statistics.

(Charney, 1994) Bruce Richardson

REMARK

Mr. Sotirios Mousouris, UN envoy in Islamabad in his statement of August 26th responding to Kabul's cries for help has said that when it comes to bombing rocketing and killing they don't need any help or advice from United Nations but when it comes to emiliorating the wounded and the sick, they cry for help from the United Nations. We thought Mr. Mousouris deserves praise for this remark. (The Editor)

an orderly transfer of power between President Burhanuddin Rabbani and a successor government, Ismail Khan solicited and received the support of Gulbuddin Hekmatyar, leader of Hezbi-i-Islami, President Rabbani, and Abdul al-Rab Sayyaf, chief of Ittihad-i-Islami.

Optimism and cooperation, however, soon turned to suspicion and intrigue, when within the ranks of the conferees, it became apparent that an emboldened Ismail Khan was mounting a challenge to the supremacy of Jamiat's nominal leader. Burhanuddin Rabbani who, contrary to his several press briefings, had absolutely no intention of resigning the presidency. Rabbani's prevarication, to some degree at least, had come as a direct result of pressure from his former Defense Minister, Ahmad Shah Massoud, who viewed Rabbani's resignation as a challenge to his continuation as military supremo of the Jamiat party. Within hours Ismail Khan's elaborate, albeit transparent scheme for ascendancy to the presidency of Afghanistan, through the orchestration and manipulation of an Islamic Council, had fallen victim to the masters of subterfuge; Burhanuddin Rabbani and Ahmad Shah Massoud, both of whom, at the eleventh hour, withdrew their support for the proposal including a transfer of power.

Other problems were destined to befall the gathering. The conferees, sensing the disingenuousness of Ismail Khan, elected a sixty-five member committee to oversee the formation of a Loya Jirga, to elect a temporary leader and oversee the formation of a temporary government. The Loya Jirga was to be convened within three months of the date of prorogation at the Herat meeting, and would signify a refusal by the delegation to accept the legitimacy and purpose of the gathering at Herat, as well as the political supremacy and ideology of a morally-bankrupt Jamiat-i-Islami party.

Concern for the many dangers inherent in Afghan politics were expressed by the conferees. Of particular concern within the ten-point peace plan was the proposal for the formation of a "one-hundred-thousand-man army," under the aegis of Ismail Khan who would serve as Commander-in-Chief with its attendant precedent-setting implications from other protagonists within the Afghan political milieu.

Furthermore, other conferees were critical in what they viewed as an attempt to usurp the participation of the United Nations Special Mission to Afghanistan headed by Mahmoud Mesteri of Tunisia, in the peace process. This process will seek to establish a procedure for rapprochement to end the hostilities, and an all-inclusive political process, leading to a broad-based functional government.

At this time, however, a clear consensus among the Afghan people concerning U.N. participation in the peace process has not surfaced. Indeed, many have voiced suspicion of any foreign element in the ongoing negotiations based on a long-history of hegemonic ambitions in Afghanistan by foreign powers, often cloaked under a fig-leaf of impartiality by the United Nations and other political entities. Current events on the battlefield and diplomatic front have exacerbated this concern, discrediting an implied legitimacy from foreign interlocutors who have clearly demonstrated self-interest through functional ambivalence and prevarication. India represents a case in point. The Pakistani Times reported on 14 July, 1994, that India had stepped up the supply of arms, ammunition, rations, and aircraft fuel, to Kabul. Reports confirmed that the Indian Government was backing Rabbani as well as carrying out a propaganda effort accusing Pakistan of supporting Hekmatyar. (PT, 7/94)

In spite of some positive and reassuring elements contained in the Security Council presidential statement, it is regrettable to note that the statement failed to address some other important matters and developments, among them the convening of the Herat Supreme Islamic Council in which authoritative representatives of the nation participated. The Islamic State of Afghanistan expected that the presidential statement would also mention and support the important and historic decisions of the Supreme Islamic Council toward solving the present crisis.

It is the expectation of the Islamic State of Afghanistan that the United Nations should coordinate its endeavours towards solving the Afghan problem in line with the expressed will of the Afghan nation, and continue its cooperation for the convening of the forthcoming Grand National Assembly on 23 October 1994 for the purpose of ratifying the constitution, and for the election of the political leadership and other important issues pertaining to the destiny of the Afghan nation.

Regarding the recent statement of Mr. Sotirios Mousouris in which he condemned the fierce rocket attacks on hospitals and residential places in Kabul, which took place on Friday, 12 August 1994, the spokesman of the Ministry for Foreign Affairs expressed appreciation for such humanitarian concern and objectivity. However, it was regrettable, the spokesman said, not to find in Mr. Mousouri's statement the fact that, unfairly, he did not hold one particular party responsible and believes that all sides were responsible for the rocket attacks. The spokesman added that according to the information available to Mr. Mousouris, the rocket attacks on residential areas in Kabul, the Charsad Bestar Hospital, Jamhuriat Hospital and the medicine stock of the Ministry for Public Health worth over \$1.5 million which were burned and destroyed, should have served as sufficient and undeniable proof that the opposition is to be held responsible for such atrocities and the destroying of public and governmental property.

The Islamic State of Afghanistan expected and continues to expect the United Nations and Mr. Mousouris to take a clear, strong and (active stand) against such inhuman actions of the opposition as well as of those outside circles who are depriving our people from their very basic right, namely the right to life.

As to the proposed cease-fire initiated by Mr. Mousouris, the Islamic State of Afghanistan, despite its military advances, with the sincere intention of advocating a political settlement to the problem, has no objection to this proposed cease-fire. If the opposition responds positively to the United Nations proposed cease-fire, the Islamic State would be ...to observe the cease-fire and as a first step implement it in the capital, Kabul.

Editor's Note: The source which faxed this document to us from the Afghan Permanent Mission in New York should note that their fax machine is not in good shape; the document was black or blank in many lines, so we guessed to complete it. Where you see words in parenthesis were black or blank in the faxed version.

Herat - Partisan Politics Defeated

The Herat summit is history. The gathering, characterized as a watershed event in what has become an exceedingly problematical and elusive peace process within Afghanistan, has ended on a less than optimistic note.

Over 700 delegates, including scholars, commanders, elders, tribal leaders, diverse sectors of the intelligentsia, and representatives of Afghan refugees abroad, participated in the week-long conference at the behest of Jamiat's Ismail Khan, Commander of the South-West Zone of Afghanistan.

To his credit, Ismail Khan convened an eclectic group of intellectuals, including opponents of Jamiat-i-Islami, to participate and to articulate their views regarding a proposed ten-point peace plan for Afghanistan. For the purpose of securing a consensus on an approach towards peace to include

در زبان دری نیز گئی، گان، بان، سی هر چهار المورف های مورفیم های (ال - علامه جمع) و (ی - علامه ی که صفت با اسم را با هم کیفیت تبدیل میکند)، میباشد چنانکه از درد - دردی، از حوال - حوالی، از کار - کاری و از رنده - زندگی میسازد. و اما فتحه کسره و ضمه را اعراب با محرکه های کانسونت میدهند و این سحسی منطقی و مطابق ربانشناسی است زیرا که هیچ کانسونت را بطور مجرد وبدون یک واول نمیتوان تلفظ کرد، بطور مثال کانسونت () را جز بشکل های ()، () و () نمیتوان تلفظ کرد، ضمنا صیغه امر سرودن یا ریشه حال فعل سرودن نیز برای یا بسرای است نه سر تنها.

36

در مورد تغییر و تغیر من نظر خود را قبلا عرض کرده ام که ما کلمه های باب تفعل و تفعیل هر دو را در زبان دری عاریت گرفته ایم بنابراین برای تفکیک آن ضرور است تغییر بروزن تفعیل را به دو (ی) و تغیر بروزن تفعل را بیک (ی) بنویسیم. ولی اینک استاد گرانقدر غوریانی صاحب با استفاده از خاصیت های این دو باب در زبان عربی برای شناخت شان راهی روشن پیش پای مان گذاشته اند بدین معنی که تغیر گردانیدن، دیگر کردن، دگرگون ساختن و بالاخره گردش و دگرگونی فعال و کاراست و باید به دو (ی) نوشته شود ولی تغیر - گشتن، گردیدن، دگرگون شدن، برآشتن و تشدد کردن و بنابراین کار پذیر است یا بزبان ساده تغیر بمعنای پذیرفتن حالت تغییر است و باید بیک (ی) نوشته شود. اگر زمینه ای مساعد شود که تفاوت باب تفعیل و تفعل را باز بکسی شرح دهم تعبیر رسای (کار آرای) و (کارپذیری) را مدیون استاد غوریانی خواهم بود. آری «زخمه بر تارش بزن تا نغمه نو سر کند».

در پایان امیدوارم پاسخ من مایه رنجش استادان محترم نگهت صاحب و هاشمیان صاحب نگردد که شیوه نگارش انگلیسی نیز این نشیب و فراز ها را پیموده و معیاری گردیده است. ما نباید از طریق حذف صدا های همسان و وضع علایم غیر ضروری پل میان گذشته و حال را خراب کنیم. شکی نیست که مانیز در فرهنگ نگاری یعنی آنجا که ثبت دقیق تلفظ مطرح است با استعانت از زبانشناسی و علایم تازه قراردادی ضرور داریم ولی سرنو آموزان را با مباحث مغلق روانشناسی بدر آوردن همان گرهی دست را بدندان گشودن است. با عرض معذرت و احترام.

یادداشت: نوشته استاد محترم نگارگر صاحب را عینا چاپ و نشر کردیم و باین استاد گرانقدر و مبارز مراتب حرمت و ارادت ما عمیق است. اما درین نوشته ایشان تصویری گنجاینده شده که با علم زبانشناسی (رشته های فونولوژی و نحو) آنطور که من خواندم ام مغایرت دارد. زبانشناسی بحیث شاخه ای از بشر شناسی در جمله علوم مشته قرار گرفته و اگر برای مشکلات زبانی بشمول بیقاعده گیهای زبان نوشتار راه حلی ارائه نکند علم گفته نمیشود و در آنصورت بدر نمیخورد، در حالیکه امروزه زبانشناسی را بارتباط سایر موضوعات و مشکلات زبانی حلال مشکلات میدانند و من بحیث طالب العلم این رشته باور دارم که حلال مشکلات میباشد، بشرطیکه بسفارشات این علم وقعی گذاشته شود. سعی خواهم کرد در مواردی از نوشته جناب استاد نگارگر که با معاییر علم زبانشناسی سازش بهم نمیرساند در آینده روشنی مستند و کتابی اندازم و اینکه این فرصت چه وقت میسر میشود وعده داده نمیتوانم زیرا از یکطرف ۱۵ روزه شدن مجله و از جانب دیگر محدود شدن صفحات آن مجال مباحث کشال را ندارد. این تذکر را بخاطری دادم که نشود کدام زبانشناس دیگر مرا زیر انتقاد بگیرد. عجالتا خواهش من از کسانی که بر موضوعات این مقاله اظهار نظر میفرمایند اینست تا اولتر مقاله سابق استاد نگارگر صاحب و تبصره های هاشمیان بر برخی موارد آنرا در مجله شماره ۳۵ آیین افغانستان (م ۱۷۴-۱۷۷) مطالعه فرمایند. با عرض معذرت و تجدید احترام. (هاشمیان).

تقاریط

نهضت زنان در افغانستان



نمونه: وسیله عباي

این کتاب راهشیره و سیمه عباسی که خود بانوی نویسنده و از جمله زنان بیدار و چیژفهم افغان است تالیف و تدوین نموده حدود ۱۵۰ صفحه در نهضت زنان و معرفی زنان دانشمندان افغان (بشمول شاعره ها و سیاست مدارها) با تصاویر پراساخته، تاریخچه نهضت زن را از اواخر سلطنت افغانستان تا امروز بررسی نموده، اثر جالب و خواندنی فراهم دیده است که واقعا هر زن باید آنرا بخواند و هر خانه آنرا داشته باشد. این کتاب بقیمت ناچیز درمغازه های افغانی برای فروش عرضه شده است. اوراق و صفحات آن چاپ شده خواندنی و صداقت آن بادر نظر گرفتن محدودیت های طباعتی در کشور بیگانه، خوب است. تصاویر زیاد دارد، یک لست زنان افغان که برای تحصیلات عالی بخارج رفته اند و همچنان تصاویر زنان هنرمند در آن درج است. سعی و همت بانو و سیمه عباسی در تهیه و نشر این کتاب قابل تمجید و تقدیر میباشد. مطالعه آنرا تکرار سفارش میکنیم.



(ابرو آفتاب) گلچین اشعار است از آقای رازق فانی بقطع و صداقت زیبا در حدود یکصد صفحه که با هتمام آقای دکتر صدرالدین شهابزاده در ساندیا گونشر گردیده قیمت آن فقط پنجاه الی شصت ریال میباشد. چنانکه من در چند مجلس گفته ام فانی در مقام شعر شاید روزی جای مرحوم خلیلی را پر کند. در اشعار رازق فانی میراث شکوه مند سائی و جامی و مولانا مشهود است و اگر چه اکثر بسبک خراسان شعر میسراید ولی هرگاه بسبک هندسخن گوینده طوطیان را شکرشکن سازد مطالعه این اثر برای افغانهای آواره فرحت میبخشد.

لنگه، سرای شهزاده همه بتاراج رفته و یگانه سرای که تاجندروزی پیش قسما چور نشده بود سرای افغان مارکیت واقع در وسط مسجدیل خشتی و سرای لطیف است ولی سپاهیان شورای نظار در روزروشنی لاریه را آورده داخل مارکیت شدند و همه اموال دکانها را بموترها بار کرده هر قدر پول نقد بود بزرور تفنگ گرفتند و در اخیر سرای مذکور را آتش زدند و رفتند. اوگفت در اثر مقاومت دکانداران چهار نفر شدیداً زخمی شده ۵ ک دران یکدختر ۱۳ ساله يك دکاندار نیز شامل میباشد. اکثر دکانداران افغان مارکیت هشتوزبان میباشد.

۲۰ اگست - بحواله (ولدرپورت) مقامات حکومت تاجکستان گفتند که روز دوشنبه بتعداد ۲۵۰ نفر جنگجویان از خاک افغانستان بر قوای روسی مقیم در سرحدات تاجکستان حمله نموده و بعد از پنج گلهت جنگ شدید که از تانک و راکت نیز کار گرفته میشد قوای روسی عقب نشینی کردند. وزارت خارجه روسیه اعلان نمود که ۷ نفر عسکر روسی و پنجاه نفر از جنگجویان اخوانی کشته شدند. قوای روسی بدرخواست حکومت کمونستی تاجکستان در امتداد سرحدات افغانستان سبک رفته اند.

۲۲ اگست - گزارشها از پشاور حاکیست که در بمباردمان مواضع و قرارگاه گلبندین در چارسیاب پیلوتهای هندو بمباردمان را اجرا نموده بودند. نشریه امید ارگان تبلیغاتی ملاریانی نیز این خبر را نشر کرده است. فرانس پرس نیز خبر اشتراک پیلوتهای هندی را از قول منابع گلبندین تا شید نموده است. از دوهفته با اینطرف اخبار مربوط به پرواز و توقف طیارات هندی بمیدانهای بگرام و جبل السراج که تیل طیاره و اسلحه برای مسعود میرسانند نشر شده است. اگرچه رژیم ربانی و حکومت هند هر دو این اخبار را تکذیب نمودند اما منابع جهادی در پشاور بر وایت افغانهای مقیم چهار ریکار فرود آمدن و تخلیه طیارات هندی را در جبل السراج بچشم خود دیده اند. همکاری تجار و نظامی حکومت هند با رژیم ربانی وقتی استحکام و تقویت یافت که گلبندین حکمتیار معاون نهضت از ادیخواهی خالستان را پذیرفته و حمایت خود را از مبارزه از ادیخواهی سکه های خالستان اظهار نموده بود. حکمتیار همچنین مبارزه از ادیخواهی مردم کشمیر را حمایت نموده حتی بقرا را خبر منتشره از منابع هندی پیروان خود را برای جهاد بکشمیر اعزام داشته بود. سیاست خارجی عنعنوی افغانستان در پنجاه سال اخیر از نهضت از ادیخواهی کتله های اسیر حمایت نموده است. حکومت هند بمقابل حمایت حکمتیار از نهضت از ادیخواهی سکه های خالستان عکس العمل شدید داده علاوه بر آنکه به حکومت ربانی تیل طیاره، اسلحه و مواد مهم لوژستیک میفرستد، از هروسيله بشمول اعزام پیلوتهای هندی برای از بین بردن حکمتیار دریغ نخواهد کرد. ایینه افغانستان در حالیکه ربانی و حلقه جنايتکاران او و گلبندین و حلقه جنايتکاران او را مردود و مطرود می شمارد و ارزشمند قطع جنگ و استقرار صلح در کشوری باشد، مداخله هندوستان را در امور داخلی افغانستان بشدت تقبیح مینماید. حکومتهاى هندوستان تجاوز شوری با لای افغانستان را نه تنها تقبیح نکردند بلکه با کمونستهای افغان نزدیکترین مناسبات داشتند و در پالیسی رسمی دولت هند تجزیه افغانستان يك هدف میباشد. ملت شریف افغان این نکته را درك نموده هرگز با لای حکومت مغرض و مخرب هندوستان اعتماد نخواهند کرد.

۲۴ اگست - نواز شریف صدراعظم سابق پاکستان در حالیکه به تهدیدات حکومت هندوستان جواب میداد از موجودیت بمب اتومی در پاکستان اعتراف کرد ولی به نظریهوتو این خبر را تکذیب نمود. روزنامه معروف وال ستریت ژورنال در شماره مورخ ۲۴ اگست خود در صفحه اول بیانات نواز شریف را اقتباس نموده نوشته است که احتمال استعمال بمب لروی از طرف پاکستان بمقابل پاکستان موجود است. بهر حال تا جاشیکه به افغانستان مربوط است در حالیکه جنگهای متعددی بین دولتهای ایران و عربستان سعودی توسط حزب وحدت و سیاف و هابی در کابل رخ داده بعد از این امکان این بدیختی نیز موجود است که در اثر حرص و دوام غصب ملا ربانی جنگ بین هندوستان و پاکستان نیز در کابل چاق شود. انکشاف جنگ و تباهی در کابل و اطراف آن نمودار بی کفایتی و استفاده جوی ربانی و حلقه پیروان او از پیکر نحیف کشور میباشد.

۲۲ اگست - آقای اسماعیل مفیهدو والی مشهد بخیرنگاران گفت که مهاجرین افغان زندگی مردم منطقه را مختل ساخته اند. او گفت در بعضی نواحی شهر مشهد افغانها بفروش مواد مخدر، قتل، اختطاف، دزدی و تجاوز بر زنان اشتغال داشته زندگی عادی را بهر مردم منطقه مشکل ساخته اند. سال گذشته مفییدی ۳۰۰۰۰۰ افغان را قهرا از ولایت خود بخاک افغانستان اخراج نمود و گفت را خبر او مبنی بر اتمامات جدید گویای اقدامات تازه برای اخراج تعداد بیشتر مهاجرین افغان میباشد. بیانات اها انتامیز والی مشهد در همین شماره باقتباس از روزنامه منتشره در لاس آنجلس گزارش یافته است.

۲۳ اگست - ریوتر خبر داد که حکمتیار ۴۳ راکت بر شهر کابل فیر نمود که یک نفر مقتول و ۱۵ نفر زخمی شدند. دوحانه مسکونی منهدم و چندین تائی دیگر آسیب دیدند. بموجب خبر دیگر در چند روز اخیر ۲۰ نفر مقتول و ۹۹ نفر زخمی شدند.

۲۶ اگست - ریوتر خبر داد که نصرالله با بر در پالمان گفته است که در شهر تجار و رتی کراچی اکثر مهاجرین غیر قانونی را آوارگان ممالک همسایه تشکیل میدهد که باعث جنایات، بیحرمتی و قاچاق قهری شده اند. خبر علاوه کرده که دولت پاکستان عنقریب با خراج خارجیهای مقیم کراچی اقدام خواهد کرد. تعداد آنها بیک میلیون تخمین شده است.

۲۶ اگست - ریوتر از قول رادیو کابل خبر داد که در اثر فیر راکت های گلبندین ۱۰ نفر مقتول و تعداد دیگری مجروح شده راکت های گلبندین هتل انترکاننتینا نتل و مواضعی را هدف قرار دادند که نما بندگان کنفرانس هرات برای مذاکره پیرامون تشکیل لویه جرگه و تطبیق اعلامیه کنفرانس هرات تجمع شده بودند. گلبندین حکمتیار کنفرانس هرات و اعلامیه آنرا تقبیح نموده و پیروان او گفته اند بهر جا که لویه جرگه ربانی را بر گردد فیر خواهد کرد. ملاریانی در نظر دارد در لویه جرگه ساخت خودش بازم خود را برای يك دوره دیگر مقرر کنند.

۲۶ اگست - محمود میستری نماینده خاص سرمنشی م برای افغانستان در يك اعلامیه مطبوعاتی بتاریخ ۲۴ اگست گفت که بدوره دوم کار خود برای جستجوی راه حل و استقرار صلح در افغانستان شروع کرده بهمکره با

جوانب ذی‌علاقه پرداخته تا مقدمات لویه جرگه عنعنوی ملی افغانستان را با اشتراك همه جوانب درگیر و سایر گروه‌های افغانها بشمول دانشمندان و اهله خبره فراهم سازد. وی گفت با سه نفر از امیران تنظیمها یعنی سید احمدگیلانی، مولوی محمدنبی محمدی و شاعلی محمد اف محسنی را جمع بمقدمات تدویر لویه جرگه مذاکراتی انجام داده است. هکذا با یکعه افغانهای سرشناس بشمول نماینده جمعیت ربانی و برخی ماورین وزارت خارجه ربانی مذاکراتی انجام داده است. وی علاوه کرد که در اواسط اگست با محمود کریموف رئیس جمهور ازبکستان در تاشکند ملاقات و مذاکراتی انجام داده است. محمود میستری گفت در ملاقات با افغانها و اعضای تنظیمها ضرورت تشکیل یک لویه جرگه اضطراری را گوشزد نموده تا یک حکومت مسئول انتقالی رویکار آید که قطع جنگ و آتش بس را تضمین کرده بتواند که این خواسته مردم افغانستان و مطابق بفیصله اخیر شورای امنیت ملل متحد میباید. وی گفت ما موریت هیات او با سایر پور جولای ۹۴ که از طرف شورای امنیت در ماه اگست تأیید و حمایت شده است، دوام خواهد یافت.

ایینه افغانستان از مطالعه این اعلامیه که درست یکماه بعد از اعلامیه کنفرانس هرات ما در شده متوجه شده است که مقامات ملل متحد کنفرانس هرات و اعلامیه انرا یک حادثه محلی تلقی نموده با معیارهای بین المللی و مطابق بپلان صلح ملل متحد نیافته در اعلامیه محمود میستری هیچنوع اشاره بکنفرانس هرات دیده نمیشود. واقعیت امر هم همین است که کنفرانس هرات یک خدعه ای بود که توسط پیروان ربانی برای سبوتاژ کردن پلان صلح ملل متحد دایر شده بود و یکعه عناصر تشنه قدرت و چوکی را جلب نموده بود که بهیچوجه از ازاره‌آزار ملت شریف افغان نمایندگی نداشته‌اند.

اعلامیه های داکتر صاحب محمدیوسف خان

داکتر محمدیوسف خان سابق صدراعظم افغانستان در اعلامیه مورخ ۲۷ اگست که اینبار از انجمن صلح افغانستان ما در نموده یکبار دیگر گفته های سابق خود را درباره مشروعیت و اهمیت کنفرانس هرات و اعلامیه آن تکرار کرده است. جناب داکتر یوسف خان که بعقیده اکثر روشنفکران افغان بعد از اشتراك در کنفرانس هرات و حمایت از اعلامیه ناقص و رسوای آن موقف و کردیت شان در بین روشنفکران مصدوم شده است تا حال بعد از مراجعت از هرات هشت مصاحبه و اعلامیه صادر نموده همه آنها جنبه تبلیغاتی داشته هدف آنها دوجیز بوده است یکی اینکه او تورن قومندان اسمعیل خان را بسویه با لایزالانسان یعنی معادل بقطب و ملک توصیف کرده و دوم اینکه کنفرانس هرات را بخاطر سهوی که خودشان در اشتراك آن نموده یک کنفرانس دارای صلاحیت ملی معرفی داشته در یکی از مصاحبه های خود این کنفرانس را بیگانه کنفرانس و اجد صلاحیت احضار لویه جرگه و نمود ساخته و آنهم بخاطر آنکه خودشان بحیث یکتا از صدراعظمان اسبق در آن سهم گرفته بودند. موقف داکتر صاحب یوسف خان از جلسه روز اخیر کنفرانس که در آن بارتباط اعلامیه کنفرانس هرات گفته بودند "ازین اعلامیه بوی خون می آید" تا بعد از آن که با ملاربانی در هرات ملاقات کردند ۱۸۰ درجه و بعد از آنکه بجرمنی رسیدند و با دوستان حلقه خود مشوره کردند ۳۶۰ درجه فرق نموده است. در بین افغانها شایع شده که داکتر صاحب یوسف خان بعد از ملاقات با ربانی (که بکنفرانس هرات هیچ وقع و اهمیتی قایل نشد) بوعده های میان تپی ملاربانی اتکا نموده که گویا بحیث اولین صدراعظم لویه جرگه ربانی با سما عیلخان نیز مقرر خواهد شد ولی ملاربانی که هفت بار بسویه ملی و بین المللی وعده استعفی و انتقال قدرت را بکنفرانس هرات داده بود و ایفا نکرد گمان نمیرود وعده خود را با داکتر صاحب یوسف خان ایفا نماید. وانگهی برای داکتر صاحب یوسف خان عیب است که صدراعظم یک ملای دروغگوی غاصب و قاتل و با جمعیت رسوا و قاچاقچیان او مقرر گردد. شواهدی از گفتار و بیانات جناب داکتر محمدیوسف خان بدست آمده که میرساند هدف انعقاد کنفرانس ویسلنگ و تشبثات حلقه گرداننده آن متوجه دایر ساختن کنفرانس هرات بوده است - بعبارت دیگر حمایت جناب داکتر صاحب یوسف خان برای دایر شدن کنفرانس هرات ماه ها قبل توسط اقایان جلیل شمس و دکتور عزیزلودین تأمین شده بود. حتی از هرات شنیده شد که ملاربانی اصلاً نمیخواست بهرات برود و تصمیم رفتن را بهرات در آخرین روز ختم کنفرانس بخاطر دیدار و مذاکره با جناب داکتر صاحب یوسف خان گرفت که توسط تورن اسماعیل خان والی هرات چراغهای سبز نمودار جذب داکتر صاحب یوسف خان برپا می داده شده بود. ایینه افغانستان بهموطنان و روشنفکران هوشدار میدهد که بیانات و مصاحبه ها و اعلامیه های داکتر صاحب محمدیوسف خان و "انجمن صلح ویسلنگ" بارتباط کنفرانس هرات و لویه جرگه ناشی از آنرا دوسه بار با تفکر و تعمق بخوانند و خوش بآوردند.

۲۸ اگست - آژانسهای خبری از اسلام آباد خبر دادند که آقای محمود میستیری وزیر خارجه سابق تونس و نماینده خاص سرمشرم برای افغانستان که در تلاش جستجوی یک راه حل مسالمت آمیز برای معضله افغانستان و قطع جنگ میباید از طرف یک گروه افغان تهدید بمرگ شده است. یک دیپلمات مقیم اسلام آباد گفت "گروه تهدیدکننده با این وسیله میخواهد عملیه صلح را که توسط ملل متحد برای افتیده متوقف سازد. ۱۰۰۰ پنهانی خواهند بملل متحد اخطار دهند تا مساعی خود را متوقف سازد..."

ایینه افغانستان شواهدی بدست آورده که گروه تهدیدکننده بجمعیت اسلامی ملاربانی تعلق دارد و این تهدید بمشوره ربانی - مسعود اسمعیلخان ما در گردیده زیرا تورن اسماعیلخان فقط چند روز قبل از صدور این تهدید به اجرات و عملیات و مذاکرات محمود میستیری بشدت انتقاد کرد و حتی گفت ملل متحد حق و صلاحیت مذاخله در مورد داخلی افغانستان را ندارد. قهر و عتاب تولیمشر صاحب اسماعیل خان بالای محمود میستیری بیشتر بخاطر آن بود که محمود میستیری بکنفرانس هرات و اعلامیه هرات واقعی نگذاشته و تصمیمات آنرا برای حل معضله افغانستان مطابق با رزشهای حقوق بشر و معیار کار ملل متحد نیافته است.

سند دوم مقاله ایست که در شماره ۱۲۲ نشریه (امید) ناشر افکار و تبلیغات رسمی رژیم ملاربانی بزیروان مستعار دکتور مسعود آرام نشر شده است. این مقاله را بدقت بخوانید ملاحظه میفرمائید که باید توسط یک حلقه ای (نه بکنفران) نوشته شده باشد که تمام اسناد و یادگومنتهای ملل متحد را در اختیار دارد. این مقاله توسط داکتر روان فرهادی و حلقه هتیمکاران او در نیویارک نوشته شده در نشریه امید بزیروان مستعار چاپ شده است. هدف این مقاله عیناً مانند گفتار تولیمشر صاحب محمد اسماعیلخان عملیات و اقدامات صلح پسندانه ملل متحد و هیات خاص آن تحت ربانست محمود میستیری را برای جستجوی راه حل مسالمت آمیز انتقاد نموده و

خصوصاً را پور فعالیت‌های محمود میستیری را خارج از چوکات صلاحیت ملل متحد نشان داده آنرا بیسود و حتی مداخله در امور داخلی افغانستان تعبیر نموده است. از هموطنان خواهشمندیم مقاله تحت عنوان "ملل متحد و نظریه بر بعضی از نکات گزارش هیئت خاص آن" را در شماره ۱۲۲ (امید) بدقت مطالعه و از روزنامه امید بخواهند تا نام و آدرس و نمبر تلفون آقای مسعود آرام را که در کدام کشور و کدام شهر زندگی دارد معرفی کند تا مردم بدانند این مقاله واقعاً توسط یک فرد بیطرف و متفکر نوشته شده یا توسط دستگاه تبلیغاتی رژیم ربانی؟

ثبوت سوم در واقعیت صدور تهدید بقتل محمود میستیری توسط ایجنتهای جمعیت ملا ربانی بدون شک سندیت در سه صفحه که داکتر روان فرهادی نماینده مالاخوه شیخ در نیویارک بتاريخ ۲۲ اگست بسمش ملی متحد ارسال و بضمیمه آن متن انگلیسی بیانییه سخنگوی (؟) وزارت خارجه کابل از تاریخ ۱۴ اگست بجواب اعلامیه رئیس شورای امنیت از تاریخ ۱۱ اگست را گسیل داشته است. متن انگلیسی این سند در بخش انگلیسی مطالعه شود. چنانکه میدانیم در کابل نه وزارت خارجه وجود دارد نه سخنگوی. یگانه سخنگوی امور خارجی کابل مسعود خلیلی است که از اسلام آباد اواز رژیم ملا ربانی را وقتاً فوقتاً بالا می‌کند. ملا در کابل چنین شخص را سراغ نداریم که در ظرف پنج روز بعد از صدور اعلامیه رئیس شورای امنیت (بتاریخ ۱۱ اگست) جواب اعلامیه را بتاريخ ۱۴ اگست به نیویارک برساند انهم بزبان انگلیسی. این سخنگوی همی شخص داکتر روان است که خودش در نیویارک يك متن انگلیسی را ترتیب و بزریر نام بیانییه سخنگوی وزارت خارجه آنرا بملل متحد ارسال نموده. اصل متن بفارسی توسط داکتر روان تحریر و سپس توسط غفورزی بزبان انگلیسی ترجمه شده است زیرا این بیانییه سخنگوی وزارت خارجه کابل را از تاریخ ۱۴ اگست حتی نشریه (امید) هم را پور نداده است و هیچ اژانس خبررسانی دنیا آنرا نشینده است. ما ترجمه فارسی دپاراکراف این نامه را ذیلاً تقدیم میکنیم تا هموطنان ملاحظه کنند که دولت ملاربانی ازینکه ملل متحد بکنفرانس هرات هیچنوع اهمیت داخلی و خارجی قایل نشده چقدر سراسیمه و منفعل میباشد:

« با وجود بعضی مواد مثبت و اطمینان دهنده که در بیانییه رئیس شورای امنیت شامل میباشد با تاسف یادداشت میشود که بیانییه مذکور بعضی مسائل و انکشافات مهم دیگر از آنجمله دایر شدن شورای عالی اسلامی هرات را که نماینده های با صلاحیت ملت در آن اشتراك داشتند تذکر نداده است. دولت اسلامی افغانستان متوقع بود که بیانییه رئیس شورای امنیت همچنین تصامیم تاریخی شورای عالی اسلامی را بمنظور حل بحران کنونی در نظر میگرفت و حمایت میکرد.

دولت اسلامی افغانستان متوقع است که ملل متحد مساعی خود را برای حل پروبلم افغان موازی با اراده اظهار شده ملت افغان منسجم سازد و همکاریهای خود را برای تدویر مجلس کبیر ملی بتاريخ ۲۳ اکتوبر ۱۹۹۴ بمنظور تصویب قانون اساسی و انتخاب زعامت سیاسی و مسائل مهم دیگر مربوط بسرنوشت ملت افغان دوام بدهد.

(دپاراکراف دوم فوق دونکته قابل یادداشت خاص است: یکی اینکه رژیم ربانی از ملل متحد توقع میکند تا فعالیت های خود را جهت حل قضیه افغان با (اراده اظهار شده ملت افغان)) منسجم سازد. و مقصد از «اراده اظهار شده» همانا اعلامیه کنفرانس هرات میباشد که از نظر حقوق و عنعنه از ملت افغان نمایندگی نمیتواند. دوم اینکه اصطلاح لویه جرگه را که در متون انگلیسی نیز (Loya Jirga) نوشته شده و میشود، حتی مقامات ملل متحد نیز (لویه جرگه) مینویسند، زیرا در مورد افغانستان این اصطلاح کاملاً مفهوم بوده و بین المللیت یافته است. اما آقای روان فرهادی اصطلاح (GRAND NATIONAL ASSEMBLY) را در متن انگلیسی آورده که ترجمه فارسی آن (مجلس کبیر ملی) میباشد.

هنگامی که شما متن کامل سند ارسال داکتر روان فرهادی بعنوان سرمنشی ملل متحد را بخوانید و آنرا با متن نوشته آقای مسعود آرام (؟) مقایسه کنید به بسیار چیزهای دیگر نیز پی میبرید. از آنجمله این ادعای دیرینه مجله ایپنه افغانستان و مدیر مسئول آن که آقای داکتر روان فرهادی خود را ابالی خوج شین فروخته و او بی هیچ وجه و در هیچ موردی از افغانستان نمایندگی نکرده بلکه از شخص ملاربانی و منافع جمعیتی و موقعیهای شخصی او حمایت و نمایندگی داشته بشما ثابت میگردد.

مباحثه اعلحضرت پادشاه سابق با صدای امریکا مورخ ۱۲۸ اگست ۹۴

سوال اول - لطفاً با ارتباط بمرحله دوم ماموریت محمود میستیری و تحولات اخیر در داخل افغانستان شامل فعالیت های مختلف بین الافغانی نظرات تانرا ابراز بفرمایند.

جواب - مرحله دوم ماموریت محمود میستیری به تعقیب ماموریت اول هیئت ملل متحد آغاز گردیده است. چنانکه مطلع هستید نتیجه ماموریت اولی هیئت موصوف مثبت بوده لهذا برای توصل به هدف نهائی که تحقق اعاده صلح و امنیت در افغانستان میباشد عملیه مذکور وارد مرحله حساس تر شده است چنانکه قبلاً اظهار داشته ام حمایت خود را از فعالیت هیئت ملل متحد ابراز داشته آرزو مندیم هر چه زودتر با همکاری وسیع و همه جانبه صلح و امنیت در افغانستان اعاده گردد.

با اشاره بقسمت دیگر سوال شما افغانها در خارج و در داخل افغانستان بصورت انفرادی و دسته جمعی شامل فعالیت هستند که بالمجموع از اراده آزاد، حق خود ارادیت، عدم مداخلات خارجی و استحکام حکومت قانونی نمایندگی میکند. بناء این نکته قابل تاکید است که در هر مرحله و هر اقدام باید اراده آزاد افغانها و احترام مردم مشوره و تفاهم بین الافغانی شامل تمام اقشار ملت بدون تبعیض و تفریق در فضای اطمینان و مودت انجام پذیرد.

در امریکا و جه اشتراک شما ماه ۱۲۴

اگر مجله بشما نرسیده، گویا اشتراک شما نرسیده!

سوال - اعلامیه اخیر شورای امنیت را چگونه ارزیابی میکنید ؟

جواب - اعلامیه شورای امنیت حاوی مطالبی است که قبلا در سوال اول مراتب آن اظهار گردید بدین معنی که در اعلامیه مذکور واضحا از فعالیت هیئت ملل متحد و رایور مذکور حمایت بعمل آمده است . همچنان از حقوق مسلم ملت افغان با احترام از حق خود ارادیت، اراده، آزاد و عدم مداخله کشورهای خارجی حمایت صورت گرفته است که البته تمام این مراتب اعلامیه مورد تأیید میباشد.

سوال - باتوجه باینکه حکومت امریکا بقضیه افغانستان نقش جدی تر گرفته است نظر شانرا ابراز فرمایند.

جواب - حکومت امریکا باتوجه بقضیه المذاک افغانستان و خطراتیکه ازین ناحیه متوجه منطقه و جهان گردیده است علاقمند میباشد. فعالیت امریکا در سازمان ملل متحد و حمایت انکشور از ماموریت هیئت ملل متحد شاهد این واقعیت بوده اظهارات اخیر معینی وزارت خارجه امریکا در کانگرس با ارتباط بحل قضیه کشور و اعاده صلح و امنیت در افغانستان حاکی ازین است که مقامات مسئول در امریکا آرزومند اعاده صلح و استقرار امنیت در افغانستان و منطقه میباشد.

سوال - روابط کشورهای همسایه مخصوصا نقش پاکستان را در آینده چگونه ارزیابی میکنید ؟

جواب - روابط کشورهای همسایه همیشه حسنه و از احترام متقابل باید برخوردار باشد. روابط افغانستان و پاکستان روی علایق عمیق برادری استوار بوده پیوندهای عقیده، فرهنگ و روابط کهن تاریخ این علایق را ثابت و مستحکم نگه میدارد. افغانها و پاکستانیها دولت برادر و دارای سرنوشت مشترک هستند. تحولات سالهای اخیر نشان داد که این دولت تاچه حد باهم همبستگی داشته در مواقع خطیر تاریخ سرنوشت یکی چگونه طرف مقابل را متاثر مینماید.

پذیرائی سه ملیون مهاجرین افغان که همین اکنون در حدود يك و نیم ملیون هنوز در پاکستان وجود دارد شاهد این واقعیت میباشد. آرزومندیم هر دولت برادر بادرک واقعیت های عینی با همکاری با جامعه بین المللی مخصوصا ملل متحد و کنفرانس اسلامی در رفع معضله فعلی افغانستان که بمفاد منطقه و جهان است صمیمانه همکاری نمایند.

۲۸ اگست - نماینده فرانس پرس از تاشکند ضمن گزارشی که بارتباط تصادمات اخیر سرحدی بین افغانستان و تاجکستان داده است برای بار اول مداخله و دست داشتنی قومندان احمد شاه مسعود وزیر جنگ ربانی برای تقویت تاجکهای ناراض را در تحریک جنگهای سرحدی تذکر داده است. قبلا شایعاتی شنیده شده بود که آقای احمد شاه مسعود از پلانی پیروی میکند که تاجکهای دو طرف دریای امو را برای تاسیس تاجکستان بزرگ بسیج بسازد.

آقای موسوریس معاون هیئت خاص ملل متحد برای افغانستان در یکی از بیانات خود در اسلام آباد گفته است که اگر بعضی تنظیمها فکر میکنند که ملل متحد پلان و پالیسی خود را برای حل عادلانه قضیه افغانستان ترك میکند يك اشتباه است زیرا امضاء و عریضه حدود يك ملیون افغان نزد موسسه ملل متحد موجود است که از این موسسه جهانی بخاطر تطبیق معیارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر در افغانستان استمرا دجسته اند و موسسه ملل متحد مکلفیت دارد بدرخواست یکملیون بشر آواره و مظلوم ترتیب اثر بدهد.

نیویارک ۲۹ اگست - قرار است آقای پتروس غالی سرمنشی موسسه ملل متحد بتاریخ ۵ سپتامبر وارد پاکستان گردد تا در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی اشتراک نماید. موضوع بمب اتومی پاکستان که درین اواخر توسط صدراعظم سابق پاکستان روی جراید برآمده و در پارلمان هندوستان غوغائی پیا ساخته است نیز درین مسافرت مورد توجه قرار خواهد گرفت. هنوز معلوم نیست که در فعالیت های پتروس غالی دیداری با امیران تنظیمها شامل است یا خیر. اینقدر گفته میشود که شایعات مربوط به تهدید محمود میستیری از طرف يك گروه افغان در اسلام آباد (بعقیده ایینه افغانستان این گروه جمعیت اسلامی ربانی به تحریک قومندان مسعود و اسماعیل خان توسط مسعود خلیلی میباشد) مقامات ملل متحد را اندیشمند ساخته و اگرچه دولت پاکستان ترتیبات امنیتی محمود میستیری را ترغیب بخشیده است مع هذا درین موضوع مذاکراتی بین غالی و میستیری انجام خواهد یافت.

در جنگهای هفته اخیر در کابل که بسیار شدیدتر و جدی تر از هفته پار جریان داشت هر دو طرف متخاصم بقتل صدها نفر مردم بیگناه پرداخته اند. جانب گلبدی راکت های بیشتر فیر نمود که با اهداف مهم اصابت کرده از قبیل يك بدنه هتل انترکان تیان تل که هیئت کمیسیون لویه جرگه اسماعیل خان در آن جلسه و مذاکرات داشتند. رژیم ربانی در حالیکه از اصابت راکت بان قسمت هتل که جلسه کمیسیون اسماعیل خان دایر بود اطلاع داده اما از وقوع تلفات و تعداد تلفات چیزی نگفته است. موضع دیگر همانا بانك مرکزی یا د افغانستان بانك میباشد که در جوار ارگ قرار دارد و درین جا بانکنوتهای چاپ ماسکو قرار داشت که ملا ربانی توسط آن جنگ و مقاصد سیاسی خود را پیش میبرد. قرار مسموع رژیم ربانی توسط جلیل شمس و برهنمائی پکله افغانهای صاحب رسوخ در المان يك کمپنی المانی را راضی ساخته تا بعد ازین بانکنوتهای او را در المان چاپ کنند. دولت روسیه بعد از اخطارهای شدید احزاب مخالف رژیم ربانی چاپ بانکنوتهای جیب خرچ او را جواب رد داده و امید است دولت المان نیز یکمپنی مربوطه نسبت مشروع نبولن حکومت ربانی و اینکه او بمصرف ملت فقیر افغان بطور غیر قانونی بانکنوت چاپ و برای امور جنگ و کشتار مردم مصرف میکند سفارش لازم را بنماید. دولت و مردم افغانستان هر دو ملتیراکه برای رژیم غاصب و غیر قانونی ربانی بانکنوت چاپ کند مسئول عواقب وخیم این موضوع میباشد و از افغانهای مقیم المان خواش میشود تا این موضوع را بتوجه دولت فدرال المان برسانند. طیارات ربانی نیز مواضع مردم پید فاع را وحشیانه بمبارد مان کرده صدها نفر را بقتل رسانده است. اشتراک پیلوتهای هندو نیز شایع شده است.

میلاد مبارک حضرت رسول الله (صلم) ۷

روز جمعه ۲۷ اسد ۱۳۷۳ مطابق به ۱۸ اگست ۱۹۹۴ میلاد میمون حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم، خاتم المرسلین، سردار مستضعفین، فخر هردوسرا، محبوب رب العالمین (ج)، گوینده قران و پیغمبر مسلمین بود و جهان اسلام این روز خجسته را بشایستگی حرمت و استقبال نمود.

آقای صفی الله التزام خبرنگار آیین افغانستان از نیویارک خبر داد که در تجلیل این روز خجسته در مسجد جامع سید جمال الدین افغانی واقع فلشنگ نیویارک مجلس بزرگی ترتیب شده بود که در آن علماء دانشمندان و مهاجرین افغان و مسلمانهای سایر ممالک اشتراک ورزیده بودند. بعد از ختم قران مجید، جناب مولوی صاحب محمد نبی خان یوسفی امام مسجد مذکور پیرامون شخصیت، حلم و اخلاق و مبارزات پیغمبر (صلعم) برای عالم اسلام و بشریت بیانیه مفصلی ایراد فرمودند و متعاقباً جناب الحاج استاد شمس الدین متین سلجوقی یکتا از مشاهیر هرات، شاعر، نویسنده و صوفی نیز بیانیه مفصل و پرشور ایراد کردند که طرف علاقه خاص حاضرین مجلس قرار گرفت. در ختم محفل برای استقرار صلح و سلم و موفقیت و همبستگی عالم اسلام دعا و فاتحه صورت گرفت و همچنان ختم قتل و قتال و برادر کشی در افغانستان را از بارگاه خداوند متعال مسئلت نمودند.

طرفه اینکه شخص حریص القدرتی مانند برهان الدین ربانی که بخاطر حرص دیوانه و اراو برای دوام غصب قدرت و چوکی ارگ روزانه حدود صد نفر مسلمان بیگناه در کابل بزیخ خاک دفن میشوند و خودش پیهم در تلاش ذخیره پول و ثروت از بیت المال مردم فقیر بحسابات بانکی خود در خارج کشور میبازد. اونیز رزو میلاد مبارک را در کابل تجلیل نمود. اگر یک شخص دروغگو، غاصب و قاتل، جانی و دزد بیت المال مانند ربانی بزور طیاره و بمباردمان و بدون رضائیت امت مسلمة، خود را خودش در مقام خلافت یک کشور مسلمان قرار میدهد، اینجاست که بمناسب میلاد پیغمبر اسلام، قران و ارشادات او را باید در نظر بگیریم و بحکم قران و ارشادات نبوی (صلعم) امت مسلمة باید بمقابل این جنایت کار قیام نماید و او را با قاتلین و آدمکشان دور و پیشش سرنگون و نابود سازند. و من الله التوفیق.

قسمتی از حمد محترم محمد کریم نصرتی

منزلش جان جای او در چشم ما
 می نشاند یاد خلقش خشم ما
 گریه قران چشم بینا باز شد
 گر دلی آگاه از این راز شد
 گر که قران هادی راهی شود
 ره رو شاگرد بی راهی شود
 می برد او را بمعراج دگر
 میکند تسلیم امواج دگر
 عشق سبحان بهترین عشقهاست
 حاصل این عشق ایمان صفاست
 (نصرتی) هر کس که با ایمان رود
 در حریم حضرت رحمان رود

آن محمد سید سالار ما
 پیشوای بهترین مقدار ما
 آن محمد سید پیغمبران
 آخرین اما مزید از دیگران
 در شب معراج از کیوان گذشت
 و آنچه از امکان نبود از آن گذشت
 این هما یون کین چنین سرور شدی
 تا حدود قله و قوسین بر شدی
 اوست فرزند هما یون شرف
 هستی او راست هستی ها هدف
 اوست شاگرد سخن پرداز عشق
 از پها مش میرسد آواز عشق

عشق حق سرمایه هستی ما ست
 از شراب عشق او مستی ما ست
 عشق حق اسباب دلداری ما
 زو علاج درد و بیماری ما
 عشق ما را چشم بینا میدهد
 عشق نور کبر دل ما میدهد
 عشق دوران ساز ایمان پرورد
 با خدا جوشی دل و جان پرورد
 عشق غیر از عشق او ندارد زوال
 عشق حق از دل برد زنگه ملال
 از خمیر عشق احمد افرید
 از ملک بر نند محمد (ص) افرید

هفتاد پنجمین سال استرداد استقلال افغانستان

در پایان جنگهای یکصد ساله ملت قهرمان و آزادی پرست افغان اردوهای متجاوز انگلیس مجبور بعقب نشینی و ترک خاک افغانستان شده میدان جنگ را باختند اما با نصب امیر عبدالرحمن خان بمقابل سردار محمد ایوب خان فاتح میوند سلطه و نفوذ سیاسی خود را برای مدت چهل سال دیگر تا پایان سلطنت امیر حبیب الله خان دوام دادند و با معاهداتی که بشکل تحمیلی و مصلحتی با امیر عبدالرحمن خان بستند یک قسمت خاکهای افغانستان را از پیکر مادر وطن جدا ساختند.

اعلحضرت غازی امان الله خان در هفته اول اعلان سلطنت خود جهاد بمقابل انگلیس برای استرداد استقلال افغانستان را اعلام نمود و دولت انگلیس بعد از مدارگیریهای سیاسی شاه امان الله را بعد اقل راضی ساخته با اثر معاهده ایکه امضاء شد استقلال سیاسی افغانستان را بتاريخ ۱۹ آگست مطابق ۲۸ اسد سال ۱۹۱۹ میلادی برسمیت شناخت. بعد از آن تاریخ تا اپریل ۱۹۷۸ که کودتای کمونستی صورت گرفت افغانستان بشمول نه ماه دوره سقوی واجد استقلال سیاسی بود با این تفاوت که بمنظور سقوط شاه امان الله و بقدرت رسانیدن بچه سقوی در سال اخیر سلطنت شاه امان الله مداخله انگلیس مضاعف و مشهود گردید و همچنان در مدت پنجاه سال جمهوری قلابی لیونی سردار مداخله شوروی سابق در امور داخلی افغانستان مستند و مشهود میباشد. افغانستان از اپریل ۱۹۷۸ تا خروج عساکر شوروی و بعد از آن تا سقوط رژیم نجیب در ماه اپریل ۱۹۹۱ استقلال سیاسی نداشت بلکه یک کشور تحت اشغال اتحاد شوروی بود.

در امریکا و جه اشتراک سالانه ۴۸ دالر

از اپریل ۱۹۹۱ تا ۱۹ اگست ۱۹۹۴ که رژیمهای تنظیمی بدون اراده و انتخاب ملت و مسوره و صوابدید اجنبیان در کابل مستقر گردیده اند، مداخله خارجی از شکل یکجانبه بچند جانبه انکشاف کرده، امیران تنظیمی بارتباط امور داخلی و ملی تحت نفوذ و اراده کشورهای همسایه و عرب سعودی قرار داشته، درین دوره افغانستان حتی برابر با دورهٔ بچه سقو هم استقلال سیاسی نداشته است. علاوه تا فجایع بشری (قتل، چور، غصب مال و جایداد مردم و دارائیهای ملی، اختلاس و رشوت و دستبرد به بیت المال ملت، تجاوز برناموس مردم و قتلهای دسته جمعی) از آغاز حکومت برهان الدین ربانی در جون ۱۹۹۱ تا امروز در تاریخ دوهزار سالهٔ افغانستان بشمول دورهٔ استیلاي چنگیز سابقه نداشته است.

معهدا برهان الدین ربانی با بیحیایی خاصی که در نتیجه دوام حکومت غیر قانونی و تکرار غصب حاکمیت مردم براو مسئولی شده فرمان تجلیل سالروز استرداد استقلال افغانستان را صادر نموده است. اگرچه این تجلیل محضاً روی کاغذ در شماره ۱۲۲ (امید) سیاه شده چونکه سفیران و شارژدافران ربانی در خارج هیچکدام این روز والا را از ترس هجوم و اعتراض افغانهای غیض آلود تجلیل نتوانستند و در کابل نیز خودش در تاکا و هاپنها ن بود؛ طرفه اینکه ربانی در پیام خود گفته «... ملت افغانستان دیگر اجازه نخواهد داد که چند نفر از رهبران تنظیمها دربارهٔ آینده کشور در خارج کشور تصمیم بگیرند...» خود این گفتار از یکطرف گویای عدم استقلال کشور بوده، از جانب دیگر ربانی نه تنها به نمایندگی از ملت سخن رانده نمیتواند چونکه منفورترین رئیس حکومت تحمیلی در کابل بوده است بلکه خودش بحیث رئیس یک تنظیم تبعیض گراچه فضیلتی بیشتر از سایر روسای تنظیمها دارد که خودش در ارگ بشیند و دیگران را بدر وازهٔ لاهوری اجازهٔ دخول ندهد؟! این طرز العمل ربانی نمودار این حقیقت است که او افغانستان را تنها و محض برای پیروان جمعیت و خویشاوندان خود میخواهد و دوام حکومت او معنی قتل عام و تباهی کامل تمام پشتونها و ازبکها و هزاره های افغان را خواهد داشت. ازینجاست که قیام ملی و اسلامی بمقابل ربانی غاصب و حکومت او وظیفهٔ ملی و اسلامی هر فرد افغان شریف و مسلمان میباشد. و من الله التوفیق.

تا زمانیکه حکومت غاصب ربانی سرنگون نشود و یک حکومت مستقل و آزاد بارادهٔ ملت تشکیل نگردد، کشور عزیز ما افغانستان استقلال نخواهد داشت !!!

اعلامیه شورای امنیت ملل متحد

شماره ۴۳ مورخ ۱۱ اگست ۱۹۹۴

رئیس شورای امنیت در جلسهٔ (۳۵۱۴) شورای امنیت بتاريخ ۱۱ اگست ۱۹۹۴ بارتباط بحث و غور شورای امنیت برفقرهٔ تحت عنوان اوضاع افغانستان اعلامیهٔ آتی را از طرف شورای امنیت صادر کرد:

« شورای امنیت با کمال قدردانی از مساعی هیئت خاص ملل متحد در افغانستان، باسناد فیصله نامهٔ شماره (۲۰۸) مجمع عمومی ۴۸، تحت ریاست سفیر محمود مستیری از گزارش تاریخی اول جولای ۱۹۹۴ که تحت شماره (۷۶۶) اسناد شورای امنیت صادر شده و بطور خاص از توصیه های حاوی فقره (۴۰) آن گزارش حسن استقبال میکند.

شورای امنیت قدردانی خود را از مردم و رهبران افغانستان که به هیئت خاص میسر شده است اظهار میدارد. شورای امنیت از همه افغانان تقاضا میکند تا با هیئت خاص ملل متحد در جهت مساعدت با افغانان بمنظور آغاز پروسهٔ سیاسی صلحجویانه متوجه خاتمه دادن بمنازعات ایشان همکاری نمایند.

شورای امنیت از تداوم جنگ داخلی در افغانستان اظهار تالم مینماید. این جنگ داخلی سبب مرگ و تباهی مردم افغانستان گردیده و بباستقرار امنیت دیگر کشورهای منطقه تولید خطر نموده است. شورای امنیت از همه جوانب تقاضا میکند تا بمخالفت هایشان خاتمه داده در پروسهٔ مصالحهٔ سیاسی، باز سازی و رشد و انکشاف شامل گردند.

شورای امنیت از همه دول تقاضا میکند تا بمقصد ایجاد و تقویت صلح در افغانستان قدمهای لازم را گذاشته و جریان انتقال سلاح را بجوانب در گیر قطع کند و باین مقابله تباہ کن خاتمه دهند. همچنان شورای امنیت از جامعهٔ بین المللی جدا تقاضا میکند تا افغانان را در مساعی ایشان برای باز سازی کشور تباہ شده بهر اندازه که شرایط میسر شود، مساعدت نمایند.

شورای امنیت مساعی موسسات بشری ملل متحد را در افغانستان تحسین نموده و ضرورت آنرا که همه دول درین مساعی اشتراک کنند، مورد تأیید قرار میدهد.

شورای امنیت آمادگی خود را برای مساعدت بمردم افغانستان در مساعی شان برای عودت صلح و حالت عادی در کشور شان مجدداً تأیید نموده و کفورهای همسایهٔ افغانستان را تشویق میکند تا مساعی خویش را بدین منظور ادامه دهند.

شورای امنیت تعهد خود را بحاکمیت و تمامیت ارضی افغانستان مجدداً اعلام میکند...»

یادداشت اداره: این اعلامیه شورای امنیت که حدود بیست روز بعد از کنفرانس هرات صادر گردیده طوریکه ملاحظه میفرمایند هیچنوع تذکری از کنفرانس هرات نداده بلکه آنرا بحیث یک رویداد کوچک محلی بی اهمیت تلقی و بکلی نادیده گرفته است. ملل متحد مستشعر است که کنفرانس هرات از اکثریت مردم افغانستان نمایندگی نداشت و فقط توسط رژیم غاصب و غیر قانونی قصداً بمنظور سبوتاژ پلان صلح ملل متحد و دوام حکومت غیر قانونی ربانی دایر گردیده است.

در امریکا و به اشتراک سالانه ۴۸ دالر

طرح تشکیل اردوی ملی در جلسه هرات ۹

محترم دکتور عثمان روستار- ترهکی

جلسه هرات که بابتکار تنظیم جمعیت و حزب پرچم تشکیل گردیده بود چندین هدف را از نظر سیاسی تعقیب میکرد:

- «نظاره» بجستجوی راهای مصالحه از طرف حکومت کابل در شرایطیکه جنگ و حمله برضد مخالفین که استعفاء حکومت را مطالبه نموده اند، شدت بخشیده است.
- ایجاد درز و فاصله در میان اعضای شورای هم آهنگی با دعوت از حزب اسلامی برای اشتراک در جلسه و تشویق جلسه برای صدور فتوای جهاد علیه مجاهد کبیر (!) عبدالرشید دوستم (مراجعه شود با اعلامیه های اول گردانندگان جلسه).
- تجرید سیاسی حزب اسلامی در صورتیکه حاضر باشنراک در جلسه نشود.
- ایجاد ضربه «مسالمت آمیز» بر تلاشهای جاری هیات صلح ملل متحد. این تلاشها بترتیب یک پلان صلح برای کشور منتهی خواهد شد. ضدیت جمعیت - پرچم با پلان صلح ملل متحد دنباله تطبیق همان ستراتیژی است که دو سال قبل منجر به خنثی ساختن فعالیت های صلح «بینان سیوان» نماینده ملل متحد در رابطه با افغانستان گردید.

گردانندگان کنفرانس در پهلوی اهداف سیاسی فوق توصل بیک هدف مهم نظامی را در نظر داشتند که اهمیت آن هرگاه زیاده تر از مقاصد سیاسی نباشد، کمتر از آن نیست. این هدف نظامی تشکیل یک اردوی یکصد هزار نفری است. ترکیب این اردو را که در خصوصیت سمتی و ستمی آن شک و تردید وجود ندارد، از زبان جنرال عظیمی نطاف شورای هرات بشنوید: «... در اردو افراد حوزه های جغرافیائی مختلف موظف خواهند بود. مثلاً در قول اردوی مرکزی که ۱۸ هزار نفر خواهد داشت، ۴ هزار نفر از کابل، هزار نفر از نورستان، ۲۵۰۰ نفر از حوزه شمال، ۲۵۰۰ نفر از بدخشان، ۳ هزار نفر از بلخ، ۲۵۰۰ نفر از لغمان و ۲۵۰۰ نفر از کنرها اشتراک خواهند کرد...» (جریده امید شماره ۱۱۷ مورخ ۱۸ جولای ۱۹۹۴).

جنرال عظیمی در حالیکه از سهمگیری حوزه های مختلف جغرافیائی افغانستان در ترکیب اردو صحبت کرده است، بصورت قاطع و بی تردید بر این تاکید دارد که ترکیب ستمی اردوی تخیلی وی صدمه میزند از قلم انداخته است. این ولایات عبارتند از قندهار، ننگرهار، پکتیا، پکتیکا، لوگر، وردک و غیره.

واضح است که در شرایط ناگوار فعلی تشکیل اردو بمقصد تامین منافع تنظیمی فومی و سمتی کار کسانی است که نیت خیر برای احیای ثبات و امنیت در کشور ندارند و کمرا ایجاد ضربه مهلک را بوحث ملی و تمامیت ارضی آسیب پذیر کشور افغانستان بسته اند.

معلوم نیست که جرگه هرات که قطعاً حتی از گروههای منهدک جنگ و سیاست نمایندگی نکرده است چه رسد به تمثیل اراده مردم افغانستان صلاحیت اتخاذ تصمیم بزرگ را در رابطه به تشکیل لویه جرگه، انتخاب زعامت آینده و ترکیب اردوی ملی از کجا کسب کرده است؟

هرگاه چنین صلاحیتی را تنظیمها صرفاً بخاطر اینکه تفنگ بدست دارند، حق مکتسبه خود بدانند (شاید بهمین دلیل قوماندان اسمعیل خان قبل از برگزاری محفل هرات طی یک رسم گذشت عسکری خواست حق خود را بکرسی بنشاند) باید صریحاً اظهار کرد که جمعیت اسلامی و قوماندان اسمعیل خان در زعامت ساری وارد و پردازی اشخاص منحصر بفرد نیستند. دهها تنظیم و گروههای سیاسی غالباً باستشاره کشورهای مداخله گرجارجی مدعی استفاده از این حق خواهند شد، آنگاه یقیناً تضمینی برای اینکه اوضاع از بدتر نخواهد شد، وجود نخواهد داشت.

زمینه برای ایجاد اردوی ملی که واقعا انعکاس ترکیب جغرافیائی و نژادی افغانستان باشد، بعد از توافق عام و تمام گروههای درگیر جنگ و سیاست برای ایجاد یک حکومت ملی مساعد شده میتواند. پلان صلح موسسه ملل متحد برای افغانستان که عنقریب اعلام خواهد شد، همین مسیر را تعقیب مینماید. در اوضاع و احوال فعلی هموائی باتلاش های صلح ملل متحد بمقصد اعاده ثبات سیاسی در کشور و یا جبهه گیری علیه آن بهترین محک دریافت مدعیان صادق و یا کذائی تامین صلح در افغانستان است.

مژده ایدل که مسیحی نفسی می آید

محترم پوهاند محمدنادر عمر

شماره ۳۸ آئینه افغانستان بطور غیر مترقب مواصلت نمود و با خود نویدی داشت که منبهد هریانزده روز آئینه دار خواهیم شد و از اوضاع وطن که معروض بانکشافات سریع است آگاهی خواهیم یافت. واقعا تحمل بار سنگین تهیه مجله در فرصت کوتاه برای آن برادر گرامی طاقت فرسا است. از خداوند متعال برای موفقیت مزید تان طلب استعانت والتجای عافیت مینمایم.